

فرهنگ‌موزن

Farhang-e Muze

(Culture of Museum)
E. Quarterly Journal of Museum Curatorship

Autumn & Winter 2022

فصلنامه الکترونیکی تخصصی موزه‌داری

شماره پیاپی ۲۸

پاییز و زمستان ۱۴۰۰

موزه‌های دانشگاهی

فصلنامه الکترونیکی تخصصی موزه‌داری

دوره جدید

شماره پیاپی ۲۸ ■ پاییز و زمستان ۱۴۰۰

شماره مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۸۰۳۷۲

Farhang-e Muze

(Culture of Museum)

E. Quarterly Journal of Museum Curatorship

Autumn & Winter 2022

farhangemuze

farhangemuze

رضا دبیری‌نژاد / Reza Dabirinezhad

مدیر مسؤول

Managing Editor

بهرنگ ذوالفقاری / Behrang Zolfaghari

سردبیر مهمان

chief clerk

دکتر سجاد باغبان ماهر، دکتر مصطفی ده‌پهلوان

دکتر افسانه کامران، دکتر فواد نجم‌الدین

Dr. Sajjad Baghban maher

شورای مشاوران

Advisory council

Dr. Mostafa Dehpahlavan, Dr. Afsaneh Kamran

Dr. Foad Najmeddin

فاطمه احمدی / Fatemeh Ahmadi

مدیر اجرایی

Executive Manager

سید صدرالدین حقیقی / Seyed Sadreddin Haghghi

ویرایش و بازخوانی متون

Editing and Revising

دکتر مجتبی عبادی فتح / Dr. Mojtaba Ebadifath

ترجمه

Translation

باتشکر از: حمیدرضا حسینی، میلاد آزموده، نگار ساقریچی، مریم شریفی

Special thanks to: Hamid Reza Hoseini, Milad Azmodeh

Negar Sagharichi, Maryam Sharifi

حسن بردال / Hasan Bardal

گرافیست

Graphist

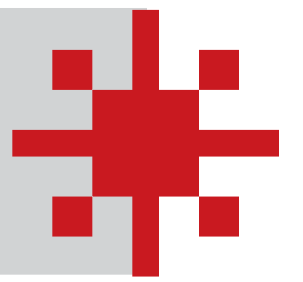
مرضیه بهنامی‌فر / Marzieh Behnamifar

صفحه‌آرا

Layouter

فهرست مطالب

با کلیک روی شماره صفحات به صفحه موردنظر بروید.



پیوند موزه و دانشگاه در موزه‌های دانشگاهی، رضا دبیری نژاد / ۵

The link between museum and university in the university museums
Reza Dabirinezhad / 8



نگاهی به چشم‌انداز و مهمترین فعالیت‌های کمیته بین‌المللی موزه‌های دانشگاهی
(UMAC)، فاطمه احمدی / ۱۰

A look at the vision and the most important activities of the
International Committee for University Museums
(UMAC), Fatemeh Ahmadi / 10



موزه‌های دانشگاهی، منزلگاه نشانه‌های ترقی، دکتر حبیب‌الله اسماعیلی / ۱۹
University museums, as homes to signs of progress
Dr. Habibollah Esmaeili / 19



تولد یک موزه به مثابه راه‌حلی برای مسئله هویت دانشگاهی
دکتر افسانه کامران / ۲۴

Birth of a university museum to solve the problem of identity
Dr. Afsaneh Kamran / 24



موزه‌های دانشگاهی و فضای متاورس، دکتر ایرج نبی‌پور / ۳۲
University Museums and Metaverse Space, Dr. Iraj Nabipour / 32



موزه‌های دانشگاهی و آموزش تعاملی، دکتر صفورا برومند / ۴۱
University Museums and Interactive Education
Dr. Safura Borumand / 41



موزه‌های دانشگاهی: عرصه‌های مغفول مولد دانش، دکتر جبار رحمانی / ۵۰
University Museums: The neglected centers of science production
Dr. Jabbar Rahmani / 50



کدام پارادایم؟ موزه‌های دانشگاهی، نیازها و مخاطبان
دکتر مه‌ران نوروزی آبادچی / ۵۵



Which paradigm? University museums, needs and audiences
Dr. Mehran Norouzi Abadchi / 55

جایگاه و آسیب‌شناسی موزه‌ها و مراکز آرشیوی در ساختار دانشگاهی
دکتر علی ططری / ۶۱



The position and pathology of museums and archival centers in the
academic structure, Dr. Ali Tatari / 61

موزه‌های دانشگاهی و تالار مفاخر، به‌رنگ ذوالفقاری / ۶۸



University Museums and Hall of Fame, Behrang Zolfaghari / 68

نقش موزه‌های دانشگاهی در پیشبرد پژوهش‌های باستان‌شناسی
دکتر مصطفی ده‌پهلوان / ۷۵



The role of university museums in advancing archaeological researches
Dr. Mustafa Dehpahlavan / 75

تأسیس موزه‌های اسناد و مفاخر تربیت معلم دانشگاه فرهنگیان
دکتر علی باقر طاهری‌نیا / ۸۰



Museum of documents and honors of teacher training of Farhangian
University, an everlasting capacity for university heritage
Dr. Ali Bagher Taheri Nia / 80

نگاهی به برخی از موزه‌های هنر دانشگاهی در جهان
دکتر سجاد باغبان ماهر، نفیسه یزدانی / ۸۷



A look at some of the university art museums in the world
Dr. Sajjad Baghban Maher, Nafiseh Yazdani / 87

پیوند موزه و دانشگاه در موزه‌های دانشگاهی



رضا دبیری‌نژاد

Reza Dabirinezhad

سرمقاله

مفاهیم موزه و دانشگاه از جایی که رشته‌های علمی تفکیک می‌شوند و نظام دسته بندی علوم به وجود می‌آیند به هم پیوند می‌خورند. موزه‌ها آثار و مجموعه‌ها را دسته بندی می‌کنند، برای دسته‌بندی و تفکیک آثار به نظام‌هایی نیاز است و این نظام‌ها حاصل دانش‌ها هستند، دانش‌هایی که در ساختار آکادمیک زاده می‌شوند و یا پرورش و تغییر می‌یابند. از این رو مفهوم دسته بندی و شناخت آثار را می‌توان حوزه مشترک دانشگاه‌ها و موزه‌ها تلقی کرد. از این منظر شاید بتوان نظام آکادمیک را علت پدید آمدن انواع موزه‌ها دانست و موزه‌ها را محصول دانش‌ها تلقی کرد. از این رو موزه خود یک منبع و دستاورد علمی محسوب می‌شود، پس می‌تواند مورد استفاده مراکز علمی هم قرارگیرد. از سوی دیگر نگاه سوژگانی موزه می‌تواند هر پدیده و نهادی را موضوع خود قرار دهد و کثرت کارکردهای موزه خود سبب پیوندهای موزه با نهادهای مختلف شده است و هر نهادی بستری برای پیوند خود با موزه پیدا می‌کند. دانشگاه هم به عنوان نهادی که همه رشته‌های دانشی را در خود جای داده است، می‌تواند پیوندهای اجتماعی مختلفی را با موزه برقرار سازد، از همین رو پیوند موزه و دانشگاه را نمی‌توان یک جنبه دانست و بنابراین موزه‌های دانشگاهی حاصل پیوندهای متکثر موزه و دانشگاه محسوب می‌شوند.

اگر موزه‌ها محل گردآوری و نگهداری دستاوردهای دانش هستند، دانشگاه‌ها هم به دستاوردهای دانش وابسته‌اند، از آن رو که خود دانشگاه هم محل تولید دانش و انتقال دانش هستند. بر همین اساس موزه و دانشگاه را در بنیان نمی‌توان دور از هم قرار داد، بلکه در رابطه‌ای دوسویه و مکمل قرار می‌گیرند، چرا که دستاوردهای دانشی دانشگاه‌ها اگر سبب تولید علمی و پژوهشی باشد باید روانه موزه‌ها شوند و با موزه‌ها پیوند بخورند. موزه‌ها نیز داده‌های خود را از طریق مطالعات دانشگاهی

توسعه می دهند. این گونه است که رابطه موزه و دانشگاه را می توان چند وجهی تلقی کرد.

از جنبه های دیگر می توان به ابژه شدن خود دانشگاه اشاره کرد، آنگاه که حضور دانشگاه مورد مطالعه قرار گیرد، دستاوردهای حضور به موزه راه می یابد، این حضور هم باید معطوف به دستاوردهای علمی و نقش آن در فرآیند دانش باشد. از این رو موزه دانشگاهی را نباید به موزه افتخارات سازمانی تقلیل داد، بلکه در موزه دانشگاهی باید به این سوال پاسخ داد که این دانشگاه چه ضرورتی داشته؟ و در فرآیند حضور خود چه نقش تولیدی در فرآیند دانش های مرتبط ایفا کرده است؟ و این موزه دانشگاهی چگونه می تواند محل عرضه مفاهیم دانش های موجود در دانشگاه به جامعه باشد؟ ابژه شدن دانشگاه بیشتر به حضور فیزیکی و یادگارهای فیزیکی آن می پردازد و نوعی گذشته نگری در آن وجود دارد، اما اگر موزه را نهادی در خدمت معرفی، آموزش و جریان سازی اجتماعی - فرهنگی تلقی کنیم این کارکردها باید معطوف به موضوع دانشگاه باشد و بتواند در امتداد فعالیت های دانشگاه کمک رسانی کند. با این نگرش است که موزه می تواند یا مجموعه برای مطالعه نظام دانشگاهی فراهم آورد و یا فضایی تجربه گرا باشد که همچون ابزار تکنولوژی آموزشی در خدمت آموزش باشد. از سوی دیگر موزه می توان اتصال نسل های مختلف موجود در دانشگاه اعم از آموزش دهنده و آموزش گیرنده باشد و یا نهادی برای گردآوری و نگهداری دستاوردهای دانشگاه نیز تلقی شود که در این صورت در کنار سایر نهادهای آرشیوی قرار گرفته و می تواند نقش تعاملی با نهادهای دیگر ایفاء کند. موزه های دانشگاهی با همین رویکردها و قابلیت های موزه جنبه های مختلفی به خود می گیرند و یک شکل نیستند بلکه می توان انواع مختلفی را در آنها مشاهده کرد.

اگر موزه را با مفاهیم و اشکال جدید آن نگاه کنیم که نهادی مضمون محور هستند و به تناسب شرایط زمانه می توانند مضامین خود را در اشکال مختلف روایت کنند و به سوالات جدید پاسخ دهند، نظام دانشگاهی هم مسائل مختلفی را در ادوار گوناگون در پیش روی خود دارد، از موضوعاتی که مربوط به علوم و دستاوردهای علمی هستند و موزه ها با رویکردهای علمی و یا مجموعه های علمی می توانند در این حوزه ها فعال باشند و یا مسائل هویتی و پیوند میان نسل های مختلف دانشگاهی که موزه ها با فعالیت های فرهنگ سازی در حوزه هویت می توانند در این زمینه نیز فعال باشند. واسطه گری در میان دانشگاه و جامعه نیز می تواند زمینه دیگری برای فعالیت موزه های دانشگاهی باشد که در این صورت باید موزه به عنوان پیشگاه دانشگاه عمل کند و در وهله نخست در پیوند تنگاتنگی با خود دانشگاه باشد و از سوی دیگر بتواند نقش ارتباطی خود با جامعه را به درستی ایفاء کند. در نظر داشته باشیم که

موزه‌های دانشگاهی به عنوان بخشی از نظام دانشگاهی باید جایی برای حضور و فعالیت اعضای دانشگاه اعم از اساتید تا دانشجویان باشد تا بتواند وظیفه خود را در برابر اعضای دانشگاه ادا کند و تعلق لازم را فراهم آورد. در این صورت موزه دانشگاهی می‌تواند جایی برای تجربه و کارآموزی دانشجویان یا فعالیت پژوهشی استادان باشد. موزه‌های دانشگاهی با ابعاد مختلف آن می‌تواند یک چشم‌انداز و یک ظرفیت باشد و در صورتی دست‌یافتنی خواهد بود که بتوان پیوند آن را با دانشگاه به درستی تعریف نمود و از سوی دیگر آن را در شکل و شمایلی محدود ننگریم و به یک تعریف محصور نکنیم و حتی آن را یک مکان ندانیم بلکه یک نهاد در نظر بگیریم و برای این نهاد سیاست‌گذاری‌های مناسبی در راستای سیاست نظام دانشگاهی انجام دهیم و در نظر داشته باشیم که برای تحقق سیاست‌های یک نهاد ابزار و سازمانی لازم است و در این صورت موزه دانشگاهی فراتر از یک مکان یا تالار تشریفات یک دانشگاه می‌تواند محلی برای جریان سازی علمی یک دانشگاه باشد.

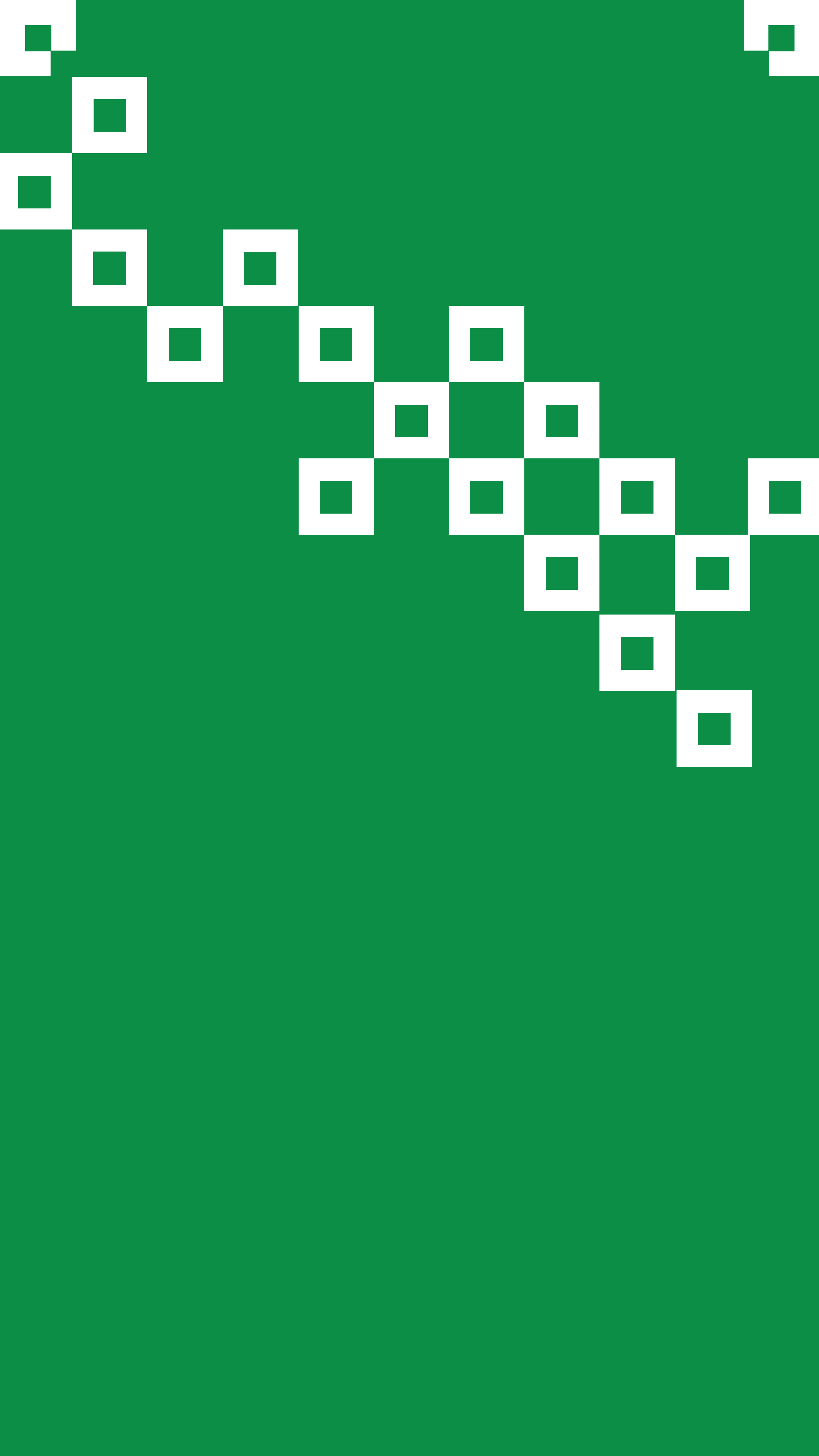
با توجه به ظرفیت‌های مختلف موزه‌های دانشگاهی و رشدی که در این سال‌ها در این حوزه شاهد بوده‌ایم و مجموعه پروژه‌هایی که در حال راه‌اندازی است بر آن شدیم تا در این شماره فرهنگ موزه موضوع موزه‌های دانشگاهی را با برخی دست‌اندرکاران این حوزه به بحث بگذاریم و هر کدام از منظر به این موضوع پرداخته‌اند که البته جای تحلیل‌های بیشتر هم دارد و امیدواریم در شماره‌های بعد هم بتوانیم ادامه این بحث را در مطالبی دیگر شاهد باشیم. قطعاً رشد و توسعه موزه‌های دانشگاهی می‌تواند بر کل جامعه موزه‌داری ما اثر بگذارد و راهگشای جنبه‌های تازه‌ای از فعالیت موزه‌ها باشد.

The link between museum and university in the university museums



Reza Dabirinezhad

The museum and the university are interconnected in different contexts and axes: one axis is based on the system of classification of knowledge and discrimination of works. The other axis focuses on the subject-oriented approach toward museums that lets them study any phenomenon and the museum itself can be used as a source and scientific achievement of the university. The other aspect is based on the achievements of the university: the achievements of science and knowledge and the achievements of the executive and structural activities of the university. Therefore, the museum is a capacity to present both types of achievements and the university is a capacity to develop studies in museums. The capacity of museums in educational services, and their media and communication role to consolidation and diversify the university's relationship with society are other parts of this article.



UMAC History

Where is UMAC?

UMAC-NATHIST-
ICME-ICR 2022

2021

Strategic Plan

Instituto Industrial e Commercial de Lisboa
Museo mineralogico



Fatemeh Ahmadi / فاطمه احمدی

کارشناس موزه ملی تاریخ پزشکی و عضو ایرانی کمیته بین المللی موزه های دانشگاهی

Executive Board member of the International Council of Museums (ICOM)

نگاهی به چشم انداز و مهمترین فعالیت های کمیته بین المللی موزه های دانشگاهی (UMAC)

A look at the vision and the most important activities of the International Committee for University Museums (UMAC)

چکیده:

موزه دانشگاهی در یک تعریف ساده به مجموعه یا مجموعه هایی از اشیا و آثار گفته می شود که به منظور تسهیل و کمک در امر آموزش و پژوهش در درون موسسات آموزش عالی قرار دارند یا به آنها وابسته اند. امروزه بیش از صدها موزه دانشگاهی در قالب مجموعه های تاریخ طبیعی و موزه های هنر و انسان شناسی و باستان شناسی، و غیره در دانشگاه های سراسر دنیا پراکنده اند. طبق آمار پایگاه جهانی کمیته موزه های دانشگاهی، در حدود ۴۰۰۰ موزه دانشگاهی در این سامانه به ثبت رسیده است. در چند دهه گذشته با تغییر رویکرد درباره ارتباط میان دانشگاه ها و جامعه و در رقابت با موزه های خارج از موسسات آموزشی، موزه های دانشگاهی در کشورهای توسعه یافته از مجموعه هایی ساکت، منجمد و محدود به امور آموزشی و پژوهشی و ساختارهای درون دانشگاهی به فضاهایی زنده و پویا جهت برقراری پیوند میان جامعه و دانشگاه بدل شده اند. در این مقاله سعی شده که چشم انداز و فعالیت های کمیته بین المللی موزه های دانشگاهی معرفی شود.

Abstract:

Expert of the National Museum of Medical History and Iranian member of the International Committee for University Museums

In a simple definition, a university museum is a collection or a series of collections of objects that are located within the higher education institutions or somewhere dependent to them, to facilitate and assist in education and research. Today, more than hundreds of university museums in the form of collections of natural history, art museums, anthropology and archeology museums, etc. are scattered in universities around the world. According to the world university museums database, about 4,000 university museums are registered in the system. Over the past few decades, with the changing approach to the relationship between universities and societies and in the competition with museums outside of educational institutions, university museums in developed countries have turned from static and limited places into living and dynamic spaces. This article tries to introduce the vision and activities of the International Committee for University Museums.

۱- پیشینه شکل گیری موزه های دانشگاهی در دنیا

دانشگاه ها را شاید بتوان نخستین موسساتی دانست که به مفهوم امروزی آن موزه تاسیس کردند. با رویکردی باستان شناختی، پیشینه وجود مجموعه های موزه مانند در موسسات و نهادهای آموزشی را شاید بتوان تا هزاره های دوم و اول پیش از میلاد و مجموعه های آموزشی مکشوفه در لارسا و مدرسه اور واقع در بین النهرین باستان یا عراق امروزی عقب برد.

موزه هنر و باستان شناسی آشمولین دانشگاه آکسفورد را که در سال ۱۶۸۳ م. افتتاح شد، می توان نخستین موزه دانشگاهی بزرگ و هدفمند به مفهوم امروزی آن دانست. در سال ۱۶۸۲ م. الیاس آشمول که پیشتر در سال ۱۶۶۹ از آکسفورد دکترای پزشکی دریافت کرده بود، در دهه ۱۶۷۰ م. مجموعه بزرگ و ارزشمند خود را متشکل از انواع و اقسام نمونه های زمین شناسی، جانورشناسی، گیاه شناسی، مردم نگاری و به ویژه اشیا عتیقه بود به دانشگاه اهدا کرد، با این شرط که دانشگاه ساختمانی را برای نگهداری مجموعه در نظر بگیرد و آنها را در معرض نمایش عموم قرار دهد. تا پیش از این زمان و این خواست پیشروانه آشمول، امکان بازدید عمومی از مجموعه های فراوانی که تا آن زمان توسط طبقه آریستوکرات گردآوری شده بود، وجود نداشت و به این ترتیب، موزه آشمولین نه تنها نخستین موزه دانشگاهی، بلکه در معنای وسیع تر، نخستین موزه مدرن در اروپا نیز بود. ساختمانی که به نمایش مجموعه الیاس آشمول اختصاص یافت، علاوه بر موزه

شامل کلاس های درسی و فضاهایی جهت پژوهش و حضور استادانی بود که حوزه علمی آنها به نحوی با مجموعه اشیا به نمایش درآمده ارتباط داشت. نخستین مدیران آشمولین علاوه بر اداره امور مربوط به موزه، به امر آموزش و پژوهش در دانشگاه نیز اشتغال داشتند.

در طی ۳۰۰ سال بعدی این مدل، یعنی کنار هم قرار گرفتن موزه و فضاهای آموزشی در قالب یک نهاد آموزشی- پژوهشی درون دانشگاهی به الگویی بسیار تاثیر گذار بدل شد.

امروزه بیش از صدها موزه دانشگاهی در قالب مجموعه های تاریخ طبیعی و موزه های هنر و انسان شناسی و باستان شناسی در دانشگاه های سراسر دنیا پراکنده اند. طبق آمار پایگاه جهانی کمیته موزه های دانشگاهی تعداد موزه های دانشگاهی به تفکیک قاره ها از این قرار است:

- آسیا: ۷۶۴ موزه
- اروپا: ۲۲۲۶ موزه
- امریکای شمالی: ۵۱۹ موزه
- امریکای جنوبی: ۳۲۴ موزه
- استرالیا و اقیانوسیه: ۳۳۶ موزه
- افریقا: ۲۱ موزه

مجموع موزه های دانشگاهی تا دی ۱۴۰۰: ۳۸۹۳ موزه دانشگاهی در سراسر جهان می باشد.

۲- اهداف و کارکردهای موزه های دانشگاهی در سطح دانشگاه و جامعه

در چند دهه گذشته با تغییر رویکرد درباره ارتباط میان دانشگاه ها و جامعه و در رقابت با موزه های خارج از موسسات آموزشی، موزه های دانشگاهی در کشورهای توسعه یافته از مجموعه هایی ساکت، منجمد و محدود به امور آموزشی و پژوهشی و ساختارهای درون دانشگاهی به فضاهایی زنده و پویا جهت برقراری پیوند میان جامعه و دانشگاه بدل شده اند. حرکت از سمت مخاطب محدود داخلی به مخاطب گسترده بیرونی در جهت افزایش تاثیرگذاری عمومی و از میان بردن فاصله میان دانشگاه و جامعه در دهه های گذشته یکی از مهم ترین انتخاب ها و چشم اندازهای موزه های دانشگاهی بوده است. به این ترتیب افزون بر مخاطب سنتی یعنی دانشجویان، استادان و پژوهشگران میهمان، موزه های دانشگاهی طیف مخاطبین خود را به تمام افراد جامعه گسترش داده اند. به یک بیان، موزه های دانشگاهی می توانند حلقه واسطی میان دانشگاه و جامعه باشند. بسط و توسعه نقش و

کارکرد موزه‌های دانشگاهی به بیرون از دانشگاه در واقع تعریف نوینی از رسالت دانشگاه‌ها در جامعه به دست داده است و در این چهارچوب دانشگاه‌ها نه تنها موسساتی متولی آموزش عالی، بلکه مسئول و فعال در امر آموزش عمومی نیز هستند.

با این حال، موزه‌های دانشگاهی به سبب وابستگی ماهوی خود به موسسات آموزش عالی همچنان کارکرد اولیه خود را در نقش نهادهای مکمل آموزش و پژوهش دانشگاهی حفظ کرده و آن را نیز بهینه کرده‌اند. موزه‌های دانشگاهی پیش از هر چیز ابزاری در خدمت آموزش جهت ایجاد بستری برای تجربه بدون واسطه اشیا توسط دانشجویان و استادان هستند (آموزش شی - محور). همچنین آنها می‌توانند میزبان پژوهشگرانی باشند که از سایر دانشگاه‌ها برای مطالعه و پژوهش بروی مجموعه منحصر به فرد آنها میهمان دانشگاه می‌شوند. علاوه بر این، موزه‌های دانشگاهی در کنار نقش کاربردی خود، در بالابردن اعتبار عمومی دانشگاه‌ها در جامعه علمی و نیز جایگاه و اعتبار دانشگاه در اجتماع نیز موثرند. به طور خلاصه، کارکرد و نقش موزه‌های دانشگاهی را در درون دانشگاه می‌توان در قلمرو آموزش و پژوهش دانشجویان و استادان و نیز تاثیر بر فضای عمومی تجربه دانشجویی خلاصه کرد. فراهم آوردن فرصت شناخت عینی و ملموس از آثار نه تنها فرایند آموزش را به ویژه در علوم طبیعی، هنر، باستان‌شناسی و رشته‌هایی از این دست تسهیل و جذاب می‌کند، بلکه می‌تواند الهام‌بخش دانشجویان بوده و شوق یادگیری و پژوهش بر روی آثار را در دانشجویان برانگیخته، تجربه دانشجویی را بهبود بخشد و مهارت‌های مرتبط با پژوهش‌های مجموعه محور را در نسل‌های بعدی پژوهشگران ایجاد و تقویت کند. بسیاری از موزه‌های دانشگاهی، محل کار و پژوهش استادان و محققینی هستند که به دانشگاه وابسته اند یا برای دوره‌های مشخص از فرصت مطالعاتی در موزه دانشگاه حضور می‌یابند.

کارکردها و فعالیت‌های موزه‌های دانشگاهی را در عرصه عمومی و ارتباط با جامعه می‌توان در چند حوزه دسته بندی کرد. موزه‌های دانشگاهی را شاید بتوان به درستی تنها فضا یا یکی از اصلی ترین فضاهایی دانست که در هر محله یا شهر به واسطه آن اعضای آکادمیک دانشگاه می‌توانند با عموم مردم جامعه ارتباط برقرار کنند. موزه‌های دانشگاهی می‌توانند در صورت برخورداری از طراحی فضایی مناسب به صورت گالری‌هایی در سطح محله و شهری که در آن قرار دارند، به هنرمندان فضایی برای نمایش آثار اختصاص دهند. بنابراین صرف وابستگی به یک نهاد دانشگاهی، عامل بسیار تاثیرگذاری در انتخاب محل نمایش آثار برای هنرمندان خواهد بود و با انتخاب یک گالری در موزه ای دانشگاهی برای نمایش

آثار فی نفسه هنرمند اعتباری از پیش تعیین شده برای نمایشگاه خود کسب می‌کند؛ عاملی که در انتخاب بازدیدکنندگان در گزینش مقصد برای بازدید از یک نمایشگاه هنری نیز بسیار مهم خواهد بود.

اما شاید یکی از مهم‌ترین کارکردهای اجتماعی موزه‌های دانشگاهی جایگاه و کارکرد آنها در رابطه با دانش‌آموزان مدارس باشد. دانش‌آموزانی که پس از اتمام تحصیل وارد دانشگاه‌ها می‌شوند، معمولا تا پیش از ورود به دانشگاه تصور و درک روشنی از فضای دانشگاهی ندارند. عموماً هیچ برنامه یا مکان مشخصی در دانشگاه‌ها برای گشودن پای نوجوانان و دانشجویان آینده به محیط داخل دانشگاه وجود ندارد. دانشکده‌ها، مراکز پژوهشی و نهادهای اداری و اجرایی دانشگاه‌ها هر کدام در حوزه فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و اداری خود مشغول بوده و عملاً فضا و بستری جهت رویارویی و حضور بیشتر کمی و کیفی دانش‌آموزان در محیط دانشگاه فراهم نمی‌کنند. موزه‌های دانشگاهی اما به دلیل ماهیت متفاوت خود می‌توانند این خلا را پر کنند و به نخستین تجربه عینی و ملموس دانش‌آموزان از یک محیط آموزشی و پژوهشی عالی تبدیل شوند. موزه‌های دانشگاهی با فراهم آوردن فضایی جذاب از طریق ایجاد ارتباط با دانش‌آموزان، معلمان و خانواده‌ها می‌توانند در ایجاد انگیزه واقعی و هدفمند در دانش‌آموزان برای تحصیل در دانشگاه موثر باشند. امروزه تقریباً تمام موزه‌های دانشگاهی در جوامع توسعه یافته ارتباط‌های سازمان یافته‌ای با نهادهای آموزشی پیش از دانشگاه در شهر خود دارند و برنامه‌هایی ویژه و هم‌راستا با مواد آموزشی مدارس برای این طیف از مخاطبین را با حضور فعال کارکنان موزه یا استادان و دانشجویان دانشگاه در قالب نشست‌ها و سخنرانی‌ها و نمایشگاه‌های ویژه جهت آشنایی دانش‌آموزان با رشته‌های مختلف علوم و بالا بردن تجربه علمی و آموزشی ایشان و برانگیختن شوق بیشتر به یادگیری برگزار می‌کنند.

۳- فرایند تاسیس کمیته موزه‌های دانشگاهی در ایکوم

گسترش و رشد موزه‌های دانشگاهی به عنوان نهادی که به دلیل پیوند ماهوی با موسسات آموزشی و پژوهشی نقش بسیار مهمی در رشد فرهنگی و علمی جوامع داشته‌اند، سبب شد در سال ۲۰۰۱ کمیته موزه‌ها و مجموعه‌های دانشگاهی (UMAC) در بدنه شورای بین‌المللی موزه‌ها (ICOM) شکل بگیرد.

کمیته بین‌المللی موزه‌های دانشگاهی که با نام اختصاری UMAC شناخته می‌شود مخفف Collection and Museums University می‌باشد که از این پس در زبان فارسی با عنوان «یومک» از آن یاد خواهیم کرد؛ در سال ۲۰۰۰ توسط یک

گروه بین‌المللی از متخصصین حرفه‌ای موزه‌های دانشگاهی، به شکل یکی از کمیته‌های مستقل شورای بین‌المللی موزه‌ها (ایکوم) به وجود آمد. این گروه طی جلسات و مباحثی که در این خصوص داشتند به این نتیجه رسیدند که موزه‌های دانشگاهی بحثی کاملاً متفاوت نسبت به کمیته‌های دیگر دارند. چرا که آنها بخشی از تاریخ موسسات آموزش عالی هستند که می‌توانستند به طور مستقل به هویت خود پردازند. کمیته جدید در ماه ژوئن سال ۲۰۰۰ توسط اعضای هیئت اجرایی ایکوم به وجود آمد و اولین کنفرانس سالیانه آنها در سال ۲۰۰۱ در بارسلون اسپانیا تشکیل شد. همزمان اولین اساسنامه و اولین اعضای کمیته اجرایی یومک تشکیل شد.

در سال ۲۰۰۵ اعضای هیئت اجرایی این کمیته، یک برنامه استراتژی با چشم‌اندازی روشن برای خود تهیه کرد. مانند هر کمیته دیگری این کمیته نیز در کنفرانس‌های عمومی (سه سالانه) انتخابات برگزار می‌کرد. آخرین انتخابات این کمیته در سپتامبر ۲۰۱۹ در کیوتوی ژاپن انجام شد که طی آن اعضای هیئت اجرایی مشخص شدند و تا سال ۲۰۲۲ همین افراد باقی خواهند ماند.

یک بازنگری کلی در سال ۲۰۱۶ توسط اعضای هیئت اجرایی جدید، قدم مهم بعدی بود که به آنها این امکان را می‌داد که نکات و برنامه‌های جدیدی را به آن اضافه کنند.

اهداف اصلی این برنامه جدید به صورت کلی از این قرار بود:

- ۱- توسعه یومک به منظور بهره‌وری بالاتر
 - ۲- محکم کردن نقش یومک به عنوان مرجعی برای موزه‌ها و مجموعه‌های دانشگاهی
 - ۳- گسترش یومک و توسعه متعلقات آن
- از زمانی که یونسکو در سال ۱۹۷۲ لیست میراث جهانی را به دنیا عرضه کرد، به دفعات از میراث دانشگاهی به عنوان ارزش‌های بشری یاد کرده است.
- دانشگاه‌ها به دو شکل در میراث جهانی معرفی شده‌اند:
- مستقیم: وقتی که یک دانشگاه یا قسمتی از آن در لیست معرفی می‌شود
 - غیر مستقیم: وقتی که مراکز شهری یا سایت‌ها به عنوان بخشی از ثمره یک دانشگاه در این لیست معرفی می‌شود.

بندهایی که در اساسنامه یومک به تفسیر طی حدود بیست سال گذشته آمده است از این قرار است:

بند ۱- نام و ساختار، بند ۲- اهداف و چشم‌انداز، بند ۳- اعضا، بند ۴- اعضای هیئت

اجرایی، بند ۵- انتخابات اعضای هیئت اجرایی، بند ۶- کنفرانس‌های سالانه، بند ۷- نشست‌های عمومی یومک، بند ۸- منابع مالی، بند ۹- فعالیت‌های گروهی یومک، بند ۱۰- تصویب اساسنامه و اصلاحات، بند ۱۱- ارزیابی و حل مشکلات. بندهای یاد شده به کرات در سال‌های مختلف مورد بحث قرار گرفته و اصلاحاتی در آنها در جهت بهتر شدن عملکرد کمیته انجام شده است.

۴- تعریف موزه دانشگاهی و شاخص‌های اعلام شده یومک

الف- ماموریت

کمیته جهانی موزه‌های دانشگاهی حامی همه مجموعه‌های دانشگاهی در همه رشته‌ها می‌باشد. ماموریت این کمیته این است که با حفظ و توسعه مستمر موزه‌ها به عنوان منابع مهم و ضروری برای تحقیق، آموزش و حفظ میراث فرهنگی، تاریخی طبیعی و علمی به جامعه کمک کند.

ب- اهداف:

این کمیته یک نهاد بین‌المللی سازماندهی شده است که در خدمت همه گالری‌ها و مجموعه‌های دانشگاهی فعالیت می‌کند و یا با آنها مرتبط است. ترویج تحقیق، گردآوری و انتشار اطلاعات در مورد موزه‌ها و مجموعه‌های دانشگاهی از اهداف مهم این کمیته است.

با توجه به اهداف و چشم‌انداز کمیته بین‌المللی موزه‌های دانشگاهی، موزه دانشگاهی در یومک به موزه‌ای گفته می‌شود که سه اصل زیر را در کشور هدف رعایت کرده باشد:

- موزه دارای طرح محتوایی و خط سیر منظم باشد.
- موزه بهتر است در دل دانشگاه باشد.
- چارت اداری و سازمانی موزه توسط دانشگاه مدیریت بشود.

فهرستی از انواع و طبقه‌بندی موزه‌های دانشگاهی بر اساس شاخص‌های یومک تا دی ۱۴۰۰ به شرح زیر می‌باشند:

- هنر و تاریخ فرهنگی ۲۴/۹ درصد = ۹۶۲ موزه
- مردم‌شناسی ۳/۸ درصد = ۱۴۶ موزه
- تاریخ و باستان‌شناسی ۱۰/۱ درصد = ۳۹۲ موزه
- پزشکی ۱۰/۱ درصد = ۳۹۴ موزه

- تاریخ طبیعی و تاریخ علم ۲۳/۸ درصد = ۱۲۶۹ موزه
- علم و تکنولوژی ۱۴/۳ درصد = ۵۵۴ موزه
- عمومی ۳/۸ درصد = ۱۴۸ موزه

۵- تاریخچه همکاری و عضویت موزه‌های کشور با یومک

موزه‌های دانشگاهی در ایران به تناسب شکل‌گیری دیر هنگام نهادهای دانشگاهی به معنای مدرن و زمینه‌های متفاوت شکل‌گیری این نهادها نسبت به هم‌تایان اروپایی و امریکایی خود، در مقایسه با نمونه‌هایی که پیشتر به آنها اشاره شد، غالباً نوپا، و تا حدودی غیر روزآمد و کمتر تاثیرگذار هستند.

پس از اینکه در سال ۲۰۰۰ کمیته بین‌المللی موزه‌های دانشگاهی شکل گرفت، در حدود ۱۰ سال بعد در کنفرانس عمومی شانگهای ۲۰۱۰ با عضویت نگارنده در این کمیته، برنامه‌ها و چشم‌اندازش در ابتدا به موزه تاریخ علوم پزشکی تهران و سپس به صورت پیوسته به بقیه موزه‌های دانشگاهی ایران اعلام شد. از آن تاریخ به بعد ۲۵ موزه دانشگاهی در این دیتابیس معرفی شده‌اند. موزه‌های دانشگاهی ایران از این قرارند:

- ۱- موزه ملی تاریخ علوم پزشکی (دانشگاه علوم پزشکی تهران)
- ۲- موزه نگارستان (دانشگاه تهران)
- ۳- موزه مقدم (دانشگاه تهران)
- ۴- موزه تاریخ علوم اردبیل (دانشگاه محقق اردبیلی)
- ۵- موزه تاریخ پزشکی خلیج فارس (دانشگاه علوم پزشکی بوشهر)
- ۶- موزه بهداشت و سلامت شهرکرد (دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد)
- ۷- موزه نصیر (دانشگاه خواجه نصیر)
- ۸- موزه و مرکز اسناد مفاخر (دانشگاه فردوسی مشهد)
- ۹- کتابخانه و موزه مرکزی (دانشگاه تهران)
- ۱۰- موزه تاریخ طبیعی (دانشگاه شیراز)
- ۱۱- موزه روان پزشکی بیمارستان روزبه (دانشگاه علوم پزشکی تهران)
- ۱۲- موزه تاریخ طبیعی (دانشگاه تربیت معلم مشهد)
- ۱۳- موزه تاریخ علوم (دانشگاه شهید چمران اهواز)
- ۱۴- موزه تاریخ طبیعی ارومیه (دانشگاه ارومیه)
- ۱۵- موزه علم و فناوری مسکن طبیب (دانشگاه علوم پزشکی ارومیه)
- ۱۶- موسسه باستان‌شناسی (دانشگاه تهران)
- ۱۷- موزه جانورشناسی (دانشگاه تهران - جلال افشار کرج)

- ۱۸- موزه علوم (دانشگاه تهران)
- ۱۹- کتابخانه و آرشیو موزه (دانشگاه الزهرا)
- ۲۰- موزه گل‌سنگ‌ها
- ۲۱- موزه انگل‌شناسی (دانشگاه تهران)
- ۲۲- موزه جانورشناسی جمشید درویش (دانشگاه مشهد)
- ۲۳- موزه تیمورتاش (دانشگاه جنگ)
- ۲۴- موزه علوم زمین شناسی (دانشگاه تهران)
- ۲۵- هرباریوم مرکزی (دانشگاه تهران)

جمع بندی:

این کمیته در چشم‌اندازی طولانی مدت در نظر دارد که تمام موزه‌های دانشگاهی را از سراسر جهان در پایگاه اطلاعاتی خود به ثبت برساند. تا کنون نگارنده بیش از ۵۰ موزه دانشگاهی را در کشور ایران شناسایی کرده و به شکل‌های مختلف با آنها به گفتگو پرداخته است. همانطور که پیشتر گفته شد در حال حاضر ۲۵ موزه دانشگاهی در این لیست قرار گرفته‌اند. با توجه به سرعت توسعه شبکه جهانی موزه‌های دانشگاهی، ضروری است که در کمترین زمان ممکن، دانشگاه‌هایی که دارای مواریث مادی و معنوی هستند اقدام به ساماندهی و برنامه‌ریزی جهت نمایش و ارائه به بازدیدکنندگان به خصوص پژوهشگران حوزه تاریخ دانشگاه نمایند. در ادامه لازم است که به منظور پیوستن به شبکه جهانی یومک، در قدم بعدی اقدام به گرفتن مجوز موزه از اداره کل موزه‌ها نمایند و سپس اطلاعات موزه را برای نگارنده ارسال کنند تا به سرعت از لحاظ کیفی و کمی، در گردونه راه‌اندازی و معرفی موزه‌های دانشگاهی کشور در سطح جهانی قرار بگیریم.



دکتر حبیب‌اله اسماعیلی / Dr. Habibollah Esmaeili

پژوهشگر تاریخ و فرهنگ و سردبیر پیشین کتاب ماه تاریخ و جغرافیا

History & culture researcher - Former editor of Book of the month: History & Geography

موزه‌های دانشگاهی، منزلگاه نشانه‌های ترقی

University museums, as homes to signs of progress

چکیده:

سخنرانی محمدعلی فروغی در موزه ایران باستان نخستین نمونه از رویکردی فلسفی به مقوله موزه در کنار شرحی که از تحول معرفت تاریخی و همچنین تاریخ تمدن در معنا و جایگاه تاریخ سودمند، ارائه کرده است، دست مایه موضوع بررسی جایگاه موزه‌های دانشگاهی به عنوان منزلگاه نشانه‌های ترقی است.

بر مبنای این نگرش، نشانه‌ها در موزه‌های دانشگاهی، هنگامی واجد معنا می‌شوند که همنشینی آثار باقیه علم و ترقی تمدن بشری را بازنمایی کنند. بازنمایی که بر مبنای نظریه محاکات ارسطو، بازنمایی خلاقانه و هوشمندانه است. این موضوع در کنار رویکرد هایدن وایت که معتقد است تاریخ‌نگاری حرفه‌ای نیز از افق هنری فاصله ندارد و مورخان با شواهد، ویرانه‌ها و آثار به یادگار مانده و شکل‌های گذشته‌ی زندگی با هدف اعاده آن و ارائه درست شیوه‌های آغازین زندگی، کار می‌کنند، شرح داده می‌شود. نکته پایانی اشاره به رویکرد حماسی و هویتی جاری در موزه‌های دانشگاهی متأثر از زمینه و زمانه جاری شدن گفتمان غالب و ویژگی‌های سرزمینی و فرهنگی در موزه‌هاست.

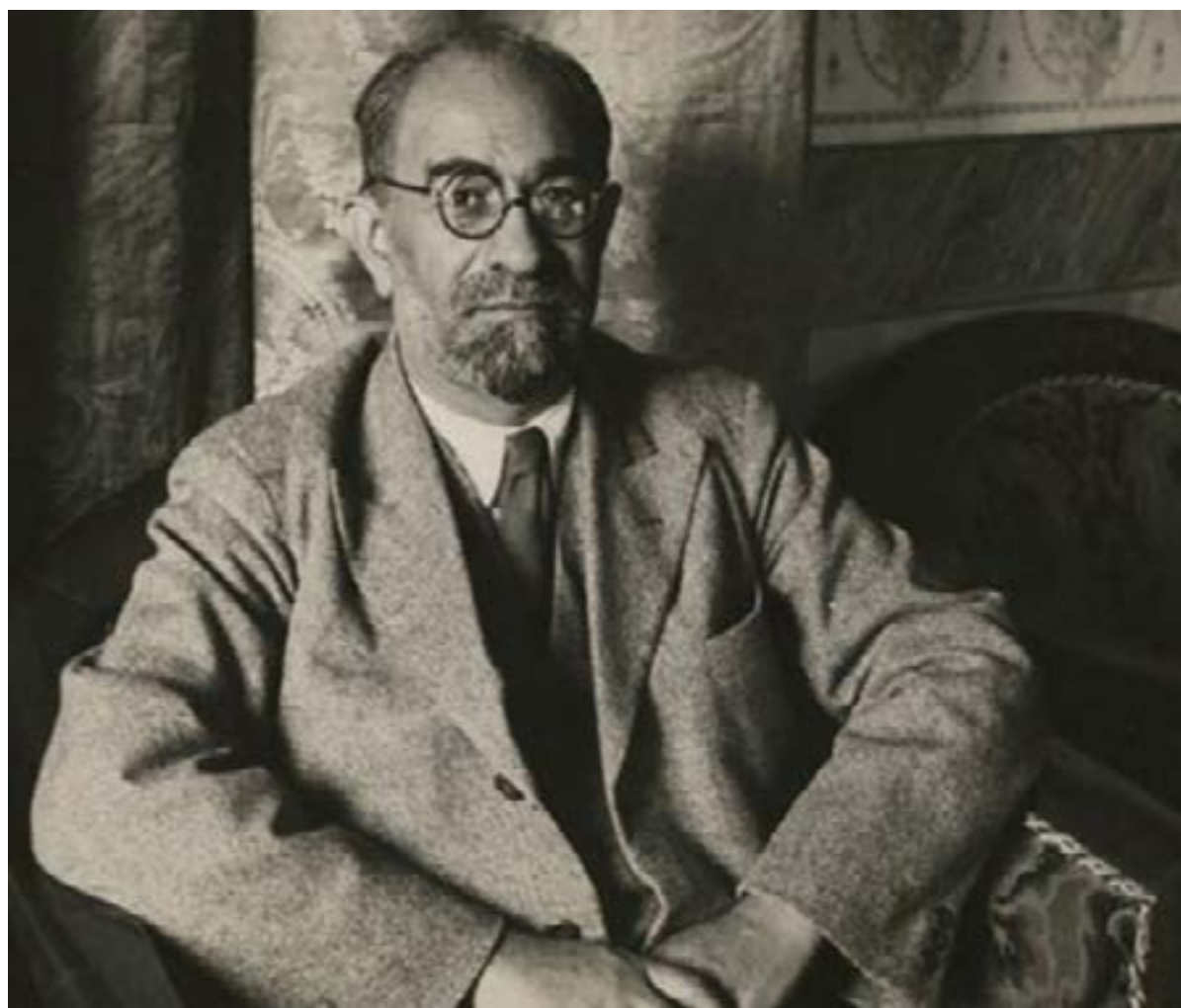
Abstract:

Mohammad Ali Foroughi's lecture at national museum of Iran is the first example of a philosophical approach to the museums, along with his description of the evolution of historical knowledge as well as the history of civilization in the meaning and place of useful history. These are the subjects of studying the university museums as homes to signs of progress.

According to this approach, signs in university museums become meaningful when they represent the accompaniment of the impacts of science with the progress of human civilization. This representation, based on Aristotle's Mimesis theory, is a creative and intelligent process. This subject, along with Hayden White's approach which argues that professional historiography is not far from the artistic horizon, and historians work with evidence, ruins, relics, and past life forms to restore it and present the correct ways of life, are discussed. The final point refers to the current epic and identity approach in university museums influenced by the context and time of the prevailing discourse and territorial and cultural characteristics in museums.

موزه منزلگاه نشانه‌هاست. در میان انواع موزه‌ها، موزه‌های دانشگاهی منزلگاه نشانه‌هایی است که بیش از هرچیز ما را به میراث علمی و تمدنی رهنمون می‌شود.

یکم:



محمدعلی فروغی در معرفی اندیشه مدرن به ایرانیان، نقشی بی بدیل دارد. او بود که در روزگار معاصر ایران، نخستین بار از منظری فیلسوفانه به موزه‌ها و آثار آن نظر کرد. وی در سخنرانی که در موزه ایران باستان انجام شده و در مجله اطلاعات هفتگی شماره ۳۱ بیست و پنجم مهرماه ۱۳۲۰ انتشار یافت، متعرض مفهوم

موزه شد و آن را در تلائم و تلازم وثیق با معرفت علمی دانست و گفت: «موزه از وسایل تحصیل علم است. نظیر کتابخانه و رصدخانه و آزمایشگاه. همه این جاهایی که اهل علم موضوع تحصیل خود را در آنجا می‌بینند و می‌رسند در واقع موزه هست و گاهی اوقات آنها را به همین اسم هم می‌خوانند ولیکن معمولاً موزه اصطلاح خاص است برای آثار تاریخی یا آثاری که از هنرمندان به ظهور می‌رسد که محصلین تاریخ یا کسانی که تحصیل هنر می‌کنند برای تکمیل فنون خود از آنها بهره‌مند می‌شوند. استفاده



اهل علم از آزمایشگاه‌ها و موزه‌ها منحصر به تحصیل هم نیست بلکه به وسیله این قسم بنگاه‌ها علم را تکمیل نیز می‌کنند.» او در توضیح سخنش به علمی شدن معرفت تاریخی نیز اشاره کرد و نکته‌ای را متذکر شد که به

موضوع سخن موافق می‌آید. فروغی آورد که: «تاریخ‌نویسی و تاریخ‌دانی امروز غیر از پانصد سال قبل است. از دویست سال پیش به این طرف دانشمندان متوجه این معنی شدند که روش علم تاریخ هم مانند علوم دیگر تغییر اساسی دارد. پیش از این‌ها چنین تصور می‌شد که انسان از آغاز خلقت به همین حالت حالیه بوده و به همین زندگی و همین مدارک و مشاعر و همین معلومات را داشته و پس از این نیز همین خواهد بود و این اواخر برخوردند به این که چنین نیست. انسان در آغاز به وحشی‌گری زندگی می‌کرده و علم و هنری نداشته و تقریباً مانند جانوران می‌زیسته و کم‌کم داخل تمدن شده و در آغاز، تمدنش بسیار ساده و مختصر بوده و به تدریج طول و تفصیل پیدا کرده و ترقی یافته است. یکی از وسایل فهم برای این مقصود این است که علم داشته باشیم به این که سیر نوع بشر بسوی کمال پیش از این چگونه بوده، از چه آغاز کرده و چه مراحل پیموده است. از این راه قواعد کلی بدست آوریم تا بتوانیم در راهی که در آینده باید به پیماییم پیش‌پای خود را بهتر ببینیم. این علم امروز تاریخ نامیده می‌شود. به عبارت دیگر تاریخ سودمند، تاریخ تمدن است. یعنی بیان این که دانش و هنر و اوضاع زندگانی مردم چگونه ترقی کرده و می‌کند و البته تصدیق می‌فرماید که این قسم تاریخ واقعاً علم است و ربطی به قصه و افسانه ندارد. وقتی که به تاریخ به این نظر نگریستیم، می‌بینیم در آن هم مانند علوم دیگر، مجهولات بسیار داریم که باید معلوم کنیم و وسیله معلوم کردن آن مجهولات آثار تاریخی است که از پیشینیان باقی مانده است. پس این آثار را باید حفظ کرد آن چه غیر منقول است در جاهای خود باید وسیله محافظتش را فراهم ساخت و آن چه قابل نقل است باید در جاهای معین جمع‌آوری نمود که هم باقی بماند و هم در دسترس طالبان تحقیق باشد و این جاها موزه‌ها است.»^۱

فروغی در صدر آشنایی ما با جهان نو می‌زیست و آینده ایران را نیز مترقی و تکامل یافته چون جهان متمدن اروپایی می‌خواست. او بر مبنای گفتمان ترقی که ریشه در عصر روشنگری داشت، موزه‌های تاریخی را جلوگاه مسیر تکامل بشر می‌دید.

۱. سخنرانی محمد علی با این مشخصات در نشریه فرهنگ موزه باز نشر شده است: فروغی، محمدعلی. موزه چیست و برای چیست. فرهنگ موزه. اسفند ۱۳۹۳. شماره ۸

گفتنی است که براساس گفتمان ترقی تاریخ درحال پیشرفت و تکامل دایمی است و برگشت‌ناپذیر است.^۱ در تلقی این گفتمان، جوامع همواره رو به جلو و خطی حرکت کرده و از مرحله‌ای به مرحله دیگر تکامل می‌یابند.^۲

بر مبنای این نگرش، نشانه‌ها در موزه‌های دانشگاهی، به خودی خود به سخن نمی‌آیند و به تنهایی واجد معانی که ترقی و تکامل علم را گواهی دهند، نیستند. به دیگر سخن در موزه‌های دانشگاهی، هنگامی واجد معنا می‌شوند که همنشینی آثار باقیه علم و تمدن بشری ترقی و تکامل را بازنمایی کنند.

دوم:

به نظر می‌آید برای واکاوی و تشریح سخن بالا، اگر به سخن ارسطو در باب محاکات توجه کنیم، منظور نهایی سطور حاضر بهتر آشکار می‌شود. محاکات را به پارسی امروز با تکیه بر اصطلاح Representation، بازنمایی نامیده‌اند. ارسطو با نگاه به هنر، محاکات را تعریف کرده‌است. ارسطو معتقد است، بازنمایی هنرمندانه از طبیعت، طوطی‌وار و سطحی نیست. هنرمند آنچه را که از طبیعت و جهان پیرامون خود درک می‌کند، با نیروی تخیل خود می‌آمیزد و اثری می‌آفریند که با نمونه اولیه تفاوت دارد. او با دخالت دادن عواطف، احساسات و جهان بینی خود، جهان را آن گونه که می‌خواهد، ترسیم می‌نماید. به عبارت دیگر، محاکات از نظر ارسطو، عکس‌برداری و کپی‌برداری صرف از طبیعت نیست؛ بلکه تفکر و دریافت هنرمند از جهان، بر اثر هنری او تأثیر می‌گذارد. او یا جهان را برتر از آنچه هست نشان می‌دهد و تراژدی می‌آفریند، و یا پست‌تر از آنچه هست بازنمایی می‌کند و کمدی خلق می‌کند.^۳

بر این مبنا در موزه دانشگاهی نیز به رغم آنکه با دستاوردهای واقعی سروکار دارد، اما بازنمایی خلاقانه در شمار ذاتیات کار است.

سوم:

از سوی دیگر، مناسب است به نظرات هایدن وایت در مورد عمل مورخانه نیز نظر افکنیم. می‌دانیم که بر مبنای یک رویکرد که البته متأثر از نگرش‌های پوزیتویستی است، گزارش‌های مورخانه آینه‌سان راوی امر واقع است. به رغم این سخن، هایدن وایت معتقد است تاریخ‌نگاری حرفه‌ای نیز از افق هنری نمی‌تواند فاصله بگیرند. او ادعا می‌کند که تاریخ‌نگاری یک «عمل ذاتاً شاعرانه» است و تاریخ‌نگاران هرچه را که

۱. عطا هودشتیان، مقدمه‌ای بر زایش و پویش مدرنیته، نگاه نو، شماره ۲۰، خرداد و تیر ۱۳۷۳، ص ۶۴.

۳ - برتران بدیخ، توسعه سیاسی، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران، قومس، ۱۳۷۶، صص ۱۹-۲۲.

۳. داد، سیما. فرهنگ اصطلاحات ادبی. تهران. مروارید. ۱۳۷۵. چاپ دوم. ص: ۶۳

یک داستان معنی دار بسازد جست و جو می کنند و یا مجبورند جست و جو کنند.^۱ وایت در نوشته‌ای دیگر آورده است که: «مورخان، شواهد موجود درباره‌ی گذشته‌ی واقعی را نادیده می‌گیرند و به وسیله‌ی عناصری از آن که ممکن است در قوت تصویر خلاق و شاعرانه‌ای که آن‌ها در طلبش هستند، به کارآید، چیزی را ایجاد می‌کنند. مورخان با شواهد، ویرانه‌ها و آثار به یادگار مانده، شکل‌های گذشته‌ی زندگی کار می‌کنند. هدف آن‌ها اعاده و ارائه درست شیوه‌های آغازین زندگی است که این شواهد حتی در حالت ویران شده خود، نشانه‌هایی از آن محسوب می‌شوند.»^۲

نتیجه سخن:

زبان موزه زبانی هنری و خاص خود موزه است و با زبان دیگر انواع تولیدات هنری متفاوت است. اما فرایند خلاقه آن با خلاقیت جاری در دیگر انواع هنر تفاوت بنیادین ندارد. زبان هنری خاص موزه در موزه بنا به نوع موزه رنگ و بوی موضوع موزه را می‌گیرد، اما از ماهیت هنری عاری نیست. به دیگر سخن، بر اثر همنشینی هنرمندان نشانه‌ها در بیانی موزه‌ای، موزه در افقی هنرمندان آفریده می‌شود. بر همین مبنا، در موزه‌های دانشگاهی نیز آثار باقیه دستاوردهای علمی برای حصول مقصود و مفهوم مدنظر بانیان موزه، با زبان موزه بازنمایی می‌شوند.

اگر به صدر نوشتار، یعنی سخن روشن فروغی برگردیم و از نظریه ارسطو و هایدن وایت نیز بهره ببریم، می‌توان گفت در موزه‌های دانشگاهی سیر تحول علم، کنشگران دانشگاهی، کارکردهای اجتماعی و فرهنگی علوم در فرایندی هنری، و در افق گفتمان ترقی بازآرایی و بازنمایی می‌شوند. نکته واجد اهمیت این که در اغلب موزه‌های دانشگاهی نوعی از رویکردی حماسی و هویتی نیز جریان دارد که از زمینه و زمانه جاری شدن گفتمان غالب، خارج نیست. به دیگر سخن بسته به موقعیت جغرافیایی و زمینه تاریخی تحقق یک موزه دانشگاهی، می‌توان گفت شاهد روایتی یکسان از ترقی و تکامل و کارکردهای هویتی و فرهنگی و اجتماعی علوم نخواهیم بود، و روایت جاری در موزه از سرزمین و فرهنگی در آن متولد شده است، متأثر خواهد بود. راه دور نرویم، به موزه‌های دانشگاهی ایران و کشورهای همسایه ایران سری بزنیم تا تفاوت روایت‌ها از ترقی و تکامل علوم و کاردهای هویتی و فرهنگی و اجتماعی آن را به چشم سر ببینیم.

۱. برگرفته از مقاله زیر:

"History as Fulfillment Hayden White's Keynote Address November 12, 1999"

<http://www.tulane.edu/~isn/hwkeynote.htm>

ترجمه مقاله فوق توسط نگارنده منتشر شده است: کتاب ماه تاریخ و جغرافیا شماره ۱۴۶، صص ۳۷-۴۱.

۳. جان. ای. لویسان. هایدن وایت، تاریخ‌نگاری و آموزش تاریخ قادری، منیر. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. شماره ۱۳۵. مرداد ۸۸.



دکتر افسانه کامران / Dr. Afsaneh Kamran

استادیار گروه هنرهای چندرسانه‌ای و سرپرست موزه دانشگاه خوارزمی

Assistant Professor of Multimedia Arts, Kharazmi University

- Head of the Museum of Kharazmi University

تولد یک موزه به مثابه راه حلی برای مسئله هویت دانشگاهی؛ Birth of a university museum to solve the problem of identity

چکیده

در این نوشتار همراه با حدیث نفس و اشاره به تجربه‌های متعدد شخصی خود و همکارانم در دوره چند ساله آماده‌سازی و راه‌اندازی موزه دانشگاه خوارزمی، و با یادآوری پیشینه اصلی‌ترین تحولات ساختاری دانشگاه خوارزمی در یکصد سال گذشته، تلاش شده است به چند پرسش اساسی در ارتباط با نسبت موزه‌های دانشگاهی و مقوله هویت پاسخ دهیم.

با اشاره به آرای تنی چند از صاحب‌نظران درباره موضوع هویت، چگونگی معناسازی و بر ساختگی بودن هویت در دوران جدید، به موضوعاتی چون: نسبت هویت با موضوع برندینگ در نظام دانشگاهی، تلاش برای حرکت از گذشته با هدف ساختن آینده هویتی، مرور عوامل زمینه‌ساز تغییرات هویتی در زمانه پست مدرن، تعریف هویت اجتماعی و سه‌گانه مربوط به آن: مقوله‌بندی، هویت‌سازی و مقایسه و تطبیق؛ پرداختیم.

شناسایی دلایل کم توجهی به اهمیت و کارکرد موزه‌های دانشگاهی در برساخت هویت دانشگاهی و همچنین علل کم توانی فرهنگ دانشگاهی در دانشگاه‌های ایران برای تحقق اهداف این نهاد، با استفاده از آرای کلارک و تلاش برای یافتن مصداق آن در دانشگاه‌های کشور به همراه ارائه راهکار و چشم‌اندازی برای موزه دانشگاه خوارزمی بخش پایانی این یادداشت است.

Abstract

In this article I have tried to answer some basic questions about the origin of university museums and the issue of identity, by referring to the my personal experiences and those of my colleagues during the several years of preparation and establishment of the Kharazmi University Museum and also by recalling the history of structural changes of Kharazmi University in the last century.

Referring to the views of several experts in the subject of identity, the nature of meaning-making, and identity constructivism in the new era, we discussed the topics such as the relationship between identity and the subject of branding in the academic system, attempting to move from the past to build the future of identity, reviewing the underlying factors of identity changes in postmodern times, defining social identity and its related trilogy: categorizing, identifying, and comparing/matching.

Identifying the reasons for the lack of attention to the importance and function of university museums in creating university identity and also the causes of the inability of university culture among Iranian universities to achieve its goals, using Clark's views and trying to find examples in the country's universities along with providing solutions and perspectives for the Kharazmi University Museum are the final parts of this article.

- از رنجی به رنجی دگر

درست یکی دو سال قبل از چهل سالگی‌ام زمانی که داشتم به کل ناامید می‌شدم از اینکه در تهران و در یکی از دانشگاه‌های سراسری هیات علمی شوم، بخت با من یار شد و دانشگاه خوارزمی قصد کرد تا دانشکده هنر و معماری تاسیس کند. بالاخره همای سعادت بر شانه من هم نشست و مرا از رنج سال‌ها حق‌التدریسی و طراحی راحت کرد، وقتی که با شوق و ذوق به صف بلند دوستان و اقوام و استادانم اعلام کردم که بالاخره من هم در دانشگاه خوارزمی عضو هیات علمی شدم، با تعجب کمی چشم‌هایشان را تنگ کردند و پرسیدند: کجا؟ و من مثل بستنی قیفی که ناگافل از دست بچه‌ای لیز می‌خورد و بر زمین کوبیده می‌شود، وا رفتم و در تقلای اینکه توضیح دهم دانشگاه خوارزمی نه یک باب دانشگاه غیرانتفاعی یا علمی کاربردی بلکه

دانشگاهی است با قدمتی صد ساله و اصلا ما از اول بودیم و ... فهمیدم که کسی به اینکه ما چه بودیم گوش نمی‌دهد. فکر می‌کردم این مشکل فامیل و دوستانم است که به تغییر نام‌ها بی‌توجه‌اند اما وقتی به رزومه استادان در سایت دانشگاه نگاه کردم و آن پرانتز باز (تربیت معلم سابق) را دیدم، فهمیدم که متأسفانه من در چهل سالگی‌ام در دانشگاهی در ناکجا یا جایی که هیچ کس آن را نمی‌شناخت عضو هیات علمی شده بودم! قانون بقای انرژی نیوتن می‌گوید: «انرژی نه تولید می‌شود و نه نابود می‌گردد، بلکه همواره از صورتی به صورت دیگر تبدیل می‌شود.» به گمانم رنج‌ها هم چون انرژی از بین نمی‌روند بلکه از شکلی به شکل دگر در می‌آیند، حداقل رنج‌های من که این‌گونه است. در چهل سالگی‌ام درست زمانی که تکه‌های پراکنده وجودم داشت مجموع می‌شد، وارد دانشگاهی شدم که در گذری صد ساله هویتی چندپاره داشت، و غم‌انگیزتر آنکه قرار بود من بخشی از آن تکه‌های مفقود شده را از ناکجای تاریخ آموزش عالی پیدا کنم و بهم متصل کنم در جایی به نام موزه دانشگاه خوارزمی! به گمانم آن خوشی آغازین در چهل سالگی‌ام سراب بود چرا که فرموده بودند: «همانا ما انسان را در رنج و زحمت آفریدیم.»

- در جستجوی معنا

در آستانه صدسالگی دانشگاه چیزی که بیشتر از همیشه حرصم را در می‌آورد آن شجره نامه عریض و طویل از دارالمعلمین مرکزی تا دانشسرای عالی و سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی و دانشگاه تربیت معلم و در نهایت دانشگاه خوارزمی بود که نتوانسته بود در گذری صدساله عنصری هویت‌بخش برای ما باشد، گر چه که تا اواخر دهه ۷۰ به گونه‌ای ماموریت دانشگاه با تربیت دبیر و با آموزش معلمان پیوند خورده بود اما در اواخر همین دهه و چه بسا زودتر سیاست وزارت آموزش و پرورش برای آموزش و جذب نیروی انسانی تغییر کرد و دانشگاه تربیت معلم صرفاً به نام تربیت معلم بود و عملاً وظیفه تربیت دبیر به دانشگاه‌هایی چون شهید رجایی و یا دیگر دانشگاه‌ها واگذار شده بود، برای همین در دهه ۸۰ دانشجویان و استادان این دانشگاه خواهان تغییر نام دانشگاه بودند، دانشگاهی که دیگر معلم تربیت نمی‌کرد. در ابتدای دهه ۹۰ بالاخره آرزوها برآورده شد و شورای عالی انقلاب فرهنگی با تغییر نام دانشگاه تربیت معلم به خوارزمی موافقت کرد و اینگونه ما متولد شدیم، حالا دیگر از زنجیر هویت نود ساله‌مان رها شدیم و آماده پرواز کردن و فتح قله‌های دانش و افتخار بودیم. ما آماده بودیم تا در میان دانشگاه‌های دیگر خودمان را بهتر از همیشه به جامعه معرفی کنیم، غافل از آنکه در این سال‌ها به دلیل رشد سیاست‌های مالی‌سازی آموزش، نرخ زاد و ولد دانشگاه‌ها آنقدر زیاد شد که وقتی نوبت به ما رسید



برخلاف تصورمان که فکر می‌کردیم برای همیشه از مزیت پیشگامی برخورداریم ته صف را نشانمان دادند؛ جایی متعلق به دانشگاه‌های هفت هشت ساله، صفی که ما را از دانشگاه‌هایی چون تهران، مشهد، شیراز و اصفهان و ... جدا می‌کرد. و اینگونه شیرینی یک دهه تلاش

دانشگاه برای تغییر نام در کاممان تلخ شد؛ با زهر این سوال که کجا؟ خوارزمی؟ غیرانتفاعی یا علمی-کاربردی؟ و ما تقلا می‌کردیم که نقاب نام‌ها را از میان برداریم و تاریخ را حفاری کنیم تا هویت دانشگاهی‌مان را نشان‌شان دهیم.

یک دهه پس از تغییر نام دانشگاه، قرار شد به بهانه یکصدمین سال تاسیس‌اش بار دیگر به یادآوریم که کیستیم؟ کارگران در ساختمان میراثی که قبل‌تر محل دانشسرای مقدماتی پسران و از نیمه دهه چهل به بعد محل دانشسرای عالی و دانشگاه تربیت معلم بود در حال کار بودند تا شاید با احیا و مرمت این ساختمان که تنها نشانه هویتی گذشته ما بود بتوان آن روزهای رفته را دوباره به یاد آورد. پس از فرونشستن آن شورها و خیال‌ها حالا برندی آسیب‌دیده روی دست ما مانده بود و شاید با راه‌اندازی موزه‌ای دانشگاهی در همان ساختمان که معمارش مارکف روسی بود می‌شد حداقل به خودمان و دیگران یادآوری کرد که هویت‌مان چیست. البته اگر می‌توانستیم هویت دانشگاهی را تعریف کنیم آنهم در زمانه‌ای که تعریف هویت از همیشه پیچیده‌تر و غیرممکن‌تر شده است چرا که حالا بخش مهمی از هویت یابی اشخاص از طریق رسانه‌ها صورت می‌گیرد، مکانی که همزمان از هم پاشیدگی هویت و شکنندگی سوژه نیز در آنجا رقم می‌خورد.

- از هویت اجتماعی تا هویت دانشگاهی

اگر همه موزه‌های دانشگاهی با چالش‌های بی‌شماری چون کمبود منابع مالی و انسانی، عدم تعریف موزه در چارت دانشگاهی و... دست به گریبان‌اند، ما از اول با مسئله متولد شدیم. یعنی علاوه بر این مسائل ما خود پاسخ یک مسئله بودیم. مسئولان دانشگاه بر این گمان بودند که پاشنه آشیل هویت آسیب‌دیده و برندینگ ضعیف ما احتمالاً با راه‌اندازی موزه اندکی احیا خواهد شد. دلشان خوش بود که شاید بشود از همه آن سندهای گذشته و خاطرات و تصاویر و استادان بنام و... نخ‌را بیرون کشید که دی‌ان‌ای هویت ما باشد. راستش را بگویم خودم هم بر این گمان بودم، فکر می‌کردم اگر ما به جستجوی ویژگی‌های فرهنگی استادان و کارکنان و دانشجویان و فارغ‌التحصیلان



دانشسرای عالی و دانشگاه تربیت معلم از گذشته تا به امروز برآییم می‌توانیم هویت دانشگاهی‌مان را ترسیم کنیم. بیشتر شوقم نه برای گذشته، که برای آینده بود. چون همان‌گونه که امانوئل کاستلز در تعریف هویت می‌گوید: معناساز بودن هویت، بر ساخته بودن

آن دلالت می‌کند. به این معنی که هویت چیزی طبیعی و ذاتی و از پیش موجود نیست، بلکه همیشه در حال ساخته شدن است. هویت‌ها همواره تولید و بازتولید می‌شوند. دلم خوش بود که گذشته از دست رفته‌مان با حال و آینده نیامده همه باهم می‌تواند هویت دانشگاهی ما را تعریف کند. هرچند در زمانه‌ای هستیم که آن تصویر یکدست از هویت فردی و اجتماعی چون آینه شکسته‌ای متکثر و تکه تکه شده، ظهور پست مدرنیسم و پدیده‌هایی چون جهانی شدن، گذشتن از مرزهای فرهنگی و سیاسی و اقتصادی، شتاب انقلاب الکترونیک و حرکت به سمت جامعه اطلاعاتی و شبکه‌ای باعث شده که هویت مان مدام دستخوش تغییر شود.

زمانی که دانشجو بودم انگار هویت دانشگاهی پررنگ‌تر از امروز بود، ما الزهرایی بودیم و مجموعه‌ای از صفات و خلق و خو و ویژگی‌های مشترک داشتیم که ما را از امیرکبیری‌ها، تهرانی‌ها، شریفی‌ها و تربیت معلمی‌ها و... جدا می‌کرد، این هویت دانشگاهی تا سال‌ها پس از فارغ‌التحصیلی مثل لیبل روی ما برچسب می‌خورد، و در محیط کار و جامعه یک جور همدستی پنهان میان‌مان ایجاد می‌کرد، ما با همه تفاوت‌های قومی و فرهنگی و پایگاه اقتصادی و... در هویت الزهرایی‌مان مشترک بودیم. در واقع بخشی از هویت اجتماعی ما برگرفته از دانشگاهی بود که در آنجا درس خوانده بودیم. همانطور که تاجفل هویت اجتماعی را دانش فرد از تعلق به گروه اجتماعی خاص و اهمیتی می‌داند که برای این عضویت و تعلق قائل است. او توقع دارد، گروهش ویژگی‌هایی داشته باشد که با ویژگی‌های سایر گروه‌ها قابل رقابت باشد. تاجفل بر این نکته تاکید دارد که هویت اجتماعی آگاهی فرد از تعلق به گروه اجتماعی معین و ارزش و اهمیت عاطفی این عضویت برای فرد است. از نظر او هویت سه بخش عمده دارد: اولی مقوله‌بندی: ما عموماً افراد و اشیا را که باهم ویژگی‌ها و صفات مشترک دارند را در یک مقوله قرار می‌دهیم و این مسئله سبب می‌شود با تمایز و تشابه قائل شدن بین اشخاص، شناخت بهتر و دقیق‌تری از دیگران و خودمان به دست آوریم. دوم هویت‌سازی: خود هر فرد دو بعد هویت اجتماعی و فردی دارد، در هویت اجتماعی که با عضو شدن در گروه ساخته می‌شود فرد خود را با مای گروهی می‌شناسد. و سومین بخش مقایسه و تطبیق: بخش سوم هویت اجتماعی را اکثرمان با خود داریم، ما مدام خودمان را با

دیگران ارزیابی می‌کنیم و از این طریق اعتماد به نفس پیدا می‌کنیم. تشکیل هویت بر پایه همین مقایسه‌ها میان خود و دیگری شکل می‌گیرد. مثل ما که در روزگار دانشجوی مدام خودمان را، استادانمان را، کتابخانه مان را، خوابگاه و سلف و حتی کارت دانشجویی مان را با تهرانی‌ها، شریفی‌ها و ... مقایسه می‌کردیم. اگر هویت‌ها به قول کاستلز برساخته می‌شوند، چگونه؟ از چه چیزی و توسط چه کسانی و به چه منظوری برساخته می‌شوند؟ آیا موزه‌های دانشگاهی می‌توانند در شکل‌گیری هویت دانشگاهی تاثیرگذار باشند؟ چگونه که گیدنز می‌گوید: محتوای هویت مانند دیگر عرصه‌های وجودی از نظر اجتماعی و فرهنگی متغیر است و افراد می‌توانند در کنش‌های روزمره و با ارجاع به منابع هویت‌سازی چون خانواده، مراکز آموزشی و وسایل ارتباط جمعی و ... هویت‌شان را بسازند. آیا می‌توان موزه‌های دانشگاهی را به تعبیر گیدنز یکی از آن منابع هویت‌ساز در ساخت هویت دانشگاهی دانست؟

برخلاف هویت و ابعاد متفاوت و تاثیرگذار آن که بارها در مقالات و تحقیقات دانشگاهی از منظر روانشناسی و جامعه‌شناسی مورد مطالعه قرار گرفته است و یا حتی اهمیت و نقش هویت دانشگاهی، متاسفانه درباره اهمیت و کارکرد موزه‌های دانشگاهی در برساخت هویت دانشگاهی تحقیقی منتشر نشده است. شاید به دلیل تنوع موزه‌های دانشگاهی که طیفی از موزه‌های تخصصی تا موزه‌های اشخاص و موزه‌هایی مرتبط با تاریخ و هویت یک دانشگاه را شامل می‌شوند و یا شاید از



آنجایی که تعداد موزه‌های دانشگاهی به نسبت تعداد دانشگاه‌ها چندان زیاد نیست و اهمیت چندان در ساختار دانشگاهی ندارند به همین دلیل به این موضوع در مقالات و رساله‌های دانشگاهی هم توجه چندان نشده است. اما پژوهش‌های صورت گرفته درباره فرهنگ و نظام دانشگاهی نشان

می‌دهد که فرهنگ دانشگاهی در دانشگاه‌های ایران نمی‌تواند به دانشگاه‌ها برای رسیدن به اهداف‌شان یاری رساند و نتایج این مطالعات تایید می‌کند که فرهنگ دانشگاهی در دانشگاه‌های ایران چون سایر دانشگاه‌های جهان در حال تغییر است (ابراهیمی و دیگران ۱۳۹۴)، کاظمی (۱۳۹۷)، فاضلی (۱۳۸۲)، زاهدی اصل (۱۳۸۸) و ...

در چرایی این عدم موفقیت باید ابتدا چهار عامل موثر بر فرهنگ سازمانی را در جامعه دانشگاهی بشناسیم. به عقیده کلارک رشته دانشگاهی، دانشگاه، کل سیستم آموزش عالی و حرفه آکادمیک یا جامعه علمی را از عوامل موثر بر فرهنگ سازمانی می‌داند. رشته دانشگاهی فضا یا زمینه نخست است، اولین جایی که دانشجو در فرایند



جامعه پذیری با آن مواجه می‌شود تحصیل در یک رشته دانشگاهی و درونی‌سازی باورها، ارزش‌ها، تکنیک‌ها، روش‌ها و مسائل رشته تحصیلی است، برای من که در روزگار نوجوانی بسیار شلخته بودم تحصیل در رشته گرافیک سبب شد تا به

مرور بتوانم از فردی بی‌دقت و سر به هوا به آدمی با نظم و دیسپلین بدل شوم، در واقع بخشی از آنچه که من هستم تحت تاثیر رشته دانشگاهی‌ام هست. دانشگاه دومین زمینه نهادی اجتماعی اثرگذار بر فرهنگ دانشگاهی است و نقش مهمی در سازماندهی زندگی آکادمیک دارد. هدف و مأموریت دانشگاه، اندازه، موقعیت و پیچیدگی و بدنه دانشجویی عناصر تشکیل‌دهنده آن به شمار می‌روند. نظام ملی آموزش عالی سومین زمینه نهادی موثر بر فرهنگ دانشگاهی است. در واقع ریشه برخی از باورهای دانشگاهی نظام آموزش عالی آنست. هر نظام آموزش عالی ویژگی‌ها، ساختار، سازمان، تاریخچه و سابقه، اهداف و سیاست‌گذاری‌های خاص خود را داراست که بر فرهنگ دانشگاهی آن تاثیر می‌گذارد. و چهارمین زمینه نهادی اجتماعی اثرگذار بر فرهنگ دانشگاهی حرفه آکادمیک است که در نگاه اول با عامل رشته علمی هم‌پوشانی دارد. حرفه آکادمیک شامل ارزش‌هایی است که اعضای یک رشته علمی فارغ از عضویت آنها در دانشگاه‌های مختلف یا در سیستم آموزش عالی به آن پایبندند (کلارک، ۱۹۷۱: ۴۹۹-۵۱۵).

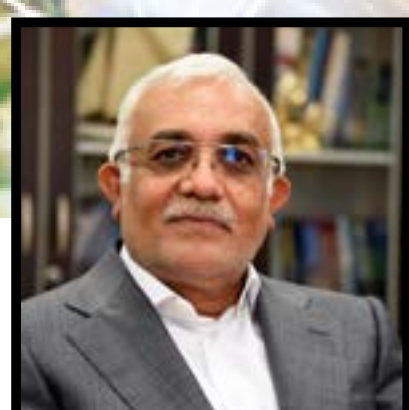
شاید بتوان همین عوامل موثر بر فرهنگ سازمانی دانشگاه که کلارک ارائه کرده است را درباره موزه‌های دانشگاهی پیاده کرد، یعنی با توجه به نوع موزه دانشگاهی از ابتدا در سناریو موزه‌های دانشگاهی مشخص کرد که کدام عامل قرار است عنصر هویت‌بخش موزه باشد. مثلاً در موزه‌های تخصصی دانشگاهی چون موزه برق دانشگاه خواجه نصیر بیشتر عامل حرفه آکادمیک موثر است و در موزه دانشگاهی که بر هویت و تاریخ دانشگاه تاکید دارد چون موزه دانشگاه فردوسی مشهد و دانشگاه بیرجند بیشتر عامل دانشگاه و بعدتر رشته دانشگاهی موثر است. و شاید برای موزه دانشگاه خوارزمی با توجه به سابقه دیرینه‌اش در نظام آموزش عالی کشور هم عامل دانشگاه و هم برخی از رشته‌ها که برای اولین بار از دانشسرای عالی آغاز شدند و از همه موثرتر بتوان عامل نظام ملی آموزش در ایران (آموزش و پرورش و آموزش عالی) را در طراحی موزه در نظر گرفت. حال چگونه می‌توان حجم زیادی از عناصر متفاوت و متنوع موثر در هویت دانشگاهی را در موزه‌ها سامان داد و متمرکز کرد؟ در حالی که هویت‌ها روز به روز پراکنده‌تر و مرکز زدوده‌تر می‌شوند. شاید باید همنوا با وترل خوشیتن را نه امری متمرکز بلکه پخش و پراکنده به شمار آورد، درست همانند توپ‌های بیلیاردی که پخش

ردیف	عوامل موثر بر فرهنگ دانشگاهی	مصادیق آن در موزه دانشگاهی
۱	رشته دانشگاهی	تاریخ شکل‌گیری رشته‌های دانشگاهی و تطورات آنها، اولین اساتید، گروه‌ها و دانشکده‌ها، مفاخر و فارغ‌التحصیلان هر رشته، سرفصل‌های درسی، جزوه‌ها و منابع آموزشی، تحولات اشیای آموزشی و کمک آموزشی هر گروه آموزشی، تصاویر فعالیت‌های علمی اعم از اردوها، سمینارها و بازدیدهای علمی
۲	دانشگاه	تاریخ تاسیس دانشگاه و تایم‌لاین آن، روسای دانشگاه، تغییرات چارت سازمانی دانشگاه، تغییرات و تحولات کارکردی و ماموریتی دانشگاه از آغاز تا آینده، تغییرات مکانی دانشگاه، تغییرات نام و نشان یا ادغام دانشگاه با دانشگاه‌های دیگر، استقلال دانشگاه، دانشگاه در موقعیت‌ها و بزنگاه‌های تاریخی، فرهنگی و سیاسی چون انقلاب، جنگ، انقلاب فرهنگی، کرونا و ...، مصادیق تحولات ... دانشگاه و تغییر نقش آن در جامعه و
۳	نظام ملی آموزش عالی	جایگاه دانشگاه در نظام آموزش عالی با توجه به پیشینه، اشخاص موثر دانشگاه در سیاست‌های نظام آموزشی کشور اعم از وزا، مدیران عالی رتبه، دستاوردهای مادی و معنوی دانشگاه در نظام آموزش عالی، افراد شاخص در راه اندازی رشته‌های دانشگاهی و ... تدوین سرفصل‌های درسی برای رشته دانشگاهی و
	حرفه آکادمیک	تشکیل اولین نهادها، انجمنهای صنفی و علمی، تدوین اولین آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و قانون‌های حرفه‌ای و صنفی مرتبط به هر رشته، برگزاری دوره‌ها و آموزش‌های ضمن خدمت به کارشناسان ... هر حرفه آکادمیک و

می‌شوند، جابه‌جا می‌شوند، دوره‌هم جمع می‌شوند و هر دفعه بر اساس رابطه‌شان با میدان اجتماعی گروه‌بندی جدیدی را می‌سازند (نقل از یورگنسن، ۱۳۸۹). وترل از اصطلاح «گنجینه تفسیری» استفاده می‌کند، خوشه‌های قابل فهم اصطلاحات و توصیفات که غالباً حول استعاره‌ها یا تصاویر روشن روی هم سوار شده‌اند. این گنجینه‌ها به افراد کمک می‌کنند تا روایت‌هایی از واقعیت بسازند.

یا می‌توانیم موزه‌ها به طور عام و موزه‌های دانشگاهی به طور خاص را یکی از آن گنجینه‌های تفسیری بدانیم که قرار است برخلاف رویه معمول نه هویتی یک پارچه و منسجم بلکه آنچه که هستیم را همین قدر تکه تکه و پراکنده به ما نشان دهند. به گمانم موزه دانشگاه خوارزمی در آینده چنین موزه‌ای خواهد بود. موزه‌ای نه برای نمایش هویت صدساله یک دانشگاه بلکه جایی که فهم روایت‌های چندپارگی و پراکندگی را برایمان ممکن می‌سازد. عاقبت همه ما یاد خواهیم گرفت که روزی با رنج‌هایمان کنار بیاییم، چرا که آن رنج‌ها بخشی از هویت ما هستند حتی اگر رنج بی‌هویتی باشد.





دکتر ایرج نبی پور / Dr. Iraj Nabipour

استاد دانشگاه علوم پزشکی بوشهر؛ بنیانگذار موزه تاریخ پزشکی خلیج فارس

Faculty member of the University Medical Science of Bushehr

& Head of Persian Gulf Medical Museum

موزه های دانشگاهی و فضای متاورس University Museums and Metaverse Space

چکیده

فضای حاصل از ظهور و بروز فناوری های دیجیتالی و پیدایی فضای وب، از دهه ۱۹۹۰م. به بعد موزه های دانشگاهی را همچون انواع دیگر موزه ها تحت تاثیر قرار داد. امروزه نیز فضای اشتراکی جمعی مجازی یا متاورس به صورت ترکیبی از عناصر فناوری شامل واقعیت مجازی، واقعیت افزوده و ویدئو، موزه ها را وارد مرحله جدیدی کرده است. در این نوشتار برخی از زمینه های استفاده از متاورس در موزه های دانشگاهی فهرست وار اشاره می شوند: نشان دادن جایگاه «میراث نهادی» و «هویت نهادی» دانشگاه؛ ارائه سرویس خدماتی با محتوای تجربه گرایی برای مخاطب و به ویژه خلق تجربه معناگرایانه؛ کمک به رها شدن مخاطب از جاذبه مکانی و زمان حال؛ ایجاد فضای اشتراکی گسترده با طیف های متنوعی از دیگر مخاطبان موزه و ارتقای موضوع «علم شهروندی»؛ پاسخ گویی به انواع پرسش های مخاطب و ارایه مستمر چشم اندازهای جدید؛ ایجاد فضای کلاس و آموزش با مدل سازی و شبیه سازی دینامیسم اجتماعی-فرهنگی و رویدادهای تاریخی؛ استفاده گسترده از انواع هوش مصنوعی برای ساحت های گوناگون آموزش و پژوهش در دانشگاه؛ خلق معنای زندگی دوم در فضایی سرشار از واقعیت مجازی و افزوده در جهان فیزیکی؛

Abstract

The emergence of digital technologies and the advent of cyberspace have influenced the museums since the 1990s, including university museums. Nowadays, virtual communal sharing space or Metaverse has taken museums to a new level by combining the technological elements, including virtual reality, augmented reality, and video. In this article, some of the areas of the usage of Metaverse in university museums are discussed: Demonstrating the status of the university's "institutional heritage" and "institutional identity"; Providing services with empirical content for the audience and especially creating a meaningful experience for them; Helping the audience to free from the gravity of space and the present time, as well as immersing themselves in the infinite space of the far past to the unknown future; Creating a broad and collaborative space with a diverse range of all museum audiences and promoting the theme of "science of citizenship"; Answering a variety of audiences' questions and constantly presenting new insights; Creating an educational space by modeling and simulating socio-cultural dynamism and historical events; Extensive use of various types of artificial intelligence for different fields of education and research at the university; and creating the meaning of a second life in a space full of virtual and augmented reality in the physical world.

از هنگامه پدید آمدن موزه‌های دانشگاهی در سده هفدهم تاکنون آن‌ها مکان‌هایی علمی برای ایجاد سطح تماس دانشجویان و مردم با مفاهیم اجتماعی، فرهنگی، علمی و هنری بوده‌اند. بسیاری از این موزه‌ها از دهه ۱۹۹۰ به استقبال فناوری‌های دیجیتالی روی مثبت از خود نشان داده‌اند و با پیدایی فضای وب به راه‌اندازی موزه در فضای مجازی اهتمام ورزیده‌اند و محتویات خود مانند کتابخانه‌های دیجیتالی و موزه سه‌بعدی ایجاد کرده‌اند و آرام آرام دانش «موزه‌شناسی دیجیتالی» به عنوان یک فن خود را نمایان نموده است. هم‌اکنون یک فضای اشتراکی جمعی مجازی با همگرایی میان واقعیت فیزیکی فزونی یافته مجازی شامل همه جهان‌های مجازی، واقعیت افزوده و اینترنت در حال شکل‌گیری است که متاورس نامیده می‌شود. واژه متاورس «فراگیتی» از دو ریشه «متا» (به معنای فرا) و «گیتی یا جهان» ساخته شده است که بازگوی مفهوم آینده اینترنت است. متاورس از فضاهای سه‌بعدی اشتراکی و پابرجا ساخته شده است که به یک جهان مجازی درک شده، اتصال یافته است (۱). از این رو، متاورس ترکیبی از عناصر فناوری شامل واقعیت مجازی، واقعیت افزوده و ویدئو است که کاربران به واسطه آنها می‌توانند در یک جهان دیجیتالی زیست کنند.

حامیان متاورس، این جهان را برای کار کردن، بازی کردن و همچنین پیوند با دوستان



برگزیده‌اند که می‌تواند از کنسرت‌ها و کنفرانس‌ها تا سفرهای مجازی در سراسر جهان را شامل شود. مارک زاکربرگ که شرکت فیس‌بوک را به «متا» تغییر نام داده است بین ۵ تا ۱۰ سال آینده را برای خودنمایی کلیدی سیمای واقعی متاورس،

به عنوان جریان غالب فضای وب، تخمین زده است. از نظر او، متاورس یک محیط مجازی است که کاربران به جای تماشای یک صفحه به داخل آن می‌روند. جهانی بی‌پایان و به هم پیوسته که با مدد فناوری، آنها خواهند توانست با دیگران ملاقات کرده و یا به کسب و کار، بازی و تبادل نظر بپردازند.

اکنون این پرسش هویدا است که موزه‌های دانشگاهی چگونه خواهند توانست خود را با فضای متاورس سازش دهند و از پتانسیل‌های انبوه آن بهره‌مند شوند. می‌دانیم که هدف اولیه موزه‌های دانشگاهی نشان دادن میراث معنوی و مادی خود دانشگاه بوده است و چنین بوده است که این نوع موزه‌ها در نخست برای نشان دادن جایگاه «میراث نهادی» و «هویت نهادی» دانشگاه در قالب رسالت آموزشی آنها شکل گرفته‌اند. موزه‌های دانشگاهی می‌توانند با فناوری متاورس، به شکل بسیار زنده و پویا، تاریخ آکادمیک و سنت‌های آموزشی خود را در آینده برای کاربران و دانشجویان به نمایش بگذارند. برای مثال، کافی است که بازدیدکننده به مجسمه یا پرتره یکی از بنیان‌گذاران دانشگاه بنگرد آنگاه او خواهد توانست با توان فناوری هدست و واقعیت مجازی، به دنیای این شخصیت دانشگاهی وارد شود. بازدیدکننده، این کار را با ساخت آواتار خود انجام می‌دهد و آنگاه این آواتار او است که زمان را در می‌نوردد و به دنیای واقعی آن استاد فقید وارد می‌شود و ضمن حس فضای فیزیکی آن دوره به جستجو در اندیشه‌های والای وی و چگونگی شکل‌گیری تئوری‌ها، کشفیات یا هنرهای خلق شده آن استاد می‌پردازد. بازدیدکننده می‌تواند نه تنها با خود این شخصیت تاریخی در آن فضای مجازی بلکه با دیگر بازدیدکنندگان نیز به گفتگو و تبادل نظر بپردازد و این تجربه‌ای است که بسیار خارق‌العاده جلوه می‌کند زیرا این توانایی متاورس است که مرزهای میان فضای جهان واقعی و فضای مجازی را می‌شکند و توانمندی‌ای فراتر از زمان فیزیکی و محدودیت‌های فضایی، به کاربران دهش می‌نماید (۲).

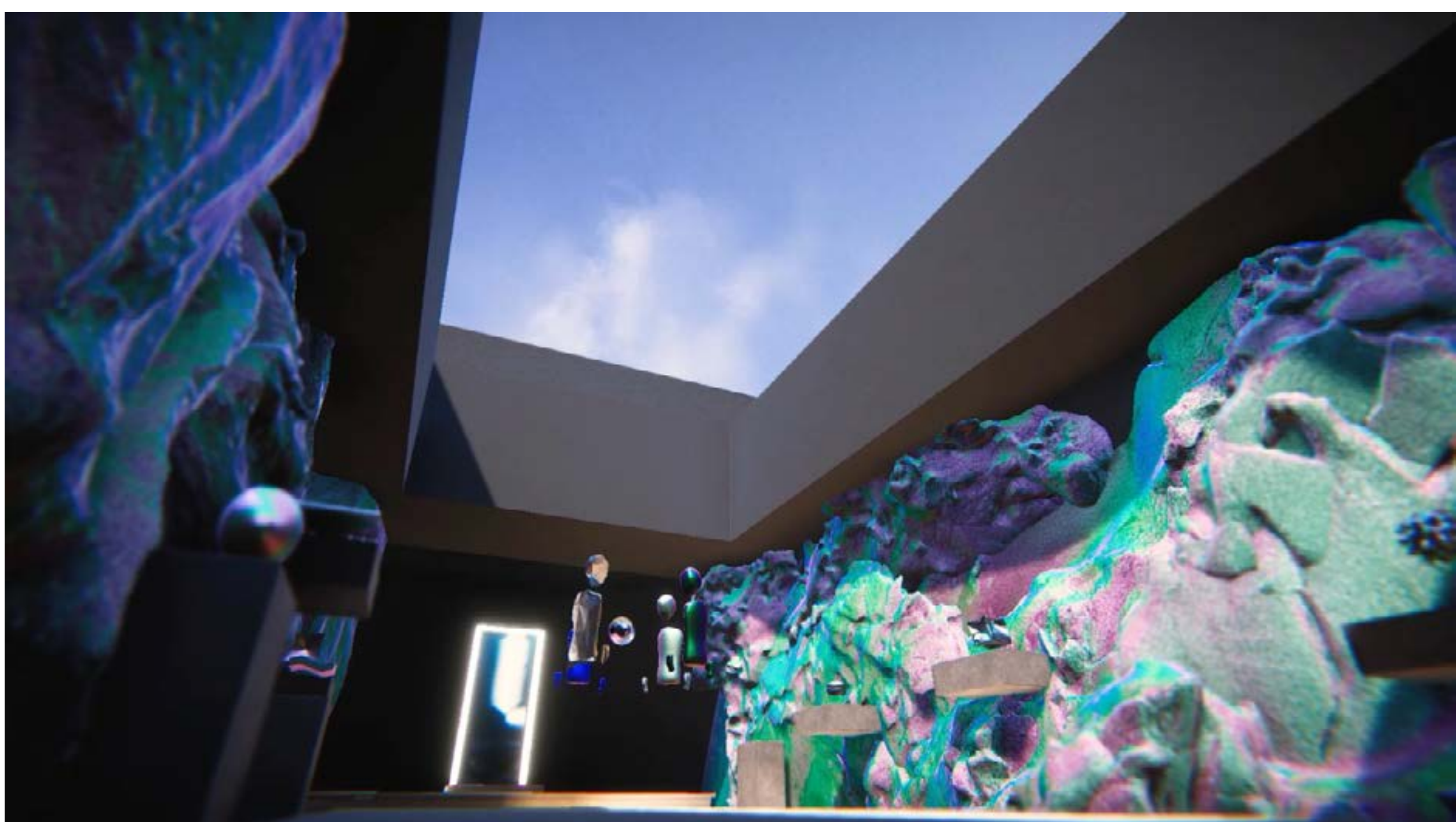
از این رو، از ویژگی‌های برجسته متاورس، خلق یک تجربه بی‌نظیر و شگفت‌آور برای تماشاگر است و این تجربه‌ای است که فقط با دیدن اشیاء و شخصیت‌های ساکن در موزه آفریده نمی‌شود و بر همین اساس است که متاورس را در این قالب به عنوان یک «سرویس خدماتی با محتوی تجربه‌گرایی» نامیده‌اند (۳). در واقع، موزه‌های دانشگاهی آینده، با استفاده از فناوری متاورس، چشم‌انداز خود را از حالت بودن به



صورت یک پایگاه داده‌ی یک جانبه و صادرکننده‌ی فرمان به یک چهارچوب پداگوژیانه‌ی دسترس‌پذیرتر که به تجربه‌ی فردی بازدیدکننده احترام می‌گذارد تبدیل می‌شود و به او در ساخت تجربه‌ی شخصی‌اش که برآمده از

مشاهده‌ی ژرف‌اش در فضای متاورس است، یاری می‌رساند؛ زیرا اساس فلسفه‌ی موزه‌های دانشگاهی آینده «بازدیدکننده محوری» بوده و این موزه‌ها، خوی و منش توتالیتاریسم سنتی خود را به فراموشی خواهند سپرد. این گونه است که موزه‌های آینده می‌توانند با مدد متاورس، به خلق تجربه‌ی معناگرایانه‌ی بازدیدکننده، کمک کنند (۴).

بازدیدکننده در فضای متاورس با دیدن تابلو نقاشی مونالیزا، در کنار لئوناردو دواینچی خواهد نشست و با او به رنگ‌آمیزی می‌پردازد و در همان زمان نیز به گشت و گذار در شهر فلورانس پانصد سال پیش می‌رود و این خود یک تجربه‌ی ژرف کاوی در بعد زمان و مکان به شکل عمودی است؛ اما اگر بازدیدکننده دوست داشته باشد می‌تواند به موزه‌های دیگر نیز در بعد مکانی، به صورت افقی، حرکت کرده و همزمان نیز از آثار به‌جامانده‌ی لئوناردو در موزه‌های دیگر جهان بازدید کند و به کتابخانه‌های موجود دیجیتالی و غیردیجیتالی، به واسطه‌ی فناوری متاورس، سرکشی کند و پاسخ پرسش‌های بی‌انتهای خود را جستجو نماید. پس این‌گونه است که باید گفت متاورس یک شکننده‌ی عرضی و طولی در خمش فضا-زمان است که بازدیدکننده را از جاذبه‌ی مکانی زمان حال رها می‌سازد و در فضای بی‌انتهایی غرقاب می‌کند و این همان رئالیسم اغراق‌آمیز است که در فضای دیجیتالی تبلور می‌یابد. از آنجا که در تعریف متاورس گفته شده که یک فضای اشتراکی است، بازدیدکننده



می‌تواند همچنین با دیگر بازدیدکنندگان «آواتارهای دیگر»، تجربه‌ی خود را به اشتراک بگذارد و از تجربه‌ی آنان بهره‌مند شود. راهنمایان موزه و مدرسان دانشگاهی نیز خواهند توانست با آواتارهای خود به آواتار بازدیدکننده کمک نمایند تا او «تجربه‌ی غرق‌آمیز مشارکتی» خود را خلق نماید.

متاورس می‌تواند برای بازدیدکننده همچون یک میکروسکوپ دیجیتالی کار کرده و او را تا آنجا که می‌توان تصور نمود به سوژه (برای مثال، یک اثر هنری یا یک شیء تاریخی) نزدیک نماید و سپس همچون یک تلسکوپ او را به تجربه نمودن از سوژه‌های دیگر در مکان و زمان‌های دیگر، پرتاپ کند؛ یعنی آن چیزی که به هیچ‌عنوان دسترسی به آن با وجود بودن در یک مکان، امکان پذیر نیست. این پیچیدگی هیبرید زمان-مکان، به خودی خود، وجود ندارد بلکه این تمنای بازدیدکننده و پرسشگری او است که امکان خلق شدن را می‌یابد و او هم همواره می‌تواند به باز شکل دهی مداوم حس حضورش پردازد و به شکل فیزیکی و خلقی به کسب تجربه و لذت توأمان با ایجاد حس شگفتی، تلاش نماید و این همه از راه همگرایی فناوری‌ها و فضاهای فیزیکی و مجازی، ثابت و همراه (موبایل)، بسته و باز، فراهم می‌گردند (۵).

موزه‌های دانشگاهی آینده، در ادامه گریز از فلسفه‌ی غالب فرمانروایی و سلسه‌مراتبی به سوی الگوی مشارکتی، بازدیدکنندگان «مردم» را در خلق دانش سهیم می‌سازند و به رویه تولید دانش با مشارکت مردم می‌پردازند. همان‌گونه که فضای وب یک (Web1) جای خود را به فضای وب دو (Web2) داد و با رهیافت تفکر پلتفرمی (سکویی) و نوآوری باز (innovation open)، تولید علم با مشارکت مردم را امکان‌پذیر نمود که نمونه آن را می‌توان در تولید ویکی‌پدیا مشاهده کرد، در اینجا نیز موزه‌ها از نشستن بر برج عاج خود فرود می‌آیند و این امکان را در فضای متاورس به بازدیدکنندگان می‌دهند تا تجربه خلق شده و نیز دانش نهان خودشان را به اشتراک بگذارند و این همان است که در ادبیات معاصر سیاست علمی از آن به عنوان «علم شهروندی» یاد کرده‌اند. هم‌اکنون می‌توان نمونه کلاسیک علم شهروندی را در پروژه‌های eBird و Galaxy zoo مشاهده کرد. بی‌شک، فضای متاورس، پتانسیل فزونی‌دهندگی در خلق علم شهروندی بی‌همتایی را از خود نشان خواهد داد. شاید بخشی از این فزون‌دهندگی برخاسته از امکان ارائه اطلاعات به شیوه‌ای نوآورانه توسط متاورس باشد زیرا این فضا، کلاس جدیدی از سیستم‌های اطلاعاتی را با ترکیب رهیافت‌های سنتی با مدل‌سازی و شبیه‌سازی دینامیسم اجتماعی - فرهنگی و رویدادهای تاریخی عرضه می‌دارد که بسیار پیچیده، فراگستر، دسترس‌پذیرتر و همکنش‌پذیرتر (تعامل‌پذیرتر) بوده و بازدیدکننده را در «رنالیسمی غوطه‌ورکننده» فرو می‌برد. برای مثال، یک بازدیدکننده می‌تواند آواتار خود را به مکان کشف یک استخوان تاریخی مشاهده شده در موزه بفرستد تا در کنار باستان‌شناسان در کاوش‌های باستان‌شناسی شرکت کند و از نزدیک در فضای مجازی،



در ساختار استخوان کشف شده سیر کرده و نمونه‌های واقعی آن را در موزه‌های دیگر یا در مکان‌های تاریخی دیگر که حفاری شده‌اند، لمس نموده و به مقایسه پردازد و هم‌زمان نیز به کتابخانه‌های مجازی سرکشی کرده و به اکتشاف از رازهای ناگشوده اهتمام

نماید و سپس شرح این سیر آفاق خود را در فضای متاورس به میراث گذارد و در واقع، در تولید علم سهیم شود.

در فضای وب ۱، موزه‌های دانشگاهی فقط به خلق محتوی می‌پرداختند و بازدیدکنندگان نیز مصرف‌کنندگان آن بودند ولی در فضای وب ۲ در متاورس، یک برهم‌کنش خارق‌العاده‌ای رخ می‌دهد که بازدیدکنندگان، دانشگاهیان و مدرسان، دانش خود را به اشتراک می‌گذارند و بدین‌گونه محتوای نوینی می‌آفرینند و این یک رهیافت دموکراتیک در خلق محتوی است که در فضای متاورس فزونی می‌یابد. در پیشرفت پسین متاورس، شاهد رونمایی از وب ۳ خواهیم بود که فرایند اتوماتیک و بازنمود محتوی به واسطه عوامل هوشمند مستقر در آن فضا انجام می‌گردد (۶).

از زوایه دیگر، موزه‌های دانشگاهی در فضای متاورس نقش پژوهشی برجسته‌ای از خود نشان می‌دهند. این موزه‌ها به دانشجویان و پژوهشگران، امکان گسترش دیدگاه‌شان پیرامون تاریخ را خواهند داد زیرا شبیه‌سازی و تفسیر و ترجمان گذشته، به شکل زنده و همچنین امکان «حضور» آنان در مکان‌ها و زمان‌های گوناگون، وجود خواهد داشت. پژوهشگران همچنین خواهند توانست به تغییر و جابجایی رویدادها و اشیاء پرداخته و به توان تجزیه و تحلیلی خود بیفزایند و همواره با خلق پرسش‌های بی‌انتهای دیگر به پاسخ‌های مبتنی بر شواهد تجربی و آنالیتیکی اهتمام بورزند. همان‌گونه که ادوارد اچ کار (E.H Carr)، تاریخ را «گفتمان بی‌انتهای میان حال و گذشته» تعریف کرد، مصداق آن را در تجلی متاورس در موزه‌های دانشگاهی خواهیم یافت که امکان گفتمان واقعی گذشته و حال با «حضور» پژوهشگران در صحنه رخداد رویدادهای تاریخی، در فضای مجازی، فراهم می‌گردد. بازدیدکنندگان و پژوهشگران می‌توانند بارها و بارها به اجسام و رویدادهای تاریخی بنگرند و در آنها زندگی کنند و مادام به پرسش‌های پژوهشگرانه‌ی خود پاسخ دهند. چون فضای متاورس یک فضای به هم پیوسته بوده و پیوند یافتگی بی‌همتایی را عرضه می‌دارد، آنان می‌توانند به صورت میان‌رشته‌ای و فرا رشته‌ای به موضوع مورد پژوهش نگریسته و آن را از زوایای گوناگون مورد کنکاش قرار دهند و یک پلورالیسم دیدگاهی را با مشارکت همه ذی‌نفع‌ها خلق نمایند زیرا



آواتارهای آنها می‌توانند با یکدیگر بر هم کنش نموده و با تعامل با محیط و دیگر پژوهشگران «سامانه‌های اجتماعی - فیزیکی - سایبری» آنلاین تولید کنند (۷).

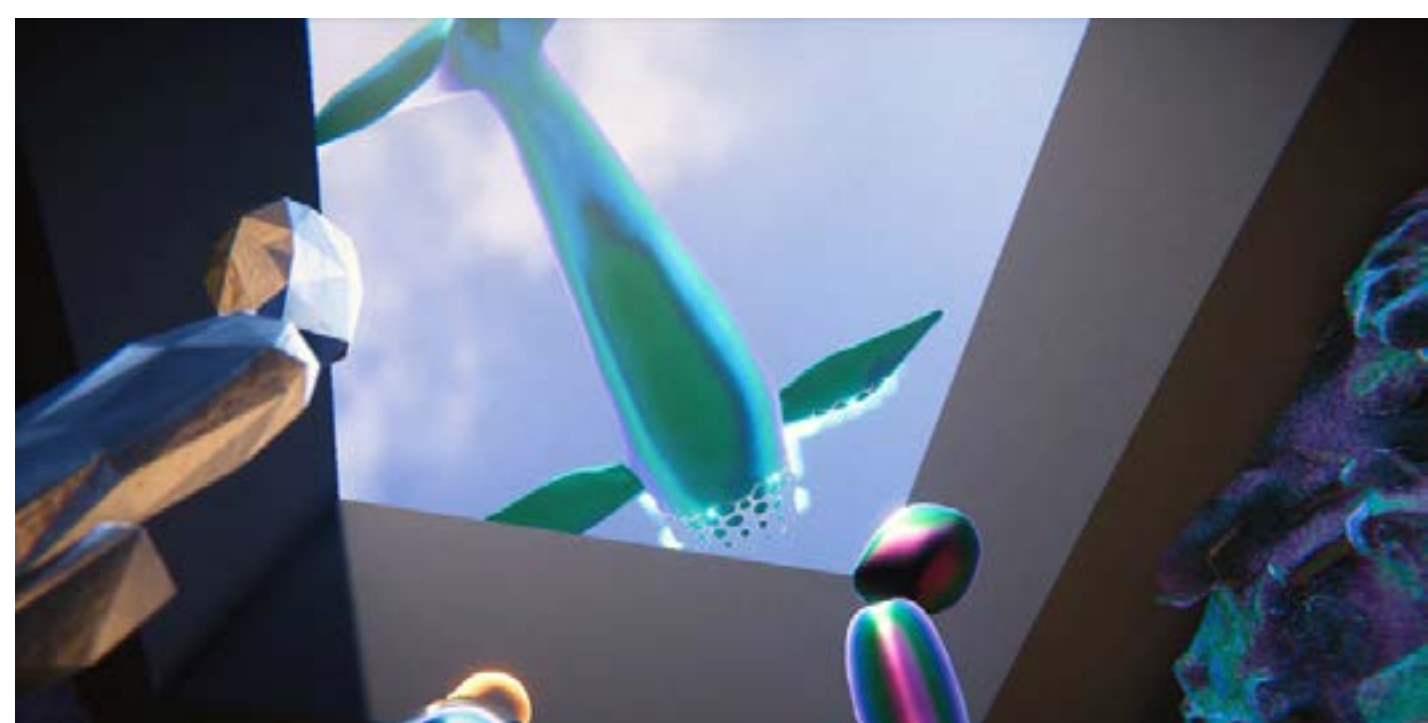
با تمهیدات خلق فضای اجتماعی -

فیزیکی - سایبری است که موزه‌های دانشگاهی خواهند توانست امکان «حضور» بازدیدکننده را در فراتر از زمان و مکان فراهم آورده و او را غرقاب نمایند، که خود حالتی از یک تعلق فضایی - زمانی در جهان است با ویژگی درگیر شدن ژرف در لحظه کنونی در توأمان با برانگیختن حس علائق و مجذوب شدن خلقی و شناختی تام و این در حالی است که فرد بازدیدکننده، از لحاظ فیزیکی و زمانی، در مکانی دیگر قرار گرفته است. بدین سان او می‌تواند به مکاشفه، ارتباط یافتن و پیوند یافتگی با دیگران قرار گرفته و با تغییر و جابجایی فضاها و اشیاء، به خلق داستان‌ها و روایت‌های دیگر از رویدادها و وقایع تاریخی بپردازد. در همین فضای اجتماعی - فیزیکی و سایبری نوین است که او می‌تواند با دیگر بازدیدکنندگان از موزه ارتباط و برهم کنش برقرار سازد و آنها این کار را با نمودهای گرافیکی از بردگان شان که آواتار نامیده می‌شود، انجام می‌دهند. در واقع، این فضای متاورس است که امکان خلق جهان مجازی با کاربران چندگانه را می‌دهد و بدین گونه عنوان «فضای اجتماعی - فیزیکی - سایبری» زیبنده آن است (۸).

بی‌شک از بازیگران کلیدی متاورس، هوش مصنوعی است که در قالب یک ربات دیجیتالی یا یک شخصیت شبه انسانی آگاهمند، در بستر فضای دیجیتالی، ظهور می‌یابد. در واقع، این هوش مصنوعی از ساکنین همواره این زیست بوم مجازی می‌باشد که گاهی در سیمای دانای کل و گاهی به شکل یک همراه مجازی، با آواتار ما، دمساز می‌شود. این هوش مصنوعی نه تنها آموزش و همیاری آواتارهای بینندگان را در فضای متاورس موزه بر عهده خواهد داشت بلکه از هم آموزشی و تبادل نظر با بینندگان به کسب تجربه می‌پردازد و به شیوه یادگیری ژرف، آگاهمندی و راه حل مسئله خود را تعالی می‌بخشد و این از شگفتی‌های گسترده آموزش در عرصه فضای متاورس است که سامانه‌های آموزش و مدیریت دانش را در آینده متحول خواهد ساخت. در واقع، این هوش مصنوعی نه تنها به پرسش‌های بازدیدکنندگان پاسخ می‌دهد بلکه بسان یک همپایه یادگیری مجازی، با ویژگی‌های شبه انسانی، در جهت هدایت فراگیران، به شیوه‌ای فردگرایانه، در امر آموزش عمل می‌نماید. این به معنای این است که هوش مصنوعی از طریق شناسنامه الکترونیک بازدیدکننده، از توانایی ذهنی و علمی وی آگاهی یافته و به فراخور گسترده و توانایی ذهنی و هوشی وی به ارائه محتوی

آموزشی و هدایت فرد اقدام می‌نماید. از این رو، باید گفت که بدین صورت، آموزش فردگرایانه تجلی می‌یابد. به زبان دیگر، یک بسته آموزشی برای همه، جای خود را به بسته‌های آموزشی‌ای می‌دهد که فقط منحصر به آن فرد بازدیدکننده بر پایه پس زمینه دانایی او است. در ضمن، در همین فضا است که این هوش مصنوعی با پیش رفتار و کردار بازدید کننده، محتواهای یادگیرانه‌ای که کنجاوی او را برانگیخته می‌سازند و موجب ابقاء علاقمندی‌اش می‌شوند، فراهم می‌سازد. این هوش مصنوعی به گونه‌ای کار می‌کند تا بازدید کننده بتواند به سازماندهی اطلاعات و فراخوانی آنها از حافظه‌اش پردازد و دانش اکتسابی پیشین را برای فعالیت یادگیری تعاملی کنونی، در زمان واقعی، اتصال دهد. به این نوع هوش مصنوعی «همپایان یادگیری مجازی» (VLCs) می‌گویند. در یک سطح بالاتر، آواتار بازدیدکننده می‌تواند همزمان در چندین مکان مجازی (واقعیت مجازی) حضور یافته و فضاهای انباشته از واقعیت افزوده را تجربه کند و بدین سان است که واقعیت فیزیکی، واقعیت مجازی، واقعیت افزوده و نیز هوش مصنوعی و هوش انسانی با یکدیگر ممزوج می‌شوند و این گونه است که ایده «معلم هوش مصنوعی آئی» (JITAITS) معنا می‌یابد (۹).

در سطح وب ۳ (Web 3) متاورس، دنیای مجازی و واقعی، درهم شکسته خواهند شد و ما با اشکال زنده هوش مصنوعی (Alfie) در فضای فیزیکی زندگی خواهیم کرد، اشکالی از هوش مصنوعی که مادام به ما آموزش خواهند داد و با ما پژوهش خواهند کرد. همزمان، اشکال زنده هوش مصنوعی به تعالی سیستم‌های «یادگیری ماشین» خود نیز می‌پردازند و بدین گونه معنای زندگی دوم در فضایی سرشار از واقعیت مجازی و افزوده در جهان فیزیکی ظهور می‌یابد. این تصویری فراتر از آن چیزی است که از معنای زندگی دوم برای متاورس هم اکنون در ذهن خود مجسم کرده‌ایم (۱۰). برای رسیدن به این ایده که فضای آموزش و دانشگاه‌ها را در آینده متحول خواهد ساخت، موزه‌های دانشگاهی نیاز دارند نه تنها مقدمات و تمهیدات ورود به فضای متاورس را فراهم سازند بلکه می‌بایست در چشم‌انداز خود بهره‌مندی از فناوری‌های پیشرفته‌ای



همچون واقعیت گسترش یافته (Extended reality)، برهم کنش رایانه - انسان، دید رایانه‌ای Computer vision، رایانش ابری و لبه‌ای (Cloud+Edge)، شبکه‌های موبایل آینده و حتی زنجیره‌های بلوکی Blockchain

را در فضای سایبری، مدنظر قرار دهند (۱۱) تا در آینده شاهد همزیستی واقعیت مجازی - فیزیکی، یا به زبان دیگر، خلق سورئالیسم در قالب موزه‌های دانشگاهی باشیم.

اما پیش از آن باید موزه‌های دانشگاهی به خلق همزادهای دیجیتالی (digital twin) خود بپردازند. در خلق این هیبرید فیزیکی - دیجیتالی است که موزه‌ها دوباره خواهند توانست یکتایی خود را در جهان فراگستر و پرشتاب آینده، پاس بدارند. (۱۲).

منابع

1. Hackl K. The Metaverse Is Coming And It's A Very Big Deal. Forbes 2020. (Accessed at <https://www.forbes.com/sites/cathyhackl/2020/07/05/the-metaverse-is-coming--its-a-very-big-deal/?sh=67fe7c77440f>).
2. Kim JG. A Study on Metaverse Culture Contents Matching. Int J Advan Culture Tech 2021;9:232-237.
3. Choi HS, Kim SH. A content service deployment plan for metaverse museum exhibitions—Centering on the combination of beacons and HMDs. International Journal of Information Management. 2017;37:1519-1527.
4. Ginger MF, Daley MA. Visitor-Centered Museums: Surviving the 21st Century. Theory and Practice 2020;3.
5. Giannachi G. 'Into the Space of the Digital Museum'. Moving Spaces Enacting Dance, Performance, and the Digital in the Museum (16 September 2021).
6. Huggett J. Virtually real or really virtual: towards a heritage metaverse. Studies in Digital Heritage 2020; 4:1-15.
7. Lercari, Nicola. Simulating History in Virtual Worlds. Handbook on 3D3C Virtual Worlds, Springer. 2016; 337-352.
8. Nisiotis L, Lyuba A, Beer M. (2019). Virtual Museums as a New Type of Cyber-Physical-Social System. (Accessed at <http://shura.shu.ac.uk/24561/>).
۹. نبی پور ایرج. دانشگاه نسل سوم در انقلاب صنعتی چهارم. دانشگاه علوم پزشکی بوشهر ۱۳۹۸. ص ۱۲۴-۱۹۹
10. Hazan S. MUSING THE METAVERSE. Annual Conference of CIDOC, Athens, September 15 – 18, 2008.
11. Lee L-H, Braud T, Zhou P, Wang L, Xu D, Lin Z et al. All One Needs to Know about Metaverse: A Complete Survey on Technological Singularity, Virtual Ecosystem, and Research Agenda. J Latex Class Files 2021;14:1-66.
12. Manovich L. Museums and Metaverse. 2021. (Accessed at <https://medium.com/@manovich/museums-and-metaverse-53bad9570378>).



دکتر صفورا برومند / Dr. Safura Borumand

استادیار پژوهشکده تاریخ ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و کارشناس و مشاور علمی

اداره کل موزه‌های بنیاد مستضعفان در دهه ۱۳۷۰

Faculty Member of Iran History Department, Institute for Humanities and Cultural Studies

موزه‌های دانشگاهی و آموزش تعاملی University Museums and Interactive Education

چکیده

موزه‌ها به عنوان نهادهایی غیر انتفاعی و دائمی، مکانی برای گردآوری، حفاظت، بررسی و پژوهش درخصوص میراث فرهنگی و طبیعی توصیف شده‌اند. با پیشرفت روزافزون فناوری، عملکرد موزه‌ها تنها در چارچوب فضای فیزیکی برای نمایش میراث تاریخی محدود نمی‌شود و به عنوان رسانه‌ای بی‌حد و مرز برای انتقال تجارب فرهنگی و نیز آموزش مخاطب، مدنظر قرار گرفته است. این شرایط، زمینه بررسی درخصوص ارائه تعریف جدید از عملکرد و اهداف موزه‌ها را به دنبال داشته است. موزه‌های دانشگاهی به عنوان مجموعه‌های مکمل ساختار آکادمیک نیز با ضرورت تدوین شرح وظایف جدید روبرو شده‌اند. از جمله این وظایف، آموزش مخاطب است. این گفتار ضمن مروری بر ماهیت موزه‌های دانشگاهی، به بررسی نقش و ویژگی‌های آنها در عرصه آموزش تعاملی (آموزش موثر و ماندگار از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات/IT) مخاطب می‌پردازد.

Abstract

Museums have described as permanent, non-profit institutions, places for the collection, conservation, study and research of cultural and natural heritage. With the increasing advancement of technology, the function of museums is no longer limited to the physical space for exhibition of historical heritage and has considered as a borderless medium for the transmission of cultural experiences as well as the education of the audience. These conditions have led to a new definition of the function and goals for museums. University museums, as complementary collections to the academic structure, have also faced the need to develop new job descriptions. One of these tasks is the education of audience. This article reviews the background and nature of university museums and examines their role and characteristics in interactive education of audience (effective and sustainable education through information and communication technology, i.e. "IT").

مقدمه

موزه‌ها بر اساس تعریف شورای بین‌المللی موزه‌ها (ایکوم)، مجموعه‌ای غیرانتفاعی و موسسه‌ای دائمی، در خدمت جامعه و پیشرفت آن و گشوده بر روی عامه مردم و محلی برای مطالعه، آموزش، گردآوری، حفاظت، پژوهش، عمومیت‌بخشی و نمایش شواهد مادی مردم و محیط زندگی آنها توصیف شده‌اند.

(ICOM Statutes, 24 August 2007: 2; Sandahl, 2018:3)

موزه‌ها در تعریف نهاد آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد-یونسکو نیز به عنوان فضاهایی برای انتقال فرهنگی، گفتگوی بین‌فرهنگی، یادگیری، بحث و آموزش (شامل یادگیری رسمی، غیررسمی و مادام‌العمر)، انسجام اجتماعی و توسعه پایدار، مدنظر قرار گرفته‌اند. (UNESCO, 17 November 2015:7) طی دهه اخیر و با دگرگونی‌های روزافزون در عرصه فناوری اطلاعات و ارتباطات^۱ و به ویژه با شروع پاندمی کووید-۱۹ که به قرنطینه عمومی در جامعه و تعطیلی موزه‌ها منجر شد، عملکرد موزه‌ها با استفاده از بسترهای دیجیتال^۲ و در حوزه ارتباطات تعاملی^۳ به گونه‌ای دیگر ارائه شد. موزه‌ها با گذر از محدودیت‌های فیزیکی و مکانی به فضای شخصی مخاطبان راه یافتند و در گذران اوقات فراغت، آموزش و اطلاع‌رسانی اقشار مختلف جامعه، نقش انکارناپذیری را ایفا کردند. این دگرگونی‌ها در شیوه برقراری ارتباط بین موزه‌ها و مخاطبان، زمینه توجه به ارائه تعریف جدید از این مکان‌ها و نهادهای فرهنگی-آموزشی را به دنبال

1. Communication and Information Technology/ ICT

2. Digital Platforms

3. Interactive Communication



داشته است. (Kracjovicova; San Miguel; Guiragossian, 2021) از اینرو، با نظرسنجی از دست‌اندرکاران موزه‌ها، مقدمات بازخوانی از تعریف و عملکرد این نهادها در کنفرانس عمومی شورای بین‌المللی موزه‌ها (ایکوم) فراهم شده است که از ۲۰ تا ۲۸ آگوست

سال ۲۰۲۲ م. در پراگ برگزار می‌شود. (<https://prague2022.icom.museum>) موزه‌های دانشگاهی نیز در معرض این دگرگونی‌ها قرار گرفته‌اند و پرسش‌هایی در خصوص هویت و چگونگی عملکرد آنها مطرح شده است. از جمله این پرسش‌ها، چگونگی نقش موزه‌های دانشگاهی در حوزه آموزش است.

موزه‌های دانشگاهی

موزه‌های دانشگاهی از مجموعه‌های تخصصی مرتبط با حوزه‌های دانشی، یادمان‌ها و یادبودهای تاریخی و آموزشی تشکیل می‌شوند که به مرور گردآوری شده‌اند. (Hamilton, ۱۹۹۵: ۷۳-۷۹) پیشینه این موزه‌ها را در بخش‌هایی از دانشگاه‌های نیمه سده شانزدهم میلادی از جمله باغ‌های گیاه‌شناسی و تالارهای آناتومی در دانشگاه‌های پادوا^۱ و پیزا^۲ در ایتالیا می‌توان جستجو کرد. این مجموعه‌ها به عنوان محلی برای پژوهش پزشکان و داروسازان ایجاد شدند. به مرور، تعداد این مجموعه‌ها افزایش یافت و آثار هنری نیز به آنها افزوده شد. موزه هنر بازل^۳



موزه دارو دانشگاه بازل، بزرگ‌ترین موزه و مجموعه تاریخ دارو

در سوئیس از جمله این مراکز فرهنگی-هنری است که با انتقال آثار ارزشمند متعلق به خاندان امرباخ^۴ شامل نقاشی‌های هانس هولباین^۵ به دانشگاه بازل در سال ۱۶۶۱ م. ایجاد شد و پس از مدتی در معرض بازدید عموم نیز قرار گرفت. از اینرو،

موزه هنر بازل به عنوان قدیم‌ترین موزه دانشگاهی شناخته شده است.

(<https://kunstmuseumbasel.ch/en/collection/history>)

1. Padua
2. Piza
3. Kunstmuseum Basel
4. Amerbach
5. Hans Holbein

در برخی موارد نیز مجموعه‌های اهدایی خیرین به دانشگاه، زمینه شکل‌گیری این موزه‌ها را فراهم می‌کند. موزه آشمولین^۱ در دانشگاه آکسفورد از جمله این موزه‌های دانشگاهی به شمار می‌رود که بر اساس مجموعه اهدایی الیاس آشمول^۲ باستان‌شناس و سیاستمدار انگلیسی در حفاصل سال‌های ۱۶۷۸ تا ۱۶۸۳ م. ایجاد شد. (<https://www.ashmolean.org/history-ashmolean>) آشمولین پس از مجموعه بازل، دومین موزه دانشگاهی قدیمی و حائز اهمیت است. بدین ترتیب، مجموعه‌های اهدایی، از جمله نخستین آثار در موزه‌های دانشگاهی به شمار می‌روند. دومین گروه از مجموعه آثار که در موزه‌های دانشگاهی نگهداری می‌شوند، بر اساس تاریخچه دانشگاه گردآوری شده‌اند و مجموعه‌های ارزشمندی از میراث آموزشی را شامل می‌شوند. سومین گروه از آثار این موزه‌ها بر اساس موضوع و حوزه دانشی دانشگاه گردآوری شده‌اند که معمولاً برای کمک به آموزش و پژوهش در موسسات آموزش عالی به کار می‌روند. (Lourenço, 2008: 324)

موزه‌های دانشگاهی و آموزش



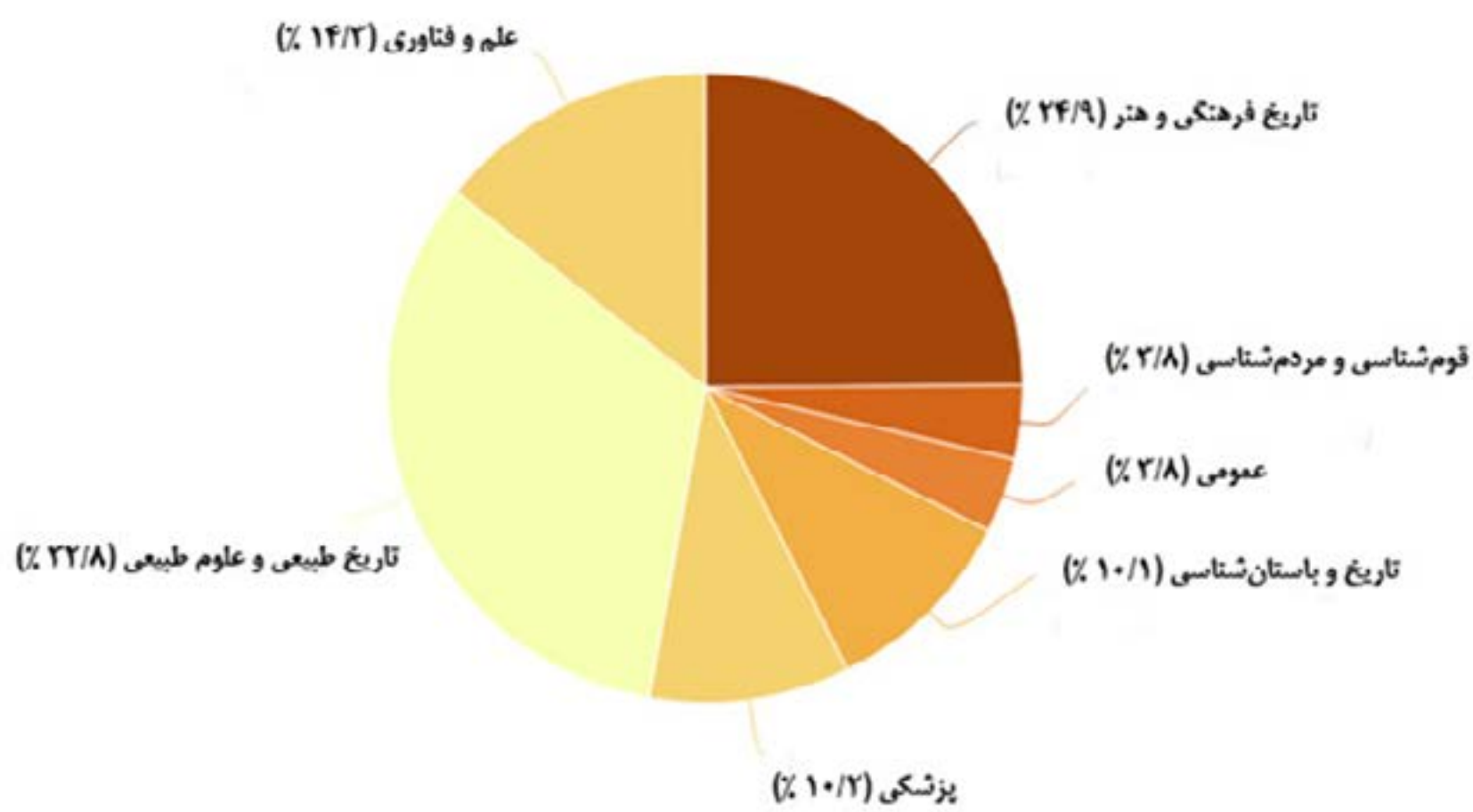
از آن جا که تا حدود سه دهه گذشته، نخستین موزه‌های دانشگاهی بخش جنبی از ساختار آکادمیک دانشگاه قلمداد می‌شدند، از هویت مستقل به عنوان موزه برخوردار نبودند. هویت این موزه‌ها در حفاصل مکان فرهنگی با ویژگی‌های موزه و مکان آموزشی برای

تکمیل فعالیت‌های دانشگاه در نوسان بود. جامعه مخاطب موزه‌های دانشگاهی نیز از دانشجویان همان مرکز آموزش عالی و در محدوده سنی ۱۸ تا ۲۲ سال تشکیل می‌شد. (Guthe ۱۹۶۶:۱۰۳) مسئولیت اداره این موزه‌ها نیز با گروهی از کارمندان دانشگاه بود که گاه از بین پژوهشگران دانشگاه، کتابداران یا افرادی فاقد تخصص در حوزه موزه‌داری انتخاب می‌شدند. در برخی موارد نیز امور مرتبط با مستندسازی، حفاظت و مرمت آنها، طبق روال معمول انجام نمی‌شد. امروزه نیز برخی دانشگاه‌های جدید که برای ایجاد موزه به گردآوری آثار می‌پردازند، از برنامه هدفمند و نظام‌مند برخوردار نیستند و تا حدودی شرایط مشابهی در موزه‌های دانشگاهی متأخرتر نیز حکمفرما است. (Kelly ۲۰۰۱:۷)

به این ترتیب، گذشته از موزه‌های دانشگاهی بزرگ و معروف جهان که منطبق بر

1. Ashmolean Museum
2. Elias Ashmole

شیوه‌های نوین موزه‌داری اداره می‌شوند، برخی موزه‌های دانشگاهی کوچک با گذشت زمان، به انباری از آثار پراکنده و فاقد ویژگی‌ها و کارکرد موزه‌ای تبدیل می‌شوند. محدود بودن چنین موزه‌هایی در فضایی بسته، درون ساختار دانشگاه با دسترسی محدود، بیش از پیش زمینه رکود این نهاد های فرهنگی- اجتماعی را فراهم می‌کند. این امر در حالی است که موزه‌های دانشگاهی با برخورداری از تنوع آثار موزه‌ای، بخش درخور توجهی از میراث ملی و بین‌المللی را نگهداری می‌کنند. (Stanbury, 2001: 69)



نمودار موضوعی موزه‌های دانشگاهی

بر اساس گزارش کمیته بین‌المللی موزه‌ها (ایکوم) و شورای بین‌المللی برای کمیته موزه‌ها و مجموعه‌های دانشگاهی (یومک)،^۱ موزه‌های دانشگاهی از گستره موضوعی با ۱۹۵ عنوان برخوردارند که در پایگاه داده‌های یومک در ۷ حوزه موضوعی فراگیر معرفی شده‌اند. (<https://university-museums-and-collections.net/subjects>)

موزه‌های دانشگاهی مجموعه‌های متنوعی در حوزه‌های دانشی از جمله تاریخ طبیعی (جانورشناسی، گیاه‌شناسی، کانی‌شناسی، زمین‌شناسی، دیرین‌شناسی و مردم‌شناسی)، هنر، باستان‌شناسی، کالبدشناسی، آسیب‌شناسی، تاریخ از جمله تاریخ اجتماعی، تاریخ دین، تاریخ دانشگاه یا یادمان‌های دانشگاهی، تاریخ زندگی دانشجویی، تاریخ پزشکی، دارو و داروشناسی، تاریخ طراحی و منسوجات، تاریخ نمایش، فناوری و مهندسی، فیزیک، شیمی، ژئوفیزیک، زمین‌سنجی، هواشناسی، ژنتیک، بوم‌شناسی، میکروبیولوژی، زیست‌شناسی دریایی و ستاره‌شناسی را شامل می‌شوند. این مجموعه‌ها در بخشی از دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها، باغ‌های گیاه‌شناسی، افلاک‌نماها، رصدخانه‌ها، اکواریوم‌ها، اکو موزه‌ها، موزه‌های بیمارستانی، گالری‌ها یا موزه‌های ملی تحت نظارت دانشگاه‌ها نگهداری می‌شوند. از ابتدای ایجاد موزه‌های دانشگاهی، این طیف وسیع و متنوع از موزه‌ها، محل نگهداری مستندات علمی حوزه‌های دانشی گوناگون به شمار می‌رفتند. همچنین، موزه‌های دانشگاهی مستندات تاریخی از دگرگونی برخی داده‌ها

1. University Museums and Collections



را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند.
(Impact and Engagement, University)
(Museum for the 21st Century, 2013: 2
بدین ترتیب، انجام برخی پژوهش‌ها یا
آموزش موضوعاتی که نیازمند تشریح
روند تاریخی مسئله‌ای علمی مانند
مستندسازی تغییرات اقلیمی است، به

واسطه مستندات موزه‌های دانشگاهی امکان‌پذیر می‌شود. از منظر نهاد دانشگاه، این مستندات به عنوان بخشی از ملزومات و مکمل نظام آموزش عالی به شمار می‌روند و موزه‌های دانشگاهی نیز به منزله مرکزی برای پژوهش و آموزش آکادمیک قلمداد می‌شوند. این ویژگی یعنی ایجاد این موزه‌ها بر مبنای ماهیت آموزشی و پژوهشی است که موزه‌های دانشگاهی را از سایر موزه‌ها متمایز می‌کند.

به رغم این ویژگی‌ها، تا حدود دو دهه پیش، فعالیت و عملکرد بیشتر موزه‌های دانشگاهی در قالب نمایش آثار یا بایگانی داده‌ها در حوزه‌های دانشی خاص محدود می‌شد. (King, 2001: 20) حوزه مخاطبان موزه‌های دانشگاهی نیز دانشجویان و پژوهشگران مرتبط با موضوع این موزه‌ها را در بر می‌گرفت. به مرور و به منظور پویایی بیشتر و حتی تأمین مالی، ضرورت گسترش مخاطبان مد نظر قرار گرفت. در سپتامبر سال ۲۰۰۰م. موسسه فنلاندی^۱ با حمایت مرکز فرهنگی فنلاند و برنامه مدیریت نهادی در آموزش عالی،^۲ سمینار بین‌المللی دو روزه‌ای با محوریت فعالیت موزه‌های دانشگاهی را در پاریس برگزار کرد. بیش از ۶۰ هیئت از ۱۷ کشور در این سمینار شرکت کردند. این سمینار، مجمعی برای گفتگو در خصوص مدیریت موزه‌های دانشگاهی و مناسبات آنها با دانشگاه‌هایشان و جامعه، نقش و چالش‌های این نهادهای فرهنگی-آموزشی، ارتقای آگاهی، فعالیت‌های مشارکتی، امور مالی و راهکارها برای گسترش دسترسی عموم بود. (Ibid, pp ۷-۸) بدین ترتیب، موضوع تغییر فعالیت و بازخوانی اهداف موزه‌های دانشگاهی در قرن بیست و یکم مد نظر قرار گرفت.

با پیشرفت روزافزون فناوری اطلاعات در دو دهه آغازین قرن بیست و یکم، طراحی بسترهای دیجیتال و گذر از دیدگاه سنتی موزه‌داری، امکان ارائه تعریف جدید از موزه و عملکرد آن فراهم شده است. طبق گزارش ۲۲ ژوئن ۲۰۲۱ شورای بین‌المللی موزه‌ها در خصوص بازخورد اعضای این شورا برای تعریف جدید از «موزه»، واژه «آموزش» شامل دانش، یادگیری، کشف، انتقال، گفتگو، تفکر، درک و سرگرمی، با ۷۱ درصد رأی، از بیشترین امتیاز به عنوان ارزیابی کمی تجربه مخاطب از موزه، برخوردار شده

1. Institut finlandais

2. Institutional Management in Higher Education (IMHE)

است. (Kracjovicova; San Miguel; Guiragossian, 22 June 2021: 43) این اتفاق نظر درخصوص جایگاه آموزش در تعریف موزه، کاملاً با ماهیت و عملکرد موزه‌های دانشگاهی مطابقت دارد. بدین ترتیب ماهیت آموزشی و تنوع موضوعی و تعداد درخور توجه آثار، فرصت مناسب و مغتنمی برای تغییر رویکرد و فعالیت در اختیار موزه‌های دانشگاهی قرار می‌دهد. از گزینه‌های این تغییر عملکرد، گسترش آموزش، خارج از چارچوب‌های نظام دانشگاهی و آموزش عالی است. طی دو دهه اخیر، با توجه به این که ماهیت و رویکرد آموزشی، نقطه قوت موزه‌های دانشگاهی به شمار می‌رود، راهکارهایی برای ارائه خدمات آموزشی نوین برای مخاطبان بیشتر و خارج از حوزه دانشجویان و پژوهشگران دانشگاه مد نظر قرار گرفته است. (Wallace: ۲۰۰۲، ۱۵) توجه به این نکته ضروری است که آثار بیشتر موزه‌های دانشگاهی، به فعالیت دانشگاه‌ها مرتبط می‌شوند و از جامعیت موزه‌های ملی یا عمومی برخوردار نیستند. فعالیت آموزشی آنها نیز در چارچوب موضوعی این موزه‌ها محدود می‌شود.

(Pradel, 1987; Alexander, 1979; Lumley, 1988)

اما در همین شرایط نیز موزه دانشگاهی، مُعرّف یا چهره بیرونی دانشگاه قلمداد می‌شود. (Mack, ۲۰۰۱: pp. ۲۸-۲۹) در بیشتر موارد، موزه‌های دانشگاهی با برخورداری از طیف وسیعی از مضامین مرتبط با مباحث علمی، نقش نخستین رسانه ارتباطی بین کودکان و دانشگاه را ایفا می‌کنند. دانش‌آموزان در بازدید از این موزه‌ها با بخشی از ساختار و عملکرد دانشگاه‌ها آشنا می‌شوند.

(Impact and Engagement, University Museum for the 21st Century, 2013: 9)

طی این بازدید، دانش‌آموزان به گونه‌ای غیرمستقیم علاوه بر گذران اوقات فراغت تجربیات علمی را درک می‌کنند. (Geladaki; Papadimitriou, ۲۰۱۴: ۳۰۱) بازدید از موزه‌های دانشگاهی علاوه بر کارکرد فراغت، زمینه ارتقای سواد دیداری و تفکر انتقادی دانش‌آموزان را نیز فراهم می‌کند. چنین شرایطی برای مخاطب عام موزه‌های دانشگاهی نیز وجود دارد. پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات مجموعه‌ای از رسانه‌های پرکاربرد و تأثیرگذار برای آموزش تعاملی مخاطبان را در اختیار موزه‌های دانشگاهی قرار داده است.



امکاناتی که فناوری اطلاعات و ارتباطات در حوزه آموزش مجازی ایجاد کرده است، گزینه مناسب و کاربردی برای ارتقای عملکرد آموزشی موزه‌های دانشگاهی است. فناوری دیجیتال، امکان معرفی این موزه‌ها، خارج از چارچوب فیزیکی دانشگاه‌ها را فراهم کرده است. معرفی موزه‌های دانشگاهی در ساختار فضای مجازی از طریق شبیه‌سازی سه بُعدی، برگزاری وبینارها و کلاس‌های آموزشی در بسترهای برخط (آنلاین) دیداری و شنیداری، به برقراری ارتباط تعاملی^۱ بین موزه و طیف وسیعی از مخاطبان منجر می‌شود. حاصل این ارتباط، گونه‌ای آموزش تعاملی است که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم برای مخاطبان ارائه می‌شود. فناوری اطلاعات و ارتباطات، فراتر از محدودیت‌های زمانی و مکانی، امکان دسترسی آزاد به مستندات موزه‌های دانشگاهی را فراهم می‌کند و مخاطب در تعامل با فضای مجازی این موزه‌ها از تجربه‌ای مستند، علمی و ماندگار برخوردار می‌شود. بدین ترتیب، آن گونه که در تعریف یونسکو از موزه تأکید شده است، این نهادهای فرهنگی-آموزشی به رسانه‌ای برای آموزش رسمی، غیررسمی و مادام‌العمر، تبدیل می‌شوند. اهمیت این عملکرد آموزشی موزه‌های دانشگاهی آن هنگام دو چندان می‌شود که طبق گزارش ۲۲ ژوئن ۲۰۲۱ شورای بین‌المللی موزه‌ها در خصوص بازخورد اعضای این شورا برای تعریف جدید از موزه، واژه «آموزش» در قالب دانش، یادگیری، کشف، انتقال، گفتگو، تفکر، درک و سرگرمی، با ۷۱ درصد رأی، از بیشترین امتیاز به عنوان ارزیابی کمی تجربه مخاطب از موزه، برخوردار شده است. چنین اتفاق نظر و رویکردی درخصوص جایگاه آموزش در عملکرد موزه، بیش از پیش با شرح وظایف موزه‌های دانشگاهی مطابقت دارد و تأکیدی است بر ضرورت تمرکز بر راهکارهایی که دستاوردهای فناوری اطلاعات و ارتباطات برای ارائه فضای آموزشی علمی، متنوع، فراگیر و ماندگار در اختیار این نهادهای فرهنگی-آموزشی قرار می‌دهد.

منابع

- Alexander, P.E. (1979). *Museums in Motion: An Introduction to the History and Functions of Museums*, Nashville, Tennessee: American Association for State and Local History.
- Geladaki, S; Papadimitriou, G. (2014). "University Museums as Spaces of Education: The Case of the History of Education Museum at the University of Athens", *Procedia- Social and Behavioral Science* 147, 300-306.
- Guthe, A. K. (1966). "The Role of a University Museum", *Curator: The Museum Journal*, Vol. 9, Issue 2, 103-105.

1. Interactive Communication

- Hamilton, J. (1995). "The Role of the University Curator in the 1990s", *Museum Management and Curatorship*, Vol. 14, No. 1, 73-79.
- ICOM (24 August 2007). Statutes, Approved in Vienna (Austria), [PDF] Retrieved 5 November 2020 from <http://icom-oesterreich.at/sites/icom->
- Impact and Engagement, University Museum for the 21st Century (2013). UMG; UMIS.
- Kracjovicova, E.; San Miguel, R.; Guiragossian, O. (22 June 2021). Report on the ICOM Member Feedback for a New Museum Definition, Independent Analysis & Report Elaborated for the ICOM Define Committee, ICOM.
- Kelly, M. (2001), "Introduction", in *Managing University Museums, Education and Skills*, edited by Melamie Kelly, OECD, 7-15.
- King, L. (2001), "University Museums in the 21st Century Opening Address", in *Managing University Museums, Education and Skills*, OECD, 19-29
- Lourenço, M. C. (2008). "Where Past, Present and Future Knowledge Meet: An Overview of University Museums and Collections in Europe", *Museologia Scientifica Memoriae*, 2, 321-329.
- Lumley, R. (1988). *The Museum Time Machine*, London: Comedia/ Routledge Publisher.
- Mack, V. (2001). "The Dual Role of University Museums", in *Managing University Museums, Education and Skills*, edited by Melamie Kelly, OECD, 29-35.
- Pradel, P.G. (1987). *Les Musées*, in *L' Histoire et ses methods*, Encyclopédie de la Pleiades (3rd ed.), 3, 83–132. Athens: MIET Publishing.
- Sandahl, J. (2018). Standing Committee for Museum Definition, Prospects and Potentials (MDPP), International Council of Museums (ICOM), Retrieved 20 October 2020 from <https://icom.museum/en/resources/standards-guidelines/museum-definition/>
- Sranbury, P. (2001), "Managing the Visibility of University Museum Collections", in *Managing University Museums, Education and Skills*, edited by Melamie Kelly, OECD, 69-79.
- UNESCO (17 November 2015). Recommendation concerning the Protection and Promotion of Museums and Collections, their Diversity and their Role in Society, Adopted by the General Conference at its 38th Session, Paris.
- Wallace, Sue-anne (2002). "Challenges Facing University Museums", in *Museologia*, 2: 11-16.
- <https://www.ashmolean.org/history-ashmolean> <https://kunstmuseumbasel.ch/en/collection/history><https://prague2022.icom.museum>
- <https://university-museums-and-collections.net/subjects>
- <https://university-museums-and-collections.net/subject-areas>



دکتر جبار رحمانی / Dr. Jabbar Rahmani

دانشیار موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی

Assistant Professor of cultural & social studies institution

موزه‌های دانشگاهی: عرصه‌های مغفول مولد دانش University Museums: The neglected centers of science production

چکیده

با توسعه مفهوم موزه در دوران مدرن، انواع آن در بسترها و نهادهای گوناگون تکثیر شد و در حوزه آموزش عالی، موزه‌های دانشگاهی پدید آمدند. سه دسته اصلی برای این نوع موزه‌ها می‌توان برشمرد: موزه‌هایی با هدف آموزش؛ موزه‌هایی برای نمایش پیشینه و تاریخ دانشگاه؛ موزه‌هایی حاوی آرشیوهای شخصی و آثار اهدایی. چرایی موفقیت دسته نخست و آسیب‌شناسی ناکامی و کم‌رنگ ماندن دو دسته دیگر، بخش اصلی این نوشتار است. در ادامه به شرح برخی نتایج کوتاهی در توجه به موزه‌های تاریخی، تاکید بر ضرورت حضور موزه‌های دانشگاهی به مثابه بخشی از منابع آموزشی و برنامه آموزش دانشگاه‌ها، ایفای نقش موزه‌ها در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و علمی دانشگاه‌ها، انجام رسالت موزه به عنوان مرجع اسناد و منابع معتبر تاریخ دانشگاه، آسیب‌شناسی عدم برقراری ارتباط کافی، فعال و خلاقانه دانشجویان با موزه‌ها، نداشتن نقش فعال در توسعه فرهنگ و مهارت‌های پژوهشی و مواردی

از این دست است پرداخته شده است. نوشتار با تاکید بر بازاندیشی در جایگاه و موقعیت موزه‌ها برای توسعه سواد دانشگاهی، سواد علمی دانشجویان و حتی عموم مردم به پایان می‌رسد.

Abstract

By development of the concept of museum in modern times, its types were multiplied in various contexts and institutions; and in the field of higher education, university museums emerged. There are three main categories for this type of museum: museums for educational purposes; Museums for displaying the background and history of the universities; and museums containing personal archives and donated objects. The reason behind the success of the first category neglecting the other two categories is the main purpose of this article. In the following, some of the consequences of neglecting historical museums, emphasizing the need for the presence of university museums as parts of educational resources and educational programs of universities, the role of museums in cultural and scientific policies of universities, the mission of the museums as sources of credible documents in the history of the university, the pathology of students' lack of adequate, active and creative communication with museums, lack of active role of museums in the developing research skills, and etc. have been discussed. The article concludes with an emphasis on reconsideration toward the position of museums in developing the academic literacy, students' scientific literacy, and even the literacy of the public.

یکی از نهادهایی که در جهان مدرن متولد شد، موزه بود. موزه به عنوان نهادی عمومی، بیانگر فهم انسان مدرن از گذشته و تاریخ و شیوه‌های بازنمایی آن برای افراد در زمان حال و آینده است. موزه‌ها در ابتدا، فضاهایی برای نمایش بودند، نمایش عناصر مادی با ارزش. اما به تدریج این نهاد، توسعه یافت و الگوهای مختلفی از آن شکل گرفتند. به همین دلیل با تحول فرهنگ مدرن در دوره‌های مختلف نهاد موزه هم تعاریف متفاوتی پیدا کرد. شورای بین‌المللی موزه‌ها که زیر نظر یونسکو فعالیت می‌کند موزه را این‌گونه تعریف کرده است: "موزه مؤسسه‌ای دائمی است و بدون هدف مادی که درهای آن به روی همگان باز است و در خدمت جامعه و پیشرفت آن فعالیت می‌کند. هدف موزه‌ها، پژوهش در آثار و شواهد به‌جای‌مانده انسان و محیط زیست او، گردآوری آثار، حفظ و بهره‌وری معنوی و ایجاد ارتباط بین این آثار، به ویژه به نمایش گذاردن آن‌ها به منظور بررسی و بهره‌مندی است."

با توسعه مفهوم موزه شاهد تکثیر آن در بسترهای مختلف و نهادهای گوناگون هستیم. یکی از مهمترین عرصه‌هایی که موزه‌های خاص خودش را تاسیس کرد، حوزه آموزش عالی بود. در ایران نیز از دهه ۱۳۵۰ به اینسو ما شاهد تاسیس موزه‌های دانشگاهی هستیم که عموماً ذیل سه دسته‌بندی می‌توان آنها را تعریف کرد:

نوع اول: موزه‌هایی با هدف آموزش‌های تخصصی رشته‌ای مانند باستانشناسی و گیاه‌شناسی و جانورشناسی و ...

نوع دوم: موزه‌هایی برای نمایش پیشینه و تاریخ دانشگاه

نوع سوم: موزه‌هایی که آرشیوهای شخصی اهدایی بزرگان به دانشگاه را در خودش دارد.

نکته اصلی در پیوند نهاد دانشگاه و نهاد موزه و تولد موزه‌های دانشگاهی، نقش آموزشی این موزه‌هاست. هرچند در بستر آموزش‌های رشته‌ای، موزه‌های دانشگاه به نسبت موفق‌تر عمل کرده‌اند و توانسته‌اند کارکردهای حداقلی برای نمایش عناصر مادی طبیعی یا انسان ساخته معطوف به گذشته‌های دور و نزدیک برای دانشجویان را داشته باشند، اما دو گونه دیگر موزه‌های دانشگاهی، چندان رونق و پویایی‌ای ندارند. به نظر میرسد اولویت داشتن کارکردهای آموزشی معطوف به رشته‌های خاص، منجر به رونق نسبی آن گونه از موزه‌ها شده است، در حالی که فقدان توجه به کارکردها و پتانسیل‌های دو گونه دیگر برای توسعه فرهنگ دانشگاهی، تقویت هویت دانشگاهی و افزایش سرمایه نمادین و فرهنگی دانشگاهیان، منجر به ضعف سیستماتیک دو گونه دیگر موزه‌های دانشگاه شده باشد.

نگاهی به این نوع دوم و سوم موزه‌های دانشگاهی و نحوه عملکرد آنها نشان می‌دهد که آنها به مثابه فضایی برای نگهداری و نمایش سرد و منفعلانه اشیا یا اسنادی متعلق به تاریخ دانشگاه یا بزرگان علم و دانش کشور تصور شده‌اند و بر همین مبنا هم سازماندهی می‌شوند. در نتیجه ارتباط دانشجویها با این موزه‌ها در حداقل تعاملی قرار دارد. به غیر از کاربرد موضعی و خاص موزه‌ها برای رشته‌های خاص، اصولاً نظام آموزش و پژوهش و الگوهای تعلیم و تربیت دانشگاهی در ایران، توجهی به موزه به مثابه نهادی آموزشی و پژوهشی ندارند.

با توجه به اینکه موزه‌های نوع دوم و سوم یعنی موزه‌های تاریخ دانشگاه و موزه‌های

بزرگان علم و دانش، بیش از همه معطوف به حوزه فرهنگ دانشگاهی و برنامه درسی پنهان در نهاد آموزش عالی هستند، این فقدان توجه را می‌توان ذیل عدم ارتباط مباحث جدی‌ای در فضای دانشگاهی از جمله هویت فرهنگی انسان دانشگاهی و ارتباط معنادار آن با





موزه‌های دانشگاهی شاهد بود. این موزه‌ها نقشی در توسعه و تعمیق الگوهای هویت‌یابی دانشگاهی و تعمیق سنت‌های فرهنگ دانشگاه ندارند.

این غفلت سیستماتیک را وقتی می‌توان فهمید که در دهه‌های اخیر

مساله الگوهای دانشگاه و مباحث مربوط به ایده دانشگاه در ایران، به گونه‌ای مطرح شد که می‌توان از نوعی غفلت یا ابهام تاریخ دانشگاه در ایران یاد کرد. حضور مبهم و ناقص اسناد و گزارش‌های تاریخی از تاسیس دانشگاه‌ها در ایران به گونه‌ای بوده که می‌توان از نوعی گذشته‌های گم شده یا فراموش شده صحبت کرد. فقدان آرشیوهای دانش و عدم حضور این آرشیوها در جریان تولید علم و دانش یکی از مساله‌های مهم کشور ما محسوب می‌شود که این معضل بیش از همه در نهاد آموزش عالی خودش را نشان می‌دهد.

همانطور که گفته شد موزه‌های دانشگاهی به مثابه بخشی از منابع آموزشی و برنامه آموزش دانشگاه‌ها تعریف نشده‌اند و این موزه‌ها که به نسبت هم در کشور ما تعداد آنها خیلی زیاد نیست، جایگاهی در برنامه درسی پنهان دانشگاه‌ها ندارند. اگر نگاهی به برنامه‌های درسی مقاطع کارشناسی داشته باشیم، و همچنین به برنامه‌های فرهنگی دانشگاه‌ها هم توجه کنیم، این غیبت و فقدان حضور موزه‌های دانشگاه و غیردانشگاه در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و علمی دانشگاه‌ها را می‌توان شاهد بود. اصولاً موزه‌ها به مثابه نظام‌های آرشیو و منابع دست اول در زمینه‌های خاص می‌توانند سهم به‌سزایی در مورد پدیده‌های مرتبط داشته باشند. به عبارت دیگر، موزه‌ها می‌توانند بواسطه منابع دست اول خودشان، به عنوان یک مرکز معتبر قضاوت در باب مسائل اختلافی دانش عمل کنند. اما در ایران به دلیل عدم نقش فعال موزه‌ها و عدم طراحی مناسب آنها به عنوان یک مرکز یا رسانه آموزشی و همچنین عدم ایفای نقش فعال آنها در فرهنگ دانشگاهی، این موقعیت و نقش را نمی‌توان از موزه‌های دانشگاهی انتظار داشت. به عنوان مساله تاسیس دانشگاه تهران، یکی از موضوعات پرچالش در تاریخ دانشگاه ایرانی است. هر کس از ظن خودش تفسیری از آن می‌دهد، ولی اصولاً موزه‌های دانشگاه تهران چنین نقش و رسالتی ندارند که بتوانند این پرسش را نه با حدس و گمان، بلکه با اسناد و منابع معتبر شان، پاسخ بدهند.

صورت بندی موزه‌های دانشگاهی به مثابه فضاهای راکد و غیرفعال (منظور از موزه‌های نوع دوم و سوم همان موزه‌های آرشیو تاریخ دانشگاه و آرشیوهای شخصیت‌ها است)، منجر به عدم سیاست‌گذاری آموزشی برای آنها در برنامه‌های درسی دانشجویان است.

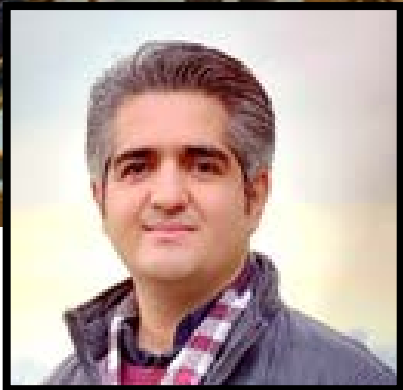


این موضوع مهم‌ترین پیامدش فقدان قابلیت‌های استفاده از موزه و منابع دانش موزه‌های دانشگاهی توسط دانشجویان است. عموماً دانشجویان در مواجهه با موزه‌های نوع دوم و سوم، توانایی و مهارت کافی برای خوانش درست اسناد و عناصر موزه‌ای را ندارند. به همین سبب موزه به ندرت نقشی در فرهنگ دانشگاهی دارد،

و با وجود تعداد بالای موزه‌های دانشگاهی در ایران، هنوز دانشجویان ارتباط کافی و فعالانه و خلاقانه با این موزه‌ها ندارند و عملاً موزه‌ها نقشی در شکل‌گیری هویت دانشگاهی ندارند. میتوان گفت که در سواد دانشگاه و سواد علمی تحصیل‌کردگان ما، مهارت‌های ارتباط با محتوای موزه‌ها و تبدیل آنها به منابع دانشی و استفاده از آنها در بساخت دانش فرهنگی و علمی، جایگاهی ندارد. به همین دلیل حتی در مواجهه با موزه‌های عمومی، لزوماً دانشگاهیان خیلی موفق‌تر از سایر مردم عمل نمی‌کنند.

به نظر می‌رسد مساله موزه‌های دانشگاهی، نتوانسته نقشی در توسعه فرهنگ و مهارت‌های پژوهشی دانشجویان داشته باشد. این امر مستلزم تبدیل موزه‌های دانشگاهی به مراکز مطالعاتی و فضاهای مبادله و تولید دانش است. به عبارت دیگر موزه‌های دانشگاهی از فضای نمایش باید به فضای تعامل علمی و بساخت دانش تغییر یابند، که هنوز به جز در عرصه‌های موزه‌های معطوف به آموزش‌های تخصصی رشته‌ای در سایر موزه‌ها چنین نگرشی حضور ندارد. در حوزه تاریخ دانشگاه، نقشی کلیدی در هویت دانشگاه و همچنین ترسیم اهداف راهبردی دانشگاه در امتداد هویت آنها، ندارند. از این رو حتی موزه‌های شخصیت‌هایی که حاصل اهدایی آرشیوهای شخصی آنهاست، نتوانسته نقشی در آموزش و تولید علم در ایران داشته باشد. این وضعیت بیانگر نوعی ضرورت برای بازاندیشی در این زمینه‌هاست.

بازاندیشی در جایگاه و موقعیت موزه‌ها برای توسعه سواد دانشگاهی و سواد علمی دانشجویان و حتی عموم مردم، مستلزم بازبینی اساسی در نقش و جایگاه موزه‌ها در نظام دانش در ایران است. در نتیجه از طریق این بازاندیشی می‌توان از موزه‌های آرشیوی راکد، به مراکز فعال مولد دانش رسید و شاهد ایفای نقش موزه‌ها در فرهنگ دانشگاهی و هویت دانشگاهی و سواد علمی عموم دانشجویان و عموم مردم بود.



دکتر مهران نوروزی آبادچی

Dr. Mehran Norouzi Abadchi

دانش آموخته دکتری باستان شناسی و پژوهشگر موزه

PhD in archaeology and Museum researcher

کدام پارادایم؟ موزه‌های دانشگاهی، نیازها و مخاطبان

Which paradigm? University museums, needs and audiences

چکیده:

اخیراً موضوع موزه‌های دانشگاهی در ایران به یکی از پربحث‌ترین موضوعات محافل موزه‌داری تبدیل شده است. موضوعات عدیده‌ای حول این پدیده در حال بحث است. از تعریف و کارکرد تا رویکردها و چالش‌های پیش روی این موسسات. پرسش‌های اصلی که این مقاله حول آن‌ها شکل گرفته است، عبارتند از:

- پارادایم‌های غالب در حوزه موزه‌های دانشگاهی کدام اند؟
- چالش‌های پیش روی موزه‌های دانشگاهی، چیست؟
- نسبت موزه‌های دانشگاهی با مخاطبان، دارای چه مختصاتی است؟
- اقدامات موثر در برون‌رفت موزه‌های دانشگاهی از وضع کنونی شامل چه گام‌هایی می‌شود؟

در این مقاله، ضمن تشریح تعریف موزه‌های دانشگاهی، نظرات جاری در خصوص شیوه برخورد با موزه‌های دانشگاهی، چالش‌های پیش روی آن‌ها و البته اهمیت مخاطبان در تمام شاخص‌های مورد اشاره، به ارائه راهکارهایی جهت برون‌رفت این موزه‌ها از وضع موجود پرداخته شده است. این راهکارها بعضاً درون‌موزه‌ای و گاهاً

برون‌موزه‌ای (زیرساختی) هستند و باید توسط نهادهای بالادستی از جمله یک شورای راهبردی مرتفع شوند.

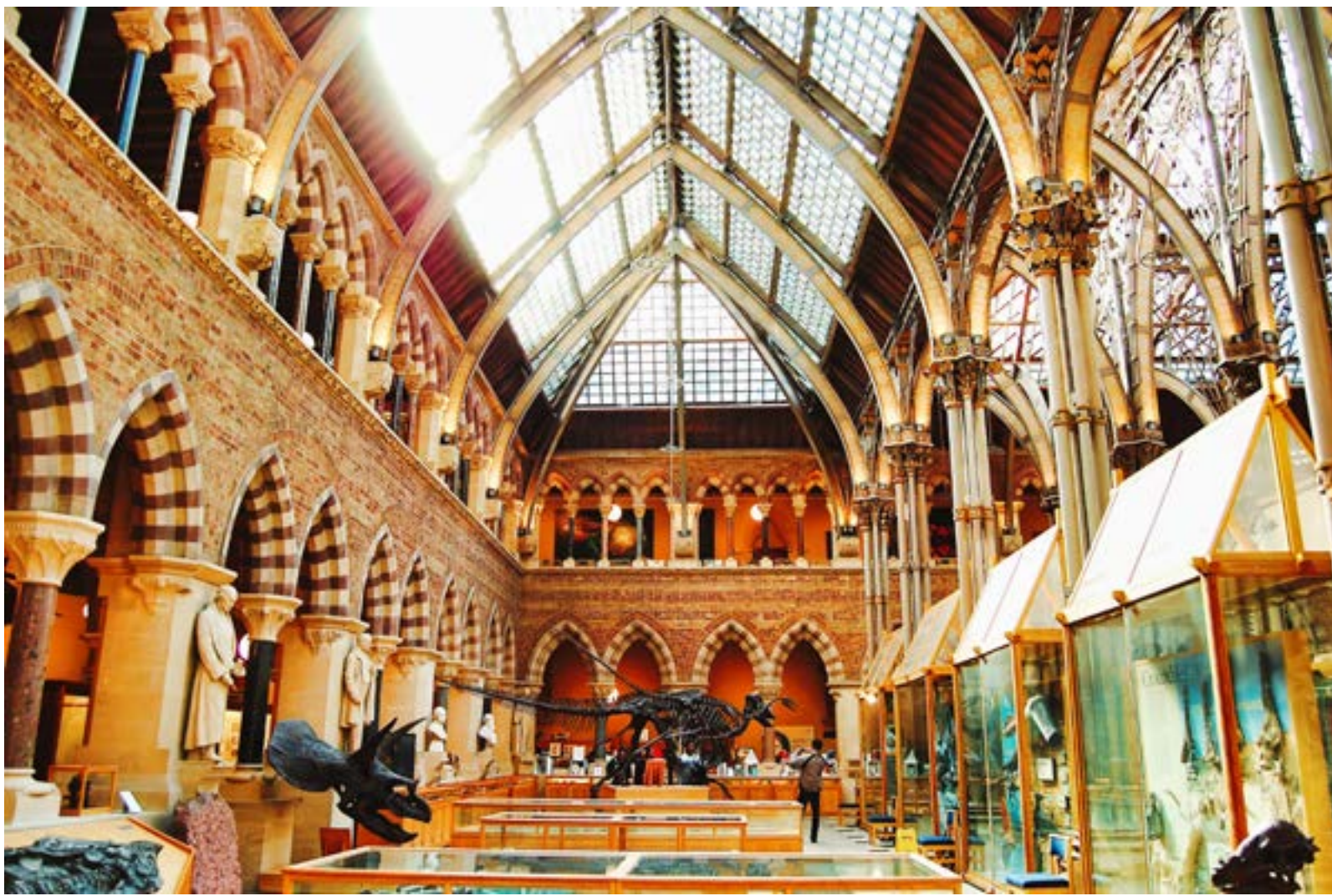
Abstract

Recently, the subject of university museums in Iran has become one of the most controversial subjects among museum experts. Many issues are being discussed around this phenomenon: from the definition and function to the approaches and challenges facing these institutions. The main questions of this article are:

- What are the dominant paradigms in the field of university museums?
- What are the challenges facing university museums?
- What are the characteristics of the relationship between university museums and their audience?
- What are effective actions to get the university museums out of the current situation?

In this article, while explaining the definition of university museums, current attitudes toward university museums, their challenge, the importance of the audience in all mentioned indicators, and solutions to get these museums out of the current situation are discussed. These strategies are sometimes in-museums and sometimes out-of-museums (infrastructural) which should be implemented by higher level institutions, including a strategic council.

موزه‌های دانشگاهی به موزه‌هایی اطلاق می‌شود که تولید آن‌ها به دست دانشگاه‌ها است و هرچند بخش اعظمی از این موزه‌ها در فضای دانشگاه‌ها راه اندازی می‌شوند، لیکن ممکن است به دلایلی از جمله سهولت بازدید و دسترسی و یا تغییر کاربری ساختمان‌های سابق دانشگاه که امروزه متروک شده‌اند، در فضای خارج دانشگاه قرار گرفته باشند. (www.icom.museum) این موزه‌ها از منظر محتوایی ضمن نمایش پیشینه و دستاوردهای دانشگاه متولی موزه از گذشته تا امروز، مجموعه‌های ارزشمندی را که عموماً مرتبط با پیشینه رشته‌های ارائه شده در دانشگاه هستند، به معرض نمایش می‌گذارند. کمیته بین‌المللی موزه‌ها و مجموعه‌های دانشگاهی (UMAC)، به عنوان یکی از کمیته‌های بین‌المللی ایکوم در پاریس، محوریت فعالیت‌های این موزه‌ها را تبیین و طی نشست‌های سالانه و کنفرانس‌های علمی، به تشریح ویژگی‌های این نوع موزه‌ها می‌پردازد. بر اساس آخرین مصوبه کمیته بین‌المللی موزه‌ها و مجموعه‌های دانشگاهی در ۱۴ آگوست ۲۰۱۳ در که نشست سه‌ساله ایکوم در برزیل به تایید رسید، چنین مقرر گردید که مجموعه‌هایی که در دانشگاه‌ها نگهداری می‌شوند



بخشی مهم از دانشگاه و میراث جهانی هستند. اشیاء این مجموعه‌ها غیر قابل انتقال، غیر قابل تعویض، غیر قابل فروش یا هرگونه بهره‌برداری مالی توسط دانشگاه می‌باشند. بنابراین این اشیاء باید

همانند فرآیند آموزش عمومی ارزش‌گذاری شده و به دلیل نقشی که در نمایش تاریخ دانشگاه و همچنین در آموزش‌های کنونی دانشگاه بازی می‌کنند، ثبت و پاس داشته شوند. اگر به هر دلیلی، مجموعه‌ای دانشگاهی باید منحل شود، باید اشیاء آن به صورت استانداردهای حرفه‌ای و با مشورت دانشگاه با متخصصین امر و مسئولین میراث فرهنگی صورت بگیرد. این مسئولیت دانشگاه خواهد بود که ملزومات مراقبت و نگهداری از مجموعه‌های آثاری که به پشتوانه دانش‌آموختگان و مدرسین خود فراهم آورده را چه در حال حاضر و چه در آینده، مهیا نماید. مجموعه‌های این مصوبه با حمایت و توافق ایکوم، انجمن هیأت وزیران اروپا و کمیته موزه‌های اروپا به رشته تحریر درآمده است.

(www.publicus.culture.hu-berlin.de)

کدام پارادایم: تنوع و تکرار؛ یا تجمع و تعمق؟

بررسی موزه‌های دانشگاهی، نیازمند تعیین رویکردی روشن و خوانا از این مراکز است. آیا بنا داریم به طرف تعدد کمی موزه‌های دانشگاهی گام برداریم؟ یا بنا داریم موزه‌های دانشگاهی موجود را عمق ببخشیم؟ انتخاب بین این دو رویکرد، مبین بخش عمده‌ای از پرسش‌های حول موزه‌های دانشگاهی است. باید با همین وضع و کیفیت موجود در موزه‌های دانشگاهی، به فکر تکثیر این دست مراکز باشیم؟ یا باید به سمت ارتقای نمونه‌های موجود حرکت کنیم و به موزه‌های دانشگاهی فاخر ولو کم‌تعداد فکر کنیم؟ بخش عمده‌ای از اهالی جامعه موزه‌های دانشگاهی، بر این باورند که تکثیر موزه‌های دانشگاهی، ارتقای کیفی آن‌ها را نیز در پی خواهد داشت. چیزی شبیه به: کار نیکو کردن از پر کردن است. متأسفانه بررسی نمونه‌های این رفتار در عمل نشان دهنده نتیجه‌ای متفاوت است. رشد قارچ‌گونه موزه‌های مردم‌شناسی نتیجه‌ای جز تکرار مکررات در چند ظرف مختلف به همراه نداشته است. موزه‌های مردم‌شناسی در ایران، عمدتاً تکراری و همپوشان هستند. هیچ تضمینی وجود ندارد که تکثیر موزه‌های

دانشگاهی، نتیجه دیگری به ارمغان بیاورد؛ مخصوصا اگر همه این موزه‌ها سر از یک هسته پژوهشی در بیاورند.

در مقابل، تقویت و تعمیق موزه‌های دانشگاهی می‌تواند به مدل‌سازی در این زمینه بدل شود. در بین تمام کشورهای همسایه، فقط ترکیه ۵ موزه دانشگاهی ثبت شده دارد - که ۳ مورد از آن‌ها متعلق به یک دانشگاه هستند- و پاکستان ۱ موزه دانشگاهی ثبت شده دارد. ایران ۲۵ موزه دانشگاهی ثبت شده دارد.

(<https://university-museums-and-collections.net/asia>)

اما کمتر کسی به فکر ارتقای این موزه‌هاست و بیشتر افراد به دنبال تکثیر این موزه‌ها هستند. فارغ از رد یا تایید این نگاه، جامعه موزه‌های دانشگاهی باید پارادایم خود برای ادامه مسیر موزه‌های دانشگاهی را روشن کنند.

مشکلات موزه‌های دانشگاهی عبارتند از جایگاه آن‌ها در ساختار سازمانی دانشگاه، عدم تعریف نسبت این مراکز با سیستم پژوهشی دانشگاه، عدم ارتباط با دیگر موزه‌های دانشگاهی و... . هیچکدام از این ایرادات، با تکثیر این مراکز حل و فصل نمی‌شود. برای ارتقای وضع موزه‌های دانشگاهی، نیاز به طرح راهکارهای نوآورانه و خلاقه است. تکثیر موزه‌های دانشگاهی با وضع موجود، در بهترین حالت منجر به دسترسی بیشتر مخاطبان به این مراکز می‌شود. اما این دسترسی صرفا جنبه فیزیکی (Accessible) دارد؛ درحالیکه مشکل ریشه‌ای موزه‌های دانشگاهی در دسترس نبودن آن‌ها به لحاظ محتوایی (Available) است. رفع این دست ایرادات، نیازمند تفحص در کیفیت این مراکز است و نه کمیت آن‌ها. دسترس پذیر کردن محتوای موزه، نیاز به شناخت مخاطب و مجموعه تاکتیک و تکنیک‌هایی دارد که مخاطب شناختی محسوب می‌شوند.



مخاطب و موزه‌های دانشگاهی:

اکثر شهروندان در سنین کودکی و نوجوانی، به واسطهٔ بازدیدهای مدرسه‌ای یا خانوادگی به بازدید از موزه‌ها می‌روند. بعد از پایان تحصیلات مدرسه‌ای، شاهد انقطاع معنادار مخاطبان با موزه‌ها هستیم. این ارتباط مجدداً زمانی وصل می‌شود که همان نوجوانان، تبدیل به پدر و مادرانی شده‌اند که این بار فرزندان خودشان را به موزه آورده‌اند (لزلی لوئیس و جنیفر ل. مارتین، ۱۳۹۸، ۲۱۲). موزه‌های دانشگاهی از جمله فرصت‌های بسیار مغتنم برای پیوند مخاطبان جوان با موزه‌ها محسوب می‌شوند. این فرصت نه تنها برای موزه‌شناسان اهمیت ویژه‌ای دارد تا بتوانند با خلق اندیشه‌هایی نوین، راهکارهایی برای پیوند مجدد بیابند؛ بلکه مؤید اهمیت جایگاه موزه‌های دانشگاهی است. موزه‌های دانشگاهی، فرصتی بسیار ارزشمند برای آشتی جوانان با موزه‌ها هستند. مساله اینجاست که پرداختن به حوزه‌هایی از جمله مخاطب‌شناسی، بعد از تصمیم‌گیری در مورد پارادایم موزه‌های دانشگاهی و تحت تاثیر آن باید شکل بگیرد. بنابراین، پیش مقدمهٔ تحول در عرصهٔ این مراکز، مرتبه‌ای بالادستی نسبت به مخاطب‌شناسی دارد.

نتیجه‌گیری:

موزه‌های دانشگاهی، مراکزی حایز اهمیت و با تعریف مشخص هستند. انتخاب حوزه عملکرد برای این مراکز، جزو مهم‌ترین اقداماتی است که باید توسط یک اتاق فکر متشکل از اهالی این حوزه اتخاذ و به مثابه هدف کلان به موزه‌های دانشگاهی ابلاغ گردد. در مقیاس کوچکتر نیز هر موزهٔ دانشگاهی قبل از برنامه‌ریزی، نیاز به تدوین رویکردهای اصلی خودش دارد. این رویکردها اصولاً منتج از اساسنامه یا نقشی هستند که اسناد بالادستی برای موزه در نظر گرفته است. اگر چنین سندی وجود نداشته باشد، تدوین آن اوجب و اجبات است. در تدوین چنین برنامه‌ای باید به نقشی که سایر موزه‌های دانشگاهی انتخاب کرده‌اند توجه شود، زیرا موزه‌های دانشگاهی در یک نگاه کلان، مکمل همدیگر هستند. اگر بپذیریم نظام موزه‌های دانشگاهی کشور، در حال حاضر فاقد طرح کلان تشکیلاتی است، نخستین گام در جهت ارتقای این موسسات، تدوین نظام‌نامه‌ای است که نقش هر موزه را همراه با چشم‌اندازها و مأموریت‌های آن مشخص می‌کند. مأموریت و چشم‌اندازی که هر موزهٔ دانشگاهی می‌تواند بر عهده بگیرد، حداقل با دو شاخص اصلی ارتباط تنگاتنگی دارد: اول، جغرافیای موزه و دوم نسبت آن با تمام موزه‌های دانشگاهی کشور. این گام نیاز به یک پیش‌گام دارد. شبکه‌سازی بیناموزه‌ای- دانشگاهی. دانشگاه‌هایی که دارای موزه هستند و یا در صدد طراحی و راه‌اندازی موزه هستند باید در یک هم‌نشینی به تعیین رویکردها پرداخته و مسیر مشخصی برای ساختار موزه‌های

دانشگاهی کشور تدوین کنند. پیش از همه، پارادایم موزه‌های دانشگاهی نیاز به واکاوی و همسوسازی فعالان این حوزه دارد. شکل‌گیری و تقویت ادبیات تخصصی در این حوزه، یکی از نمودهای این گام خواهد بود. با این حال، مخاطبان موزه‌های دانشگاه، محوری اساسی در تدوین تمام لایه‌های فیزیکی و غیرفیزیکی این مراکز هستند که باید در تمام مراحل مدنظر اهالی این حوزه باشند.

منابع

- لزی لوئیس و جنیفر ل. مارتین. ۱۳۹۸. مراکز علمی ایجاد فضایی برای خلاقیت در قرن بیست و یکم. مقاله چاپ شده در کتاب فلسفه موزه برای قرن بیست و یکم ترجمه کوروس سامانیان و مریم الماسی. حکمت. تهران. ص ۲۱۲.

- <https://university-museums-and-collections.net/asia>

- www.publicus.culture.hu-berlin.de

- www.icom.museum

برای مطالعه بیشتر:

- رویکرد و کارکرد: جایگاه موزه‌های دانشگاهی در نظام آموزشی. مهران نوروزی آبادچی. اولین همایش علمی موزه‌های دانشگاهی کشور. دانشگاه تهران. ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۰.

- موزه‌شناسی پست مدرن: از تولید تا ترویج علم در موزه‌های دانشگاهی. مهران نوروزی آبادچی. چهارمین همایش ملی موزه علوم و فناوری ج.ا.ا. ۱۳۹۳.



دکتر علی ططری / Dr. Ali Tatari

مدرس و پژوهشگر رشته تاریخ و مدیر موسسه رهاورد اندیشه و خرد؛ مشاور حوزه مراکز آرشیو و موزه‌ها
Lecturer and researcher in the field of history; Director of "Rahavard Kherad & Andisheh" Institution; Advisor in the field of archives and museums

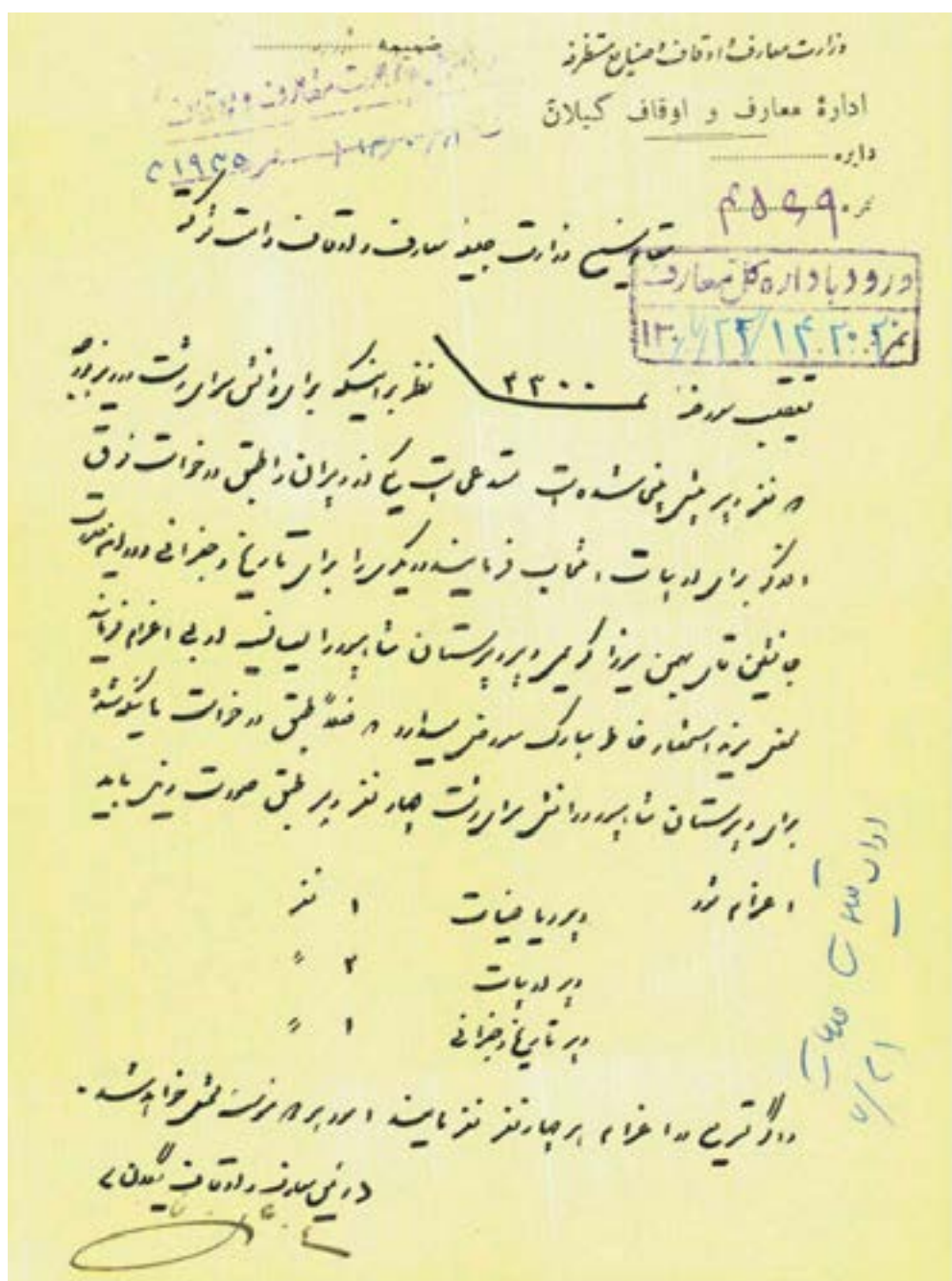
جایگاه و آسیب‌شناسی موزه‌ها و مراکز آرشیوی در ساختار دانشگاهی The position and pathology of museums and archival centers in the academic structure

چکیده

در این نوشتار ضمن بررسی اجمالی و آسیب‌شناسانه وضعیت مدیریت امور فرهنگی در ایران امروز، و تاکید بر اهمیت سرمایه‌گذاری در عرصه فرهنگی به عنوان بنیان‌های جامعه، به موضوع ارتباط کتابخانه‌ها، موزه‌ها و آرشیوها در جایگاه مهمترین مراکز نهادها و نماد فرهنگی و تمدنی ملت‌ها پرداخته شده است. در ادامه موضوع جایگاه این دست مراکز فرهنگی در نهادهای دانشگاهی و همچنین نقش و ارتباطی که این مراکز با نظام کلی دانشگاه و برخی رشته‌ها می‌توانند داشته باشند، همراه با اشاره به برخی نمونه‌های متاخر از موزه و مراکز آرشیوی دانشگاه‌های کشور، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بخش پایانی با پرداختن به آرشیو و موزه به عنوان پدیده‌هایی زنده و پویا و مرتبط با جامعه برای هدف مهم مدیریت و گردش اطلاعات و دانش، به آسیب‌شناسی برخی رویکردها و مشکلات این حوزه و ارائه چند راهکار اختصاص دارد.

Abstract

This article reviews and pathologically examines the contemporary situation of cultural affairs management in Iran and emphasizes the importance of investing in the cultural field as the foundations of the society, and the relationship between libraries, museums, and archives as the most important centers, institutions, and cultural and civilizational symbols of nations. The position of such cultural centers in academic institutions and the role and relationship of these centers may have with the general system of the universities and some disciplines have been analyzed while referring to some recent examples of museums and archival centers of Iran's universities. The final section deals with the pathology of some approaches and problems in this field. It presents several solutions by addressing archives and museums as living, dynamic and community-related phenomena for the vital purpose of managing and circulating information and knowledge.



مقدمه ورود به طرح موضوع اهمیت موزه‌های دانشگاهی و آرشیوها این است که چشم‌اندازی کلی از وضعیت مدیریت امور فرهنگی در ایران امروزی ترسیم شود. متأسفانه میزان توجه به مقوله ابتکار و خلاقیت در حوزه فرهنگ و مدیریت امور مربوطه تا حد زیادی کاهش یافته است و بیشتر فعالیت‌ها به صورت سطحی و روزمره انجام می‌پذیرند. البته در این عرصه فرهنگی، مؤسسات، نهادها و افرادی هستند که در بخش خصوصی و غیروابسته دولتی فعالیت دارند و تلاش می‌کنند تولید علم را در این مسیر هموار کنند، اما ناگفته

پیدا است که این تلاش‌ها استثناء محسوب می‌شوند و استثناء هم هیچگاه به صورت قاعده در نمی‌آید. مجال ریشه‌یابی و تشریح دلایل این موضوع در این نوشتار فراهم نیست، اما به اجمال از مهمترین دلایل آن می‌توان به کمبود برنامه‌ریزی‌های مدوّن و دقیق در دو دهه اخیر، وقوع تحریم‌ها و لاغر شدن بودجه پژوهشی و فرهنگی کشور، ضعف و سستی مدیران و ورود افراد ناکارآمد و غیرمتخصص به این حوزه‌ها و... اشاره کرد. این موضوع هنگامی به شکل بحرانی خود را جلوه‌گر می‌کند که در مقایسه با سابقه فرهنگ و تمدن دیرپا و داشته‌ها و اندوخته‌های عظیم ایران در طول تاریخ پر فراز و فرود آن قرار گیرد. نباید فراموش کرد که میراث فرهنگی و تمدنی که امروز به آن می‌بالیم حاصل تلاش و سرمایه‌گذاری پیشینیان است و ما مدیون



گذشتگان مان هستیم که فرهنگ و تمدنی پایدار را تعریف کرده‌اند؛ از این رو هر نوع تلاش فرهنگی و سرمایه‌گذاری در این عرصه، اقدامی بسیار مؤثر برای آینده و آیندگان است. متأسفانه هنوز بسیاری از سیاست‌مداران و برنامه‌ریزان، سرمایه‌گذاری در حوزه فرهنگ را هدر

دادن پول و منابع می‌دادند، رویکردی که خود سبب‌ساز وضعیتی فاجعه‌بار در آینده خواهد بود. آنها عرصه اقتصادی را مهم‌ترین زمینه‌ساز تحولات و پیشرفت یک جامعه می‌دانند، اما گویی فراموش کرده‌اند آنچه در دنیا باعث تغییرات شگرف شده است، سرمایه‌گذاری در عرصه فرهنگی و زیربنایی و بنیان‌های یک جامعه بوده است. در این میان نمی‌توان فراموش کرد که کتابخانه‌ها، موزه‌ها و آرشیوها از مهمترین مراکز، نهادها و به اعتقاد من، نماد فرهنگی و تمدنی ملت‌ها هستند. کدامیک از مراکز در یک جامعه بهتر از کتابخانه‌ها، موزه‌ها و آرشیوها می‌توانند ضمن حفظ موارث گذشته به اشاعه و ترویج این مجموعه یادگارها بپردازند؟ به طور یقین موزه‌ها و آرشیوها که در طول تاریخ همواره نگهدار و حافظ پیشینه، میراث و هویت بشری برای آیندگان بوده‌اند، در مقوله فرهنگ جایگاه خاصی دارند. در جهان کنونی که حوزه‌های علوم و فناوری با تغییراتی سریع پیش می‌روند، چه برنامه‌هایی برای این حوزه‌های مهم موزه‌ها و مراکز اسنادی در نظر گرفته شده است؟

امروزه این مجموعه مباحث در ساحت جدیدی با عنوان «مدیریت دانش و اطلاعات» تعریف می‌شوند. از جمله مباحث مهم مدیریت دانش و اطلاعات در سطح جهان، موضوع رویارویی با تغییرات و تحولات فرهنگی و دیگر ساحت‌های زیست اجتماعی و نقش مدیریت دانش در این زمینه‌هاست. باید اندیشید در جهان رو به رشد و تغییر و تحول در حوزه علم و فناوری، ما چه برنامه‌هایی برای موزه‌ها و مراکز آرشیویی و اسنادی داریم؟ این برنامه‌ها چه خروجی‌ها و نتایجی را پدید خواهند آورد؟ از سوی دیگر نهادها و مراکز نقش‌آفرین در این عرصه کدام مؤسسات و سازمان‌ها هستند؟ تلاش برای پاسخ‌دادن به این پرسش‌ها زمینه‌ساز شناسایی چشم‌انداز جامعه و چالش‌های آن در آینده خواهد بود.

طی دو دهه اخیر در جامعه ایران شاهد تولد موزه‌ها و آرشیوها در دانشگاه‌ها به صورت جدی و بنیادین بوده‌ایم. این رشد هرچند بسیار اندک و کند صورت گرفته اما بسیار امیدوارکننده است. گزارش‌های آماری موجود از وضعیت کنونی در سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد که بیش از ۱۵ مرکز آرشیو و موزه دانشگاهی فعال وجود دارد، البته به این آمار باید تعداد بیشتری موزه دانشگاهی را نیز افزود که در آنها موضوع اسناد و آرشیو



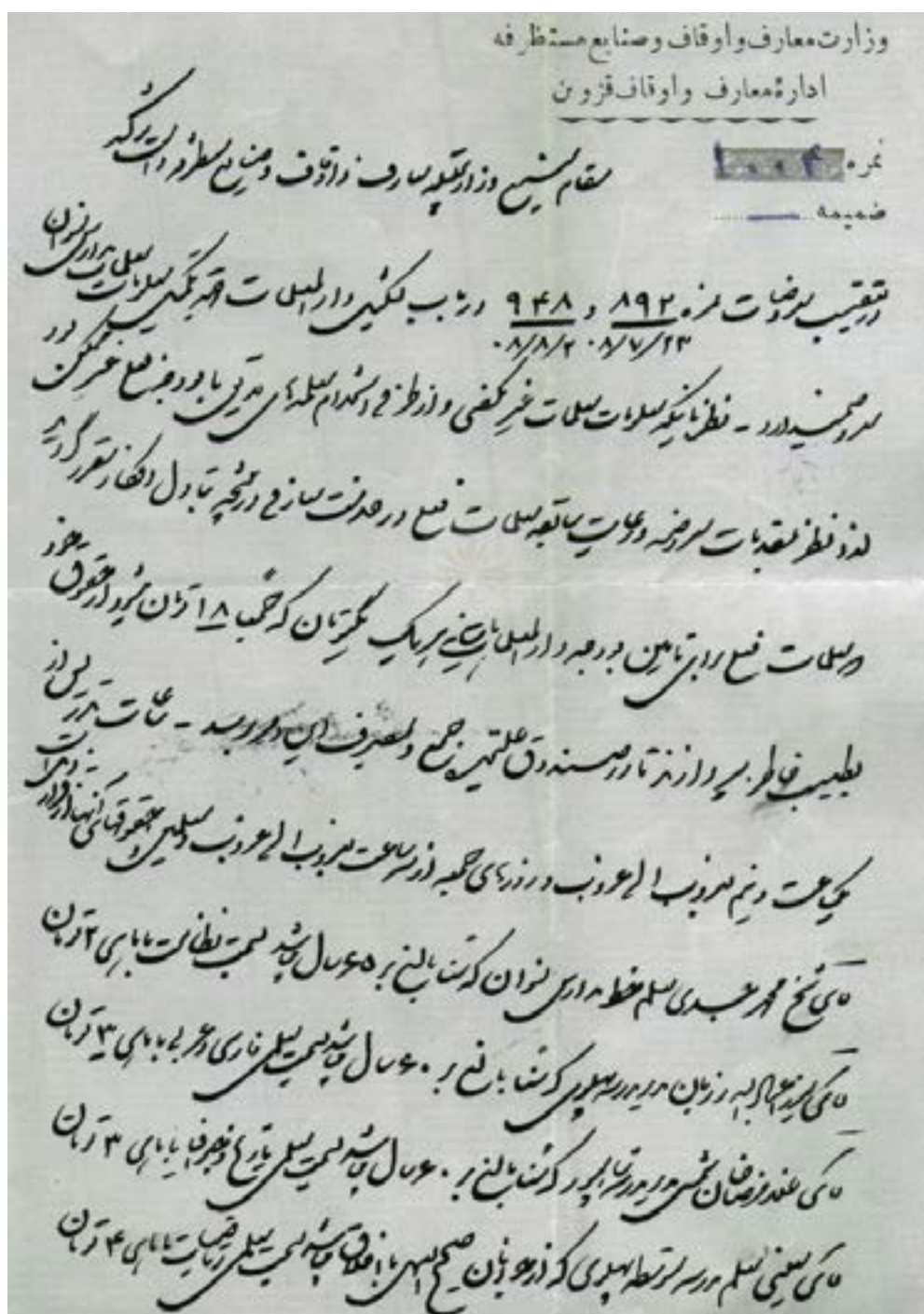
به صورت مجزا و کامل دیده نشده است. تنوع موضوعی و رشته‌های تخصصی بسیاری که این نوع مراکز پوشش می‌دهند هم جالب و هم امیدبخش است و می‌توان بر این اساس چشم‌انداز خوبی را در آینده انتظار داشت. البته ایران همچون بسیاری از دیگر کشورها

در حوزه موزه‌های دانشگاهی نوپا و تازه کار محسوب می‌شود.

از جمله متأخرترین موزه و مراکز آرشیوی دانشگاهی که در دو سال انتهایی دهه نود در ایران تأسیس و راه‌اندازی شدند، می‌توان به دو مورد شاخص اشاره کرد: «موزه و مرکز اسناد دانشگاه اصفهان» و «موزه و آرشیو دانشگاه الزهرا(س)»؛ موزه و مرکز اسناد دانشگاه اصفهان هرچند از منظر گردآوری اسناد و آرشیو اطلاعات، قدمتی تقریباً ۴۵ ساله دارد، اما در سال‌های اخیر موزه به صورت یکپارچه سامان‌دهی و مجدداً آغاز به کار کرده است.

موزه و آرشیو دانشگاه الزهرا(س) با فعالیت گروه «علم اطلاعات و دانش‌شناسی» و محوریت موضوع آرشیو از مهرماه سال ۱۳۹۸ وارد فاز برنامه‌ریزی و تأسیس شد.

موضوعاتی که در این نوع نهادها مطرح و بررسی می‌شوند همچون آینده‌پژوهی، چگونگی مدیریت دانش، تولید محتوا، از مهمترین محورهای فعالیت این نهادها به شمار می‌روند. در واقعیت و عمل درباره حوزه مدیریت دانش می‌توان این تعریف را ارائه کرد: «هر آنچه در یک سازمان به صورت مکتوب نگهداری می‌شود مانند پیشینه، تاریخ و شرح فعالیت‌های اداری، اقتصادی، مالی و غیره به نحوی که بتوان آنها را در یک شبکه و برنامه‌ای به اشتراک گذاشت که برای طیف‌های گوناگون مخاطبان قابل دسترس باشند، در ساحت مدیریت دانش قرار می‌گیرند.» در گام‌های بعدی این قبیل داده‌ها به مرور زمان در فرایندی، که به آن حیات اسناد گفته می‌شود، گسترش یافته و به موزه و مرکز آرشیو تبدیل می‌شوند. این مدیریت دانش در تولید محتوا مؤثر است و با هدایت و مدیریت اطلاعات، سابقه تاریخی نهادها را افزایش می‌دهد؛ بنابراین از یک سو پشتوانه علمی برای نهادهای علمی است و مجموعه سوابق فرآیندها را حفظ می‌کند، از سوی دیگر محلی برای برگزاری کنفرانس‌ها، پژوهش‌ها، تجمع‌ها و فرهنگ‌سازی‌ها و در واقع جریان‌سازی روزآمد علمی است. اما در این میان نباید هدف غایی مدیریت دانش، یعنی ارائه اطلاعات به مردم و ارتقای سطح اطلاعات عمومی آنها را فراموش کرد. همه این فرآیندها با هدف آن ارتباط با جامعه کلان انجام می‌شود. می‌دانیم و اعتقاد داریم آرشیو و موزه پدیده‌ای ایستا و مرده نیست، بلکه مکانی زنده و پویاست و برای



همین به طور مستمر مرتبط با جامعه است. به اعتقاد من از این منظر یعنی مدیریت و گردش اطلاعات و دانش هیچ مکانی بهتر از موزه‌ها و مراکز آرشیوی نیستند.

لازم است در ادامه به برخی نکات آسیب‌شناسانه در این حوزه نیز اشاره شود. در موزه‌های غیردانشگاهی متأسفانه حجم بالایی از سطوح مدیریتی به غیرمتخصصان تعلق می‌گیرد. افرادی که ممکن است حتی در میراث فرهنگی و بخش‌هایی از آن تخصص داشته باشند، اما به‌طور خاص و دقیق با حوزه موزه‌آشنایی کافی

ندارند که این مسبب مشکلات بسیاری است. خوشبختانه موزه‌های دانشگاهی از این لحاظ وضعیت بهتری دارند، به این معنا که فعالان و مدیران این حوزه معمولاً از بدنه نظام دانشگاهی، استادان مجرب و صاحب‌نظر و کارشناسان مرتبط تشکیل شده است. چنین فضایی امکان پرورش متخصصان و انجام کارورزی‌های دانشگاهی را برای دانشجویان رشته‌های مرتبط فراهم می‌آورد که خود به معنای پرورش نیروهای متخصص مورد نیاز در آینده است.

نکات تخصصی مهمی درباره ارتباط دو حوزه موزه‌ها و مراکز اسنادی و آرشیوی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود. با توجه به رشد شتابان حوزه‌های علمی در سراسر جهان، نمی‌توان مثل گذشته ساحت‌های این مجموعه‌ها را از یکدیگر جداگانه تصور کرد، هرچند از منظر فیزیکی و فعالیت‌های مادی این مراکز تفاوت‌هایی دارند، اما همه آنها در یک مجموعه قرار می‌گیرند و مأموریت آنها نیز همسانی‌های فراوان با یکدیگر دارند. چنانکه پیشتر نیز اشاره شد دو حوزه فعالیت موزه‌ها و مراکز آرشیوی یعنی مدیریت دانش و تولید محتوا، کاملاً با هم همسو هستند. یعنی همان میزان که آرشیو می‌تواند در تولید محتوا مؤثر باشد، موزه هم می‌تواند تأثیرگذار باشد. در بحث مدیریت دانش نیز چنانکه رویکرد ارائه هرآنچه از میراث مادی و معنوی، مکتوبات و اشیاء و غیره باقی مانده، یعنی ارائه و به اشتراک‌گذاری هر نوع سند را بپذیریم، در این ساحت نیز موزه‌ها و آرشیوها به صورت همسان و هم‌سو عمل می‌کنند.

البته در اینجا باید به یک معضل «ایجاد شبه موازی‌کاری بین موزه‌ها و آرشیوها» اشاره کرد، معضلی که بیشتر در بخش‌های دولتی و غیرخصوصی دیده می‌شود. در این نوع نهادها ضمن وجود رخوت و کم‌کاری، شاهد برخی اظهارنظرها هستیم که فعالیت این دو ساحت را موازی و مساوی تعریف می‌کند و رقابت‌های بی‌دلیل بین دو حوزه پدید می‌آورد. این موضوع بیش از آنکه نتیجه درست فعالیت‌ها باشد حاصل کم‌کاری



و حتی کم‌دانشی است. خوشبختانه چنین آفتی در موزه‌ها و آرشیوهای بخش‌های خصوصی و همچنین نمونه‌های دانشگاهی کمتر دیده می‌شود. در این قبیل مراکز که فعالیت‌ها با انگیزه‌های بالاتر دانشگاهیان صورت می‌گیرد، چنین مشکلاتی کمتر دیده می‌شود. بررسی تجربه موزه‌ها و مراکز آرشیوی در بسیاری از کشورهای سرآمد در این حوزه‌ها، همچون کشورهای اروپایی، چین، ایالات متحده آمریکا و... و مشاهده تعداد بسیار زیاد این قبیل مراکز نشان می‌دهد که بین موزه و آرشیو موازی‌کاری وجود ندارد و آنها به خوبی از ظرفیت‌های این دو حوزه در کنار یکدیگر استفاده می‌کنند. بر اساس مطالعات اخیر اینجانب که با تمرکز در حوزه مطالعات تاریخ اقتصادی انجام می‌پذیرد، در کشور آمریکا، غالب مؤسسات اقتصادی و تولیدی و صنعتی متوسط و بزرگ، مرکز آرشیو و موزه مختص به خود را دارند و مورخان، پژوهشگران و آرشیویست‌های بسیاری در این مؤسسات مشغول به فعالیت و ثبت و ضبط داده‌ها و اطلاعات مربوطه هستند. این نوع فعالیت را می‌توان حاصل تعریف درست برنامه و زیرساخت‌های دقیق و سپردن امور به دست متخصصان دانست. با تنظیم چنین مواردی از موازی‌کاری جلوگیری می‌شود و مجموعه‌ها می‌توانند به صورت پویا و فعال به کار خود ادامه دهند. این مراکز در کشور ما نیز به خوبی امکان تعریف دارد. ایران با دارا بودن سابقه غنی تمدنی و فرهنگی، ظرفیت‌های بسیاری برای تعریف چنین مراکزی دارد و شایسته است که از این ظرفیت‌ها به درستی استفاده شود.

اگر از منظر آسیب‌شناسی بخواهیم به دلایل چنین معضلی اشاره کنیم می‌توان به نبود نگاه تخصصی و همچنین بودجه‌های بسیار کم در این حوزه‌ها اشاره کرد، مواردی که باعث می‌شود نگاه دقیق و درستی در این موضوعات پدید نیاید. برای

ساخت سخت‌افزاری و ایجاد و ساخت بنا برای این قبیل مراکز و یا حتی مرمت بناهای موجود به منظور بهره‌برداری مرکز آرشیو یا موزه همسویی وجود دارد، اما در ساخت فعالیت‌های فکری و گردآوری و بررسی اسناد و تحلیل و تدقیق آنها، متأسفانه فعالان اندکی وجود دارند، چراکه انتفاع مالی در کار نیست و افراد می‌بایست با انگیزه‌های شخصی و مباحث هویتی و... فعالیت کنند.

از دیگر موارد می‌توان به موضوع کم‌توجهی به فراهم‌آوری مجموعه اسناد مرتبط با موزه اشاره کرد. برخلاف تصور، در موزه هیچ‌وقت نباید فراهم‌آوری متوقف شود. هر آنچه می‌تواند نشان و نمادی از گذشته و یا فرآیند باشد، می‌بایست گردآوری و حفظ شود. در موزه‌های دانشگاهی نباید هیچ محدودیتی وجود داشته باشد. تمایزی که در این نوع موزه‌ها با سایر موزه‌های میراثی وجود دارد، موضوع انگیزه و علاقه و همچنین تخصص بالای فعالان این حوزه است، که البته خود با دشواری‌هایی همراه است؛ یعنی یک استاد دانشگاه باید به صورت مستمر پیگیر این قبیل مسائل از خرد تا کلان باشد و به‌عبارتی شبانه‌روز دغدغه‌مندانه به این قبیل موضوعات پردازد تا به تدریج مجموعه اسناد و مدارک مورد نیاز موزه را تکمیل کند، اقدامی که شاید هیچگاه پایان نپذیرد. از دیگر معضلات این حوزه توجه بسیار زیاد ما به خارج از مرزهای خود و تجربیات دیگر کشورهاست. در این زمینه نیز به نظر می‌رسد ما راه افراط را می‌پیماییم و گاه بیش از اندازه به دنبال تجربیات سایر کشورها هستیم و متأسفانه به مسئله بومی‌سازی توجه اندکی داریم.

در پایان شایسته است به راه‌های برون‌رفت از برخی مشکلات نیز اشاره شود. استفاده از همه ظرفیت‌های موجود رشته‌های مرتبط با حوزه مراکز آرشیوی و موزه‌ای در دانشگاه‌ها از جمله راه‌حل‌های مفید برای رفع بسیاری از این دشواری‌هاست. به این معنا که دانشگاه‌های دارای رشته‌های تخصصی همچون علم اطلاعات و دانش‌شناسی (کتابداری سابق) که در مقطع کارشناسی ارشد به صورت تخصصی به آرشیو و اسناد می‌پردازند، رشته‌های تاریخ، موزه‌داری، باستان‌شناسی، مرمت و احیاء، ادبیات، هنر، مدیریت، علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه و غیره می‌توانند به صورت هم‌افزایانه و در کنار یکدیگر به این مراکز در دانشگاه‌ها کمک شایان توجهی ارائه کنند. ظرفیتی که شاید در بسیاری از دیگر مراکز و موزه‌های غیردانشگاهی فراهم نباشد. این قبیل مراکز چنانکه پیشتر اشاره شد می‌بایست به صورت فعالانه در حوزه‌های گوناگون پژوهش و تحقیق، آموزش، گردآوری و حفظ و مرمت، همچنین فعالیت‌هایی مانند برگزاری نشست‌ها و همایش‌ها و انواع گردهم‌آیی‌ها شرکت کنند و در موضوعات عرضه، نمایش و برقراری ارتباط با مخاطب از انواع دانش‌های روز بهره بگیرند. همه این موارد البته معطوف به برقراری ارتباط با مخاطبان و توده جامعه است و می‌بایست در این راستا فرهنگ‌سازی‌های لازم صورت پذیرد.



بهرنگ ذوالفقاری / Behrang Zolfaghari

دانشجوی دکتری تاریخ ایران و پژوهشگر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

PhD Student in history of Iran – Researcher of Human science and Cultural studies research institution

موزه‌های دانشگاهی و تالار مفاخر University Museums and Hall of Fame

چکیده

یکی از بخش‌های اصلی و مشترک بسیاری از موزه‌های دانشگاهی، فضای اختصاص یافته به مفاخر^۱ دانشگاه است. اگرچه پیوند این بخش با موضوع پاسداشت میراث دانشگاه و حفظ هویت دانشگاهی بدیهی به نظر می‌رسد اما بنیان نظری چنین رویکردی یعنی «نظریه کنشگر/ساختار» کمتر مورد توجه قرار گرفته است. شرح برخی کارکردهای «نظریه قهرمان تاریخی» و نسبت آن با شخصیت‌های ممتاز در تالار مفاخر موزه‌های دانشگاهی همچون «نماد دوره‌های تاریخی» «الگو و نمونه اعلای اخلاقی» «سرآمد تجربیات گسترده و ماندگار» بخش بعدی این نوشتار است. پیشنهاد برخی تغییرات در این نوع فضاها متناسب با تحولات و دگرگونی‌های هویتی در نظام دانشگاهی بخش پایانی این نوشتار است.

۱. عنوان البته می‌تواند متنوع باشد: بزرگان؛ مشاهیر؛ پیشکسوتان، نوابخ، نام‌آوران، فرزندان و عناوینی از این دست؛ هرچند که هریک از این اسامی بار معنایی خاص خود را دارند اما غالباً متولیان امر یک مفهوم کلان را از چنین بخش‌هایی مورد نظر دارند.

Abstract

One of the main and common parts of many university museums is the section dedicated to the prominent figures of university. Although the connection of this section with the issue of preserving the university heritage and its identity seems obvious, but the theoretical basis of such an approach, i.e. "Agency-structure theory" has received less attention. A description of some of the functions of "Heroic theory of history" and its relation to prominent figures in the Hall of Fame of university museums, such as "symbol of historical periods", "model and example of high morality", "the foremost of extensive and lasting experiences" are the next parts of this article. The proposal of some changes in these sections in accordance with the changes of identity in the university system is the final part of this article.

چیستی و جایگاه تالار مفاخر

از بخش‌های اصلی انواع موزه‌های دانشگاهی، طراحی یک فضا در قالب اتاق یا تالار با عنوان مفاخر دانشگاه است. در یک تعریف ساده، این فضا برای آشنایی مخاطبان با اسامی، مهم‌ترین اقدامات و فعالیت‌های چهره‌های شاخص آن دانشگاه طراحی شدند. هرچند که ممکن است بر اساس چشم‌انداز و کارکردهای متنوع هریک از انواع موزه‌های دانشگاهی - اعم از تاریخ طبیعی و علوم طبیعی؛ تاریخ فرهنگی و هنر؛ علم و فناوری؛ تاریخ و باستان‌شناسی؛ پزشکی؛ قوم‌شناسی، مردم‌شناسی و انسان‌شناسی، و غیره - چنین فضاهایی یا به صورت پررنگ و اصلی و یا به صورت فضای جانبی در دانشگاه دیده شود، اما به تقریب، تالار مفاخر از جمله عناصر مشترک غالب موزه‌های دانشگاهی هستند. دلایل وجودی چنین فضاهایی را می‌بایست در اهداف و کارکردهای اصلی موزه‌های دانشگاهی «منابعی برای پژوهش، آموزش و حفظ میراث فرهنگی، تاریخی، طبیعی و علمی در دانشگاه» جستجو کرد.

مفاخر و هویت دانشگاهی

موزه‌های دانشگاهی به عنوان یکی از حافظان اصلی مجموعه میراث پویای نظام دانش و منبع هویت بخش برای مجموعه دانشگاه به حساب می‌آیند و معمولاً مهم‌ترین کارکرد موزه‌ها در دانشگاه‌ها همین مقوله هویت تعریف می‌شود.

ورود به موضوع رویکردها و بنیان‌های نظری پیوند موزه‌های دانشگاهی و به تبع آن تالار مفاخر با هویت دانشگاهی و حفظ میراث مادی و معنوی دانشگاه، تبیین چگونگی این پیوند و مفهوم پردازی هویت، موضوعی است دراز دامن که مجال پرداختن به آن در یک نوشتار کوتاه فراهم نیست. اما اگر بپذیریم هویتی که در اینجا از آن صحبت



می‌شود شامل مجموعه‌ای از شاخص‌ها و علائم در حوزه مولفه‌های زیستی، مادی، فرهنگی و روانی است که باعث شناسایی اعضاء و اجزای یک دانشگاه از دانشگاه‌های دیگر و نظام آموزش عالی کشور می‌شود و بر این اساس به سراغ شاخص‌ها و علائم هویت بخش نظام دانشگاهی برویم، شاید

بتوان یکی از مهمترین شاخص‌ها را «عنصر انسانی» و به عبارتی عاملان، کارگزاران یا شخصیت‌ها، به عنوان حاملان و تاثیرپذیران مرتبط با مقوله هویت دانست. بنابراین شاید بتوان مهم‌ترین محل مواجهه مخاطب با این مقوله در فضای موزه دانشگاهی را تالار مفاخر به حساب آورد و بر این اساس بیشترین بار هویتی بر عهده همین بخش گذارده می‌شود. درباره ارتباط بین این فضا و کل موزه دانشگاهی و مفهوم هویت، پرسش‌هایی اساسی و قابل تامل مطرح هستند:

بین بخش تالار مفاخر و سایر بخش‌های موزه‌های دانشگاهی چه ارتباط منطقی و ساختاری برقرار است؟ رویکرد هویتی در موزه‌های دانشگاهی و تالار مفاخر متأثر از کدام پارادایم‌های نظری شکل گرفته‌اند؟ در ذیل این پارادایم‌ها گفتمان‌های رایج چگونه بر ساختار این بخش‌ها تاثیر می‌گذارند؟ تا چه میزان با آگاهی از پشتوانه‌های نظری، نسبت به روزآمدسازی و پویایی این فضاها اقدام می‌شود؟ آیا صرف استفاده از جدیدترین امکانات سخت افزاری، فناوری‌های نو، برای ارائه اطلاعات و داده‌ها به معنای پویایی این بخش‌هاست؟

ارائه اطلاعات و داده‌ها

در تالار مفاخر معمولاً مخاطبان با این داده‌ها مواجه می‌شوند: مجموعه‌ای از اطلاعات درباره زندگی هر یک از چهره‌های شاخص، غالباً در قالب اطلاعات مکتوب به صورت مختصر یا تفصیلی و در برخی موارد گاه‌شمارانه و خطی، مجموعه‌ای از اسناد، مکاتبات، عکس‌ها و همچنین اشیای شخصی -چه مرتبط با زندگی اجتماعی و فردی و چه حاصل از فعالیت‌های علمی و اجرایی شخصیت‌ها. چگونگی ارائه این داده‌ها اما متأثر از علل گوناگون است: حجم اسناد و اطلاعات در سه ساحت: برجای مانده، قابل دسترس و قابل ارائه؛ میزان فضای عمومی در نظر گرفته شده برای نمایش، امکانات سخت افزاری و نرم افزاری موجود در موزه، در کنار بودجه و مهم‌تر از همه اهداف و رویکردهای مورد نظر دانشگاه از ایجاد این فضا و به تبع آن «سناریوی موزه» همه و همه می‌توانند بر چینش مکان و ایجاد چنین سالن و اتاق‌هایی برای مفاخر دانشگاه اثرگذار باشد.

اینکه در یک سالن بزرگ مجموعه‌ای از عکس‌های پرسنلی افراد به همراه اطلاعاتی



اندک بر دیوار قاب شوند و با استفاده از چند ویتترین کوچک و بزرگ و یا حتی سکو، تعدادی اشیای قدیمی یا به ظاهر قدیمی با تعدادی زیرنویس در معرض دید قرار گیرند و یا در نمونه‌هایی دیگر مجموعه‌ای از اطلاعات، داده‌ها و اشیای متنوع مرتبط با شخصیت‌ها، در فضاهای مجزا و یا نیمه مرتبط با یکدیگر، منطبق با یک سناریوی مشخص، هدفمند و حتی فضاسازی شده در کلاس درس، یا

آزمایشگاه، هرباریوم، اتاق کار و غیره با ویتترین‌های استاندارد موزه‌ای و سایر ادوات «چند رسانه‌ای» و دارای قابلیت ارتباط تعاملی، امکان جستجوی اطلاعات و سایر ظرفیت‌های پژوهشی و آموزشی، در معرض استفاده مخاطبان قرار گیرند، همه و همه متاثر از عوامل پیشتر اشاره شده است.

تالار مفاخر و عنصر شخصیت

در هیچ بررسی و تحلیل مرتبط با انسان و فضای فعالیت انسانی نه تنها نمی‌توان از عنصر «شخصیت» چشم‌پوشی کرد، بلکه یکی از بهترین راه‌های برقراری ارتباط موثر بین فضای موزه - به عنوان فرستنده پیام - و مخاطب - در جایگاه گیرنده - استفاده از عنصر «شخصیت» و ارائه روایت معطوف به آن است، روایتی که با شخصیت‌پردازی همراه است. نباید فراموش کرد چنانچه محدوده زمانی این پیام مربوط به گذشته و به عبارتی موضوع تاریخی باشد، چگونگی این شخصیت‌سازی پیچیدگی و اهمیتی مضاعف می‌یابد.

نقش قهرمانان در تاریخ

در زمینه تالار مفاخر شایسته به نظر می‌رسد به ساحت نظری موضوع نیز توجه داشت. اختصاص دادن یک فضا برای تعدادی شخصیت‌جداسازی شده، متمایز از سایر افراد و آحاد یک جامعه دانشگاهی - کوچک یا بزرگ - در بنیان نظری خود می‌تواند اشاره به همان چالش بنیادین «نظریه کنشگر و ساختار» باشد. اعتقاد به فرد یا فردباوری و یا جامعه‌محوری با عناوین متفاوت از سده‌های دور دغدغه ذهنی اندیشمندان و فیلسوفان اجتماعی بوده است و بسیاری نظریه‌ها و تئوری‌های اجتماعی از سده نوزدهم میلادی بر بنیان آن شکل گرفته‌اند. آنچه که در این میان برای ساختاری همچون موزه دانشگاه و تالار مفاخر اهمیت پیدا می‌کند اولویت‌دهی به هریک از رویکردها و طیف‌های نظری مربوطه و به تبع آن، اولویت‌دهی به ساختار یا کنشگر و

همچنین نگاه تعاملی، تقابلی، عملیاتی آنهاست. با در نظر داشتن چنین عاملی نمایش شخصیت‌ها در موزه‌ها می‌تواند صورت‌های گوناگون و متفاوتی داشته باشند. پذیرش این موضوع که شخصیت‌ها و مفاخر به عنوان افرادی خاص و نابغه جدا و متمایز از جامعه پیرامونی اعم از اجتماع اصلی مردمان و کشوری که در آن به دنیا آمدند، زیستند و پرورش یافتند، و حتی مجزا از جامعه علمی که در آن بالیدند و به فعالیت پرداختند و به افتخاراتی نایل شدند، در ساحت افراطی آن به «نظریه قهرمان باوری» منتهی می‌شود. گرچه ممکن است با شنیدن عنوان «نظریه نقش مردان بزرگ در تاریخ» بسیاری از صاحب‌نظران موزه‌های دانشگاهی، مسئولان و طراحان موزه خود را مبرا از این نگاه بدانند، اما نمی‌توان منکر تاثیر چنین رویکردی به صورت مستتر و پنهان در این قبیل فضاها شد. البته مهم آنجاست که به صورت آگاهانه با این رویکرد مواجه شد و از افراط در آن پرهیز کرد.

کارکردهای اصلی تالار مفاخر



در ابتدا باید تاکید کرد به نظر می‌رسد هدف غایی چنین فضاهایی به طور معمول ایجاد حس تعلق و ارتقای هویت دانشگاهی از مسیر آشنایی با شخصیت‌های مهم و تاثیرگذار نهاد دانشگاه است. در کنار و یا به صورتی دیگر در ذیل این هدف کلان،

کارکردهایی برای این نوع فضاها در نظر گرفته می‌شود که می‌وان به تعدادی از مهمترین آنها اشاره کرد:

۱- مفاخر به عنوان الگو و نمونه‌های اخلاقی و انسانی

قالب مشهور «عبرت‌آموزی» کارکردی مهم در چنین فضاهایی به حساب می‌آید. ویژگی‌های پسندیده، خصایل نیکوی اخلاقی، کارهای شاخص و ماندگار شخصیت، به صورت پررنگ در معرض مواجهه مخاطبان قرار می‌گیرد. البته که این ارائه در نمونه مطلوب و تاثیرگذار خود می‌بایست ضمن رعایت دقت و ظرافت، به صورت چند رسانه‌ای و نه تخت و تک‌ساحتی انجام پذیرد تا به بازخورد منفی مخاطب‌گريزان از نصیحت و پند منجر نشود. توجه به ساحت‌های گوناگون این رویکرد خصوصاً در موزه‌های دانشگاهی که موضوع آموزش در آنها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است اهمیتی دوچندان دارد.

۲- مفاخر به عنوان سرآمد تجربیات گسترده و ماندگار

مشاهیر دانشگاهی هر یک به عنوان یک سرآمد در رشته تخصصی و حوزه دانشی خود

دارای فعالیت‌هایی مهم و تجربیاتی گرانسنگ هستند که باید برای آیندگان و خصوصاً هم‌رشته‌ای‌های خود و علاقه‌مندان به ساحت تخصصی دانش مزبور به اشتراک گذاشته شوند. این کارکرد دارای مشابهت‌هایی با کارکرد پیشین است، اما نقطه مرکزی در اینجا جلب توجه مخاطبان برای پیشرفت‌ها و اقدامات مهم این چهره‌ها و «تجربه‌اندوزی» از آنهاست. نباید فراموش کرد که این رویکرد انباشتی، به نوعی ریشه در همان ایده مشهور «پیشرفت» در قرن هجدهم اروپا دارد، که علم حاصل جمع تجربیات تکاملی دانشمندان در ادوار مختلف است. مفروض مورد انتظار برای چنین کارکردی این است که این فضای موزه‌ای برای پژوهشگران و متخصصان آن زمینه دانشی، محل رجوع، توجه، تامل و تجربه‌اندوزی است، پژوهشگران می‌توانند با مشاهده این مفاخر از جزئیات تحولات علمی و دانشی رشته خود آگاه شوند و شاید خود نیز با دریافت نوعی الهامات، به کشف‌های جدید نائل آیند.

۳- مفاخر در جایگاه مظهر، تجسم و نماینده یک دوره تاریخی

استفاده از اسامی افراد شاخص اعم از علمی و اجرایی برای اشاره به یک دوره از رایج‌ترین و آسان‌ترین راه‌های انتقال مجموعه‌ای از مفاهیم و معانی بین افراد، گروه‌ها و یا جوامعی است که دارای اشتراکات در معانی پایه‌ای مربوطه هستند. به طور نمونه در یک فضای دانشگاهی اشاره به دوره فلان مدیر یا دانشمند، گویی مجموعه‌ای از اطلاعات و داده‌ها را برای مخاطب آشنا با آن فضا یا منتقل می‌کند و یا شیوه به خاطر سپردن و یا یادآوری را تسهیل می‌نماید. این رویکرد در نظام کهن آموزشی نیز ریشه دارد، در گذشته شکل رایج پروراندن شاگردان خاص، انتقال اطلاعات و آموزش در گرو برقراری ارتباط با دانشمندان و سرآمدان آن حوزه دانشی بود، که دیگر در دسترس نبودند و می‌بایست با واسطه با آنها ارتباط برقرار می‌شد.

ضرورت در انداختن طرح‌های نو

از طریق پرداختن به زندگی شخصیت‌های علمی است که ارائه داده‌ها و اطلاعات می‌تواند از حالت خشک، فاقد روح خارج شده به صورت سرزنده و پویا ارائه شود اما آیا در تالار مفاخر به واقع چنین می‌شود؟ آیا در این فضا به جز اشاراتی پراکنده به نقاط عطف یک زندگی و یادآوری پیروزی‌ها و به عبارتی افتخارات صرف، جایی برای طرح موضوعات مهم دیگر وجود دارد؟ آیا نمی‌توان از تشویش‌ها و دل‌نگرانی‌ها، شکست‌ها و ناکامی‌های دانشمندان هم‌زمان با یادآوری خستگی‌ناپذیری و ممارست‌های آنها برای دست‌یابی به نتیجه مطلوب سخن گفت؟ آیا پرداختن به چنین روایاتی باعث افزایش حس کنجکاوی و ماجراجویی مخاطب، برانگیختن هیجان و حتی رازآلودگی و در نهایت جذابیت بیشتر فضا نخواهد بود؟! آیا نمی‌بایست از دیگر دست‌اندرکاران



نقش آفرین در تغییر و تحولات علمی از کوچک و بزرگ، تا حد امکان و وجود اطلاعات به نوعی یاد کرد؟ آیا نمی‌توان به فضای فکری، اجتماعی و فرهنگی دوره‌ای که این مشاهیر در آن می‌زیستند اشاره کرد و تلاشی برای نشان دادن تاثیر این فضاها بر پدید آمدن چنین شخصیت‌هایی

صورت داد؟ آیا نمی‌توان به جای گسستگی و تاکید صرف بر نقاط عطف یک تحول و شخصیت نام آور، از پیوستگی‌ها گفت و اینکه فرآیندهای علمی، آموزشی و پژوهشی بصورت مستمر و پشت به پشت هم نتیجه می‌دهند؟ آیا دانشگاه دقیقاً محلی مناسب برای به نمایش گذاشتن و تاکید بر پیوستگی علم و دانش، استمرار نظام‌های علمی و اتصال فعالیت‌های عالمان در حوزه‌های گوناگون با یکدیگر و تایید نگاه شبکه‌ای به دانش نیست؟ اگر چنین رویکردهایی در فضای دانشگاه و موزه و تالار مفاخر دانشگاه صورت نگیرد در کدامیک از دیگر نمونه‌های خارج از فضای آکادمیک امکان تحقق دارد؟ آیا در دانشگاه‌های نسل چهارم می‌توان همچنان از هویت‌های یکپارچه و ثابت سخن گفت؟ نحوه مواجهه موزه‌های دانشگاه و تالار مفاخر با هویت‌های متکثر و متنوع و غیر ثابت دانشگاه‌های جدید چگونه است؟ فرا رفتن از هویت فردی به ساحت هویتی گروهی و نهادی، و به طور خاص هویت دانشگاهی چگونه صورت می‌پذیرد؟ هویت فرهنگی به عنوان امری سیال و چند معنایی چگونه در تالار مفاخر دانشگاه امکان بروز و نمود پیدا می‌کند؟ نسبت تالار مفاخر را با تغییرات نسلی هر دانشگاه و تحولات هویتی دوره معاصر در دانشگاه چگونه است؟ آیا در تالار مفاخر دانشگاه فقط باید از چهره‌های علمی سخن گفت و یا باید دیگر دست اندرکاران نظام دانشگاهی اعم از کارکنان، مدیران، دانشجویان و دیگر توسعه‌دهندگان دانش را نیز در نظر آورد؟

این پرسش‌ها و ده‌ها پرسش دیگر، مواردی هستند که شایسته اندیشیدن هستند و می‌توان تلاش کرد تا با بهره‌گیری از تجربیات گوناگون و اقدام در حد امکانات و فراتر از آن، به پاسخ‌هایی درخور و قابل اجرا برای آنها دست یافت.



دکتر مصطفی ده پهلوان / Dr. Mustafa Dehpahlavan

استادیار گروه باستان شناسی دانشگاه تهران؛

معاون پیشین موزه های اداره کل فرهنگی و اجتماعی دانشگاه تهران

مدیر پیشین باغ نگارستان و موزه مقدم دانشگاه تهران

Assistant Professor, Department of Archeology, University of Tehran

نقش موزه های دانشگاهی در پیشبرد پژوهش های باستان شناسی

The role of university museums in advancing archaeological researches

چکیده

تشریح نقش کلیدی موزه های دانشگاهی روزآمد در ارتقای وضعیت پژوهش های باستان شناسی و بالابردن آگاهی جامعه نسبت به ضرورت حفاظت از سرمایه های میراثی کشور، هدف اصلی یادداشت پیش روست. بعد از اشاره به دوگانه «علم» و «دانش» و جایگاه رشته باستان شناسی در این دوگانه، نقش این رشته در برقراری پیوند میان برخی علوم همچون علوم پزشکی، علوم پایه، فنی مهندسی و غیره با میراث فرهنگی را بررسی کردیم. مرور تعدادی از حوزه های مرتبط با باستان شناسی در زندگی روزمره، در کنار چگونگی ارائه دستاوردهای این ارتباط در موزه های دانشگاهی و نقش مهم آنها در ایجاد تعامل، مشارکت و همکاری های بین رشته ای و ترکیبی، همراه با ذکر برخی تجربیات عملی نگارنده در موزه های دانشگاهی کشور بخش های اصلی این نوشتار هستند. در پایان ضمن یادآوری چند نمونه از کاستی ها در ارتباط میان حوزه باستان شناسی و حفظ میراث فرهنگی، و مرور نتایج برخی فعالیت ها در حوزه گردشگری و جذب مخاطب بر جایگاه و نقش منحصر به فرد موزه های دانشگاهی در

Abstract

Explaining the critical role of dynamic university museums in promoting archaeological researches and raising public awareness of the need to protect the national heritage assets can be considered as the main purpose of this article. The primary subject refers to the duality of "science" and "knowledge" and the position of the field of archeology in this duality. Then we examined the role of this field in establishing a link between some sciences such as medical sciences, basic sciences, engineering, etc., with cultural heritage. By reviewing several archaeological fields in contemporary human life, along with how to present the achievements of this relationship in the university museums and their essential role in creating interaction, partnership, interdisciplinary and combined cooperation, along with mentioning some practical experiences of the author in the university museums of Iran are among the main parts of this article. Recalling examples of shortcomings in the field of archeology and preservation of cultural heritage, the unique role of university museums in this issue, along with the results of such activities in the field of tourism and attracting the audiences, are the final parts of this article.

علوم و دانش، دو دسته‌بندی نوین برای رشته‌های تحصیلی و حوزه‌های پژوهشی هستند؛ باستان‌شناسی طبق این تقسیم در حوزه دانش قرار می‌گیرد اما ناگزیر به لحاظ مرتفع نمودن بسیاری از پرسش‌های اساسی خود به صورت زنجیره‌وار به حوزه‌های مختلف علوم پیوند می‌خورد. دانش باستان‌شناسی برای درک درست و علمی رخدادهای سرنوشت ساز در تاریخ حیات بشر و تأثیر آن بر جوامع امروز و ارائه پیش‌بینی رخدادهای سرنوشت‌آتی جوامع امروز تبدیل به دانشی پیچیده شده است. ولی شوربختانه درک درستی از این رشته علمی و دانشگاهی در ایران وجود ندارد. در ۷۰ سال اخیر، حوزه علوم، اساسی‌ترین تحولات و دستاوردها را در ارتقای دانش باستان‌شناسی باعث شده و تخصصی میان رشته‌ای بنام باستان‌سنجی^۱ را ایجاد نموده است. باستان‌سنجی به عنوان واژه‌ای عام، زیرشاخه‌های مختلفی را شامل می‌شود که همگی از اقتباس حوزه‌های علوم برای پیشبرد پرسش‌های باستان‌شناختی ایجاد شده‌اند و مهم اینک، نتایج آن‌ها فراتر از یک فرضیه و کمتر از یک نظریه است و به مانند نتایج علوم قابل آزمون و تکرارپذیری است؛ به عبارتی حاصل پژوهش باستان‌سنجی، فرادانش و نزدیک به چهارچوب قانون در علوم است که این خود در اهمیت و ضرورت این رشته در مجامع علمی و علوم انسانی کفایت می‌کند.

1. Archaeometry



حدود سه دهه است که علوم پزشکی، علوم پایه، فنی مهندسی و... به صورت هدفمند به یاری پژوهش‌های مرتبط با میراث فرهنگی آمده‌اند. اهم این پژوهش‌ها در حوزه باستان‌شناسی و مرمت آثار و ابنیه به انجام رسیده‌اند. باستان‌شناسی از حوزه نظر تا

حوزه‌های بنیادی و کاربردی علمی خود، دست در دست علوم دیگر نهاده و بهره‌های زیادی از علوم میان رشته‌ای یا به عبارتی علوم ترکیبی گرفته است. باستان‌شناسی امروزه به دنبال حوزه‌های جدیدی از زندگی انسان است، حوزه‌هایی از قبیل باستان ژنتیک‌شناسی، باستان انگل‌شناسی، دیرین اقلیم‌شناسی، پالئوپاتولوژی (بیماری‌های کهن)، دیرین اقلیم‌شناسی، باستان‌شناسی جنایی، باستان جانورشناسی، باستان گیاه‌شناسی، متالوگرافی و متالوژی باستان، باستان‌شناسی ادراکی، باستان‌شناسی اجتماعی، باستان‌شناسی سیاسی، باستان‌شناسی دریایی، باستان‌شناسی صنعتی و... باستان‌شناسان برای فعالیت در این حوزه‌ها باید از متخصصان و پژوهشگران رشته‌هایی از قبیل انسان‌شناسی جسمانی و فرهنگی، پزشکی، شیمی، متالوژی، زمین‌شناسی، جغرافیای طبیعی، گیاه‌شناسی، دامپزشکی، جامعه‌شناسی و... یاری گیرند.

بروز و ظهور دستاوردهای علمی رشته‌های مرتبط با باستان‌شناسی را می‌توان در قالب موزه‌های دانشگاهی در حوزه‌های علوم پایه، علوم انسانی، علوم طبیعی و فنی و مهندسی مشاهده کرد. یکی از زمینه‌های آشنایی و ایجاد تعامل میان باستان‌شناسان و متخصصان حوزه‌های علمی دیگر بازدید هدفمند از موزه‌های دانشگاهی مختلف است. نگارنده نزدیک به ۷۱ سال در حوزه موزه‌های دانشگاهی فعالیت داشته‌ام و در حین بازدید از موزه‌های دانشگاهی مختلف قادر به برقراری تعاملات علمی سازنده‌ای برای خود و سایر همکارانم در زمینه باستان‌شناسی شده‌ام. بی‌شک در راستای اهداف دانشگاه‌های نسل چهارم که بنیان آن بر پایه تعاملات علمی و میان‌دانشی گذاشته شده است موزه‌های دانشگاهی پویا می‌توانند نقش مهمی در ایجاد تعامل، مشارکت و همکاری‌های بین رشته‌ای و ترکیبی ایفاء کنند.

موزه‌های دانشگاهی مرتبط با محیط زیست از قبیل موزه‌های تاریخ طبیعی (جانورشناسی و حشره‌شناسی)، انسان‌شناسی جسمانی، گیاه‌شناسی و هرباریوم، میکروبیولوژی و انگل‌شناسی بهترین زمینه‌های همکاری علمی در حوزه‌های باستان‌شناسی زیستی را دارا هستند.

در تمامی پروژه‌های تحقیقاتی باستان‌شناسی به جرأت می‌توان گفت سرپرستان کاوش توان مالی لازم برای انجام آنالیزها و پژوهش‌های آزمایشگاهی ندارند و حجم

زیادی از این مواد یا در اختیار آزمایشگاه های خارجی قرار می گیرد یا در ادارات میراث استان ها و شهرستان ها خاک می خورند و در اثر نبود شرایط نگهداری اولیه کم کم نابود خواهند شد. با نهایت تاسف مواد فرهنگی به دست آمده از کاوش ها در شرایط اسفناکی نگهداری می شوند و هنوز پروتکلی برای بسته بندی، شیوه های ثبت و ضبط یکپارچه در اختیار باستان شناسان قرار نگرفته است. اینها حقایق تلخی هستند که در قرن بیست و یکم بیشتر به طنز شبیهند تا مشکل. هنوز پس از ۸۰ سال از تاریخ باستان شناسی ایران، آرشیو و بایگانی بقایای زیستی (بقایای اسکلت انسانی، جانوری و گیاهی) در کشور وجود ندارد و ۹۰ درصد این بقایا تا کنون نابود شده اند. در این سال اگر کم نگوئیم حدود ۵۰ هزار گور باستانی در ایران مورد کاوش قرار گرفته اند؛ دریغ از اینکه ۱۰۰۰ اسکلت انسانی در موزه و مجموعه های زیستی ما وجود داشته باشند. سرمایه های علمی و زیستی عظیمی که بر باد رفته است. موزه های دانشگاهی نوین می توانند محل امنی برای این آثار و انجام پژوهش های هدفمند بر روی آنها باشند.

امروزه پژوهش های بسیار نوینی در زمینه های ژنتیک باستانی، ایزتوپ های پایدار، آسیب شناسی و بیماری های کهن، باستان دندان شناسی، انگل شناسی بر روی بقایای زیستی انسانی، جانوری و گیاهی که از کاوش های باستان شناسی به دست می آیند توسط متخصصان غیر باستان شناس در این حوزه ها انجام می گیرد. این پژوهش ها درک

و شناخت عمیقی از ریشه های قومی و فرهنگی، مسیرهای مهاجرتی کهن، نظام های معیشتی، بیماری های کهن و مشترک بین انسان و جانور در اختیار باستان شناسان قرار می دهد.

موزه های دانشگاهی در حوزه زمین شناسی (کانی شناسی و خاک



شناسی)، هیدرولوژی، ژئوفیزیک (لرزه نگاری و مغناطیس سنجی) و سایر موزه ها مرتبط در این حوزه می توانند در حوزه های باستان زمین شناسی و باستان مغناطیس شناسی افق های جدید و کاربردی را پیش روی دانشجویان و استادان و پژوهشگران باستان شناسی برای درک تحولات خرد و کلانی قرار دهد که مناطق مختلف زمین در طول ادوار تاریخی به خود دیده است. باستان شناسی محیطی یکی از گرایش های مهم در دانش باستان شناسی است که به بررسی موشکافانه سیر تأثیر و تحولات محیط پیرامون و زمین بر روی شکل گیری، رونق و زوال استقرارگاه های انسانی اعم از روستاها و شهرها می پردازد. امروزه پژوهش های آزمایشگاهی در زمینه های خاک شناسی، کانی شناسی، سفال شناسی، مغناطیس سنجی یافته های باستان شناسی با رویکردها نوین تأثیرات شگرفی بر کشف اطلاعات جدید از

مواد خاموش فرهنگی و باستان‌شناختی دارند.

موزه‌های دانشگاهی مرتبط با مردم‌شناسی، اسناد و نسخ قدیمی و سایر مواد فرهنگی می‌توانند نقش مهمی در پژوهش‌های باستان‌شناسی داشته باشند. یکی از شاخه‌های بسیار مهم در باستان‌شناسی، اتنوارکیولوژی یا باستان‌قوم‌شناسی است. نگاه عمیق یک باستان‌قوم‌شناس در کنار اطلاعات یک مردم‌شناس می‌تواند تأثیر شگرفی بر تحلیل و تفسیر شواهد برجای مانده از دنیای گذشته داشته باشد. پروژه‌های پژوهشی مهمی از این تعامل علمی و دانشگاهی شکل می‌گیرد.

موزه‌های دانشگاه در حوزه‌های علمی مختلف می‌توانند بسترهای بسیار مفید، کارآمد و جدیدی برای ایجاد تعامل میان باستان‌شناسان و متخصصان مختلف فراهم سازد. درک عمیق از مواد فرهنگی کهن و به عبارتی میراث فرهنگی از قبیل ریشه‌های نژادی گورخفتگان، تغییرات اقلیمی، جانوران و گیاهان انقرض یافته، تغییرات مهم در رژیم‌های غذایی، تعاملات تجاری در دنیای کهن، تعاملات سیاسی و قهرآمیز، باورهای مذهبی و اسطوره‌شناسی، تاریخ علم و فناوری و... می‌تواند برای حل مشکلات امروز نیز کارآمد باشد. درک بهتر و عمیق‌تر از فرهنگ مادی کهن هم برای باستان‌شناسان مفید و جذاب خواهد بود هم برای عموم مردم و اقشار مختلف جامعه. پتانسیل عظیمی که می‌تواند جاذبه‌های بسیار مهمی برای گردشگری و سهم به‌سزائی در جذب مردم به میراث فرهنگی و ارائه



درک درستی از ارزش اصلی و ذاتی آن به مردم داشته باشد. با توجه به تجربه شخصی نگارنده در راهنمایی مردم در این زمینه و برگزاری تورهای گردشگری از کاوش‌های باستان‌شناسی و موزه‌های مرتبط، بدون تردید راه‌اندازی گردشگری باستان‌زیست‌شناسی، باستان‌سنجی و باستان‌زمین‌شناسی و ...

در موزه‌ها در قالب نمایشگاه‌های جذاب می‌تواند زمینه نوینی را در حوزه گردشگری رقم زند. پتانسیلی که هیچ‌گاه به آن توجه نشده و باوری بر آن نیست.

ایجاد شبکه‌های پژوهشی میان دانشی در موزه‌های دانشگاهی با محوریت باستان‌شناسی و میراث فرهنگی و انتقال آنها با ابزار و ابژه‌های متناسب با درک و شناخت اقاشر جامعه می‌تواند نقش بسیار چشمگیر و مهمی در درک، شناخت، معرفت و آگاهی میراثی مردم و جامعه داشته باشد. آگاهی میراثی گام مهم و بنیادینی در حفظ و حراست و پاسداشت میراث فرهنگی به شمار می‌آید.

در نتیجه، موزه‌های دانشگاهی پویا با رویکرد دانشگاه‌های نسل یکم تا پنجم می‌توانند نقش کلیدی در ارتقاء پژوهش‌های باستان‌شناسی و بالابردن درک مردم نسبت به ضرورت حفاظت از سرمایه‌ای میراثی کشور داشته باشند.



دکتر علی باقر طاهری نیا / Dr. Ali Bagher Taheri Nia

رئیس موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی (معاون پیشین پژوهش و فناوری دانشگاه فرهنگیان)

Head of higher education research & planning institution

(Former research & technology deputy of Farhangian university)

تأسیس موزه‌های اسناد و مفاخر تربیت معلم دانشگاه فرهنگیان

Museum of documents and honors of
teacher training of Farhangian University, an
everlasting capacity for university heritage

چکیده

طرح اولیه ایجاد موزه‌های دانشگاه فرهنگیان همزمان با یکصدمین سالگرد تأسیس تربیت معلم در ایران با عنوان «موزه اسناد و مفاخر تربیت معلم» در سال ۱۳۹۷ آغاز شد. در این سال همچنین دو طرح مرتبط دیگر نیز برای «احیای میراث فرهنگی و علمی تربیت معلم ایران» نیز طراحی و به تدریج به اجرا درآمد. این دو طرح عبارت بودند از: تدوین و انتشار تاریخ تربیت معلم کشور در قالب ۳۱ مجلد کتاب به تفکیک هر یک از استان‌های کشور؛ و تدوین و انتشار اسناد تربیت معلم کشور شامل بیش از ۲۵۰۰ برگ سند در ۵ مجلد؛ فاز اول موزه دانشگاه همزمان با برگزاری «همایش سراسری نکوداشت یکصدمین سال تربیت معلم» در سیزدهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۸ افتتاح شد و پس از آن به تدریج راه‌اندازی موزه‌های استانی نیز سرعت

گرفت. از نیمه سال ۱۳۹۹ تا زمستان ۱۴۰۰، بیش از پنج موزه اسناد و مفاخر تربیت معلم در استان‌های همدان، قزوین، لرستان و خراسان شمالی افتتاح شدند. اشاره به چگونگی این فعالیت‌ها و اهداف و جایگاه این موزه‌ها در دانشگاه فرهنگیان محتوای اصلی این نوشتار است.

Abstract

The initial plan to establish museums of Farhangian University began in 2019, coinciding with the 100th anniversary of the establishment of teacher training in Iran, entitled "Museum of Documents and Honors of Teacher Training". That year, two other related projects were also designed and gradually implemented to "revive the cultural and scientific heritage of Iranian teacher training." These two projects were: compiling and publishing the history of teacher training in Iran in the form of 31 volumes of books separately for each of the provinces of the country; And compiling and publishing documents for teacher training in Iran, including more than 2500 pages in 5 volumes. The first phase of the University Museum was inaugurated on May 3, 2019, coinciding with "National Conference for honoring the 100th Year of Teacher Training". Then, the establishment of provincial museums was also accelerated. From the middle of 2019 to the winter of 2020, more than five museums of documents and honors of teacher training were inaugurated in Hamedan, Qazvin, Lorestan and North Khorasan. The main subjects of this article are the activities, the missions and positions of these museums in Farhangian University.

مقدمه

خدمت در جایگاه معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه فرهنگیان طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰، با لطف و عنایت پروردگار و همچنین همفکری و همراهی مسئولان دانشگاه، دوستان و همکاران خلاق، ظرفیت مناسبی برای برخی تحولات و رویدادهای مهم را پدید آورد. افزون بر مأموریت‌های عام معاونت‌های پژوهش و فناوری در دانشگاه‌ها که حمایت از توسعه تحقیقات علمی، استادان و پژوهشگران، مدیریت و پشتیبانی انتشار آثار علمی و اصلاح شاخص‌های علمی و پژوهشی و غیره را شامل می‌شود، در دانشگاه فرهنگیان به واسطه برخورداری از همفکری و مشاوره‌های مناسب جمعی از متخصصان چند کار ویژه متفاوت تعریف و به مرحله اجرا درآورد.

سه اقدام ماندگار و احیاء و هویت بخشی به میراث تربیت معلم کشور

از مهمترین اقدامات این معاونت در چند سال گذشته اجرای مجموعه فعالیت‌هایی در راستای «احیاء و هویت بخشی به میراث فرهنگی و علمی تربیت معلم ایران» بود. در این راستا سه فعالیت عمده صورت گرفت:

۱- تدوین و انتشار تاریخ تربیت معلم کشور: این مجموعه کتاب‌ها در ۳۱ مجلد به تفکیک هریک از استان‌های کشور با مشارکت استادان و متخصصان هر یک از واحدهای دانشگاه فرهنگیان در استان‌های کشور صورت گرفت.

۲- تدوین و انتشار اسناد تربیت معلم کشور: بیش از ۲۵۰۰ برگ سند در ۵ جلد با محوریت یکی از استادان محترم رشته تاریخ گردآوری و تدوین شد.

این دو مجموعه فعالیت که مستندسازی تحولات یکصد ساله تربیت معلم کشور را

صورت دادند بستر مناسبی برای

فعالیت مهم سوم پدید آوردند.

۳- تاسیس و راه‌اندازی موزه

اسناد و مفاخر تربیت معلم:

مقدمات، طرح و ایده این موزه

در یکصدمین سالگرد تأسیس

دانشگاه تربیت معلم فراهم شد

و سال بعد یعنی در اردیبهشت ماه



۱۳۹۸ موزه دانشگاه فرهنگیان طی مراسم و یک نمایشگاه تخصصی - که در ادامه

درباره آن توضیحاتی خواهم آمد- افتتاح شد. درباره رویکرد مورد نظر دانشگاه برای راه

اندازی این موزه چند نکته مهم اشاره می‌شود: موزه متعلق به حوزه آموزش و پرورش

دارای سابقه‌ای طولانی است و نمونه‌هایی از این موزه در وزارت آموزش و پرورش

فعالیت دارند. در این نوع موزه‌ها به طور طبیعی مجموعه اسناد و ادوات و لوازم و آثار

مرتبط با حوزه آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان نگهداری می‌شود اما رویکرد اصلی

ما در موزه تربیت معلم، نه آموزش و پرورش مقاطع مختلف دانش‌آموزان بلکه آموزش

دبیران و معلمان است. موضوعی که در حقیقت میراث تربیت دبیر را در ایران نمایش

می‌دهد. نکته دیگر این است که این موزه در زمره موزه‌های دانشگاهی دسته‌بندی

می‌شوند و این موزه‌ها علاوه بر کارکرد عام فرهنگی همچون سایر موزه‌ها دارای

ماموریت‌های اختصاصی مرتبط با اهداف، فعالیت‌ها و برنامه‌های دانشگاه دارند. در

حقیقت کارکرد مضاعف این نوع موزه‌ها، ایفای نقش در راستای ماموریت و اهداف

دانشگاه و از آن جمله ارتقای وضعیت آموزش و پژوهش در دانشگاه است.

برخی ظرفیت‌های موزه‌های اسناد و مفاخر تربیت معلم در دانشگاه فرهنگیان

بر پایه موارد اشاره شده، موزه دانشگاه فرهنگیان با کارکردهای چندگانه: فرهنگی و تاریخی و آموزشی و پژوهشی در این دانشگاه تأسیس شد. این نوع موزه‌های دانشگاهی در کنار فعالیت مراکز آموزشی دانشگاه‌ها، اقدامات تکمیلی در خدمت آموزش و پژوهش را صورت می‌دهند، و کارکردی همچون کارگاه‌های کار عملی برای تربیت معلمان فنی، آزمایشگاه‌ها برای تربیت معلمان علوم طبیعی و پایه، فضاهای هنری برای معلمان هنر و ده‌ها نمونه دیگر دارند. مطالعه سیر تحول تکنولوژی‌های آموزشی در این موزه‌ها فراهم است. در آنها می‌توان سیر تغییرات را ردیابی و حتی نتایج آنها را مورد بررسی قرار داد. در برخی از موزه‌های اسناد و مفاخر تربیت معلم در دانشگاه فرهنگیان، فضا به گونه‌ای طراحی شده است که اسناد و اشیای موجود در آن برای برخی دروس

مثل تاریخ، علوم اجتماعی و علوم سیاسی و غیره به مثابه فضای کارگاهی و مطالعات پژوهشی عمل می‌کند و حتی ظرفیت اجرای پروژه‌های تحقیقاتی نیز دیده شده است. اسناد موجود در این موزه‌ها زمینه‌های گوناگونی از قبیل: شکل‌گیری این



دانشگاه، چگونگی تحولات آن و تغییرات رخ داده در ادوار گوناگون، چرایی تداوم و یا تعطیلی برخی واحدها، دوره‌های قبض و بسط کمی و کیفی دانشگاه و رشته‌های دایر در هریک از واحدها، چگونگی توسعه و تغییرات فضای کالبدی و فیزیکی، اسامی استادان، معلمان و دانشجویان برجسته و شاخص دانشگاه در سطوح منطقه‌ای، ملی، و جهانی و همچنین نوع فعالیت‌های ماندگار این افراد، و بسیاری موارد دیگر را به نمایش می‌گذارد. این موزه‌ها ظرفیت بسیار مهمی برای آشنایی طیف‌های گوناگون جامعه با شخصیت‌های مهم کشور را در عرصه آموزش و پرورش فراهم می‌آورد.

اهمیت ثبت و حفظ میراث تربیت معلمان

تربیت و آموزش معلمان با ساختارهای جدید آموزشی در کشور ایران حداقل ۱۰۳ سال پیشینه مدون و پیوسته دارد. این پیشینه طولانی حاوی تجربیات بسیار شنیدنی، ماندگار و قابل ثبت و ضبط است و در آنها عبرت‌ها نهفته است. عبرت‌هایی که



ضمن دارا بودن قابلیت حفظ و احیاء می‌بایست تلاش کرد تا از تکرار برخی از آنها جلوگیری شود. این تاریخ بیش از یکصد سال نشان می‌دهد نظام ایران برای تامین معلم چشم به بیرون نداشته و تلاش کرده است همه نیروها و سرمایه‌های

انسانی خود را از داخل تامین کند. همچنین دغدغه‌های صنفی معلمان ارجمند کشور در ادوار گوناگون همواره وجود داشته و گویی هیچگاه نتوانسته است مرتفع شود، این دغدغه‌های صنفی زخمی کهنه بر بدنه جامعه فرهنگیان کشور در طی دهه‌های متمادی بوده است که متأسفانه همچنان نیز دیده می‌شود. بررسی و مطالعه این تاریخ پر فراز و فرود نشان می‌دهد کرامت و منزلت معلمان در جامعه ایرانی دارای وجهتی برجسته بود و استخدام معلمان از معیارها و شاخص‌هایی شایان توجه برخوردار بوده است، و در دوره‌های اولیه حتی حداقل‌هایی جسمانی نیز برای معلمان در نظر می‌گرفتند. در مقام قضاوت و ارزیابی این تاریخ یکصد ساله نکته شایان توجه دیگری را نیز نشان می‌دهد و آن اینکه بهترین و مطلوب‌ترین دوره تربیت معلم در کشور دوره شهیدان رجایی و باهنر است. اوج توسعه کمی و کیفی در آن دوره صورت گرفته است. در آن زمان برای جمعیت ۳۸ میلیونی کشور، ۴۰۰ مرکز تربیت معلم فعالیت داشتند در حالی که امروزه ما با ۸۵ میلیون جمعیت به میزان یک چهارم آن تعداد مرکز تربیت معلم در کشور فعالیت دارند. این نکات مطرح شده تنها گوشه‌ای از اطلاعات و داده‌هایی است که در مجموعه اسناد، مدارک و ادوات و لوازم موجود در موزه‌های دانشگاه و کتاب‌های مورد اشاره منتشر و در اختیار قرار گرفته است. این مجموعه فعالیت‌ها که با حمایت رئیس محترم دانشگاه فرهنگیان و همراهی جمع کثیری از مدیران و کارشناسان دانشگاه و مشاوره‌های تخصصی جمعی دیگر از اصحاب دانش انجام پذیرفت، میراثی ارزشمند در اختیار جامعه علمی، اعم از معلمان، پژوهشگران و دانشجویان و دانش‌آموزان و آحاد گوناگون مردم و سیاست‌گذاران کشور است که می‌توانند از بخش‌های گوناگون آن استفاده نمایند.

وضعیت موزه‌های اسناد و مفاخر تربیت معلم در دانشگاه فرهنگیان

اشاره شد که طرح اولیه ایجاد موزه‌های دانشگاه فرهنگیان در سال ۱۳۹۷ آغاز شد. در طی این سال مراسم متعددی در استان‌های سراسر کشور به مناسبت یکصدمین سال تاسیس تربیت معلم در ایران و متناسب با چندمین سال ایجاد تربیت معلم در هر یک از استان‌ها برگزار شد. فاز اول موزه اسناد و مفاخر تربیت معلم دانشگاه فرهنگیان، همزمان با برگزاری «همایش سراسری نکوداشت یکصدمین سال تربیت معلم» در سیزدهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۸ افتتاح شد. در این همایش یک نمایشگاه بسیار ارزشمند با حضور نمایندگان کلیه واحدهای استانی دانشگاه فرهنگیان از سراسر کشور نیز برگزار گردید. در این نمایشگاه

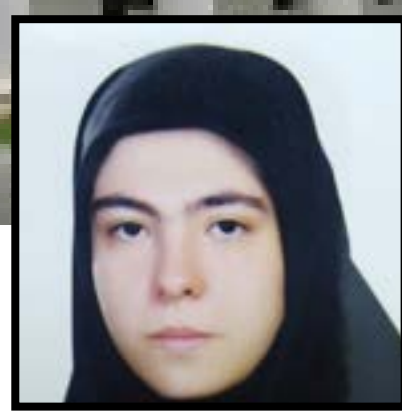


نمایندگان واحدها، نمونه‌های بسیار ارزشمندی از ناب‌ترین اسناد، وسایل و ادوات آموزشی در مراکز تربیت معلم هر استان را از اقصی نقاط کشور در معرض نمایش گذاشتند. این نمایشگاه فرصت بسیار مغتنمی هم برای مسئولان عالی دانشگاه و هم جامعه علمی دانشگاه فرهنگیان و دیگر مخاطبان بود که ضمن آشنایی با میراث نادیده و ناشناخته هر یک از استان‌ها، ظرفیت‌های بسیار گسترده هر استان و گاه شهرهای دیگر برای تاسیس موزه‌های استانی آشکار شود. این چنین بود که راه‌اندازی موزه‌های استانی نیز به تدریج آغاز شد. در تیر ماه ۱۳۹۸ برای جانمایی محل دائمی موزه تربیت معلم دانشگاه فرهنگیان در استان تهران اقداماتی صورت گرفت اما متأسفانه وقوع پاندمی کووید ۱۹ در انتهای سال ۱۳۹۸ اقدامات تاسیسی و افتتاح بسیاری از این موزه‌ها را با دشواری مواجه ساخت. از نیمه سال ۱۳۹۹ تاکنون، بیش از پنج موزه

اسناد و مفاخر تربیت معلم در استان‌های همدان، قزوین، لرستان و خراسان شمالی افتتاح شدند.

ساختار این موزه‌ها در دانشگاه فرهنگیان در مجموعه معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه و در ذیل اداره کل نشر و اطلاع‌رسانی علمی، بخش اداره اسناد دیده شده بود که به اسناد و مفاخر تربیت معلم تسری داده شده است و در حال حاضر فعالیت دارند.

در پایان می‌بایست ضمن یادآوری مجدد همکاری ارزشمند مجموعه دست‌اندرکاران این فعالیت‌ها در دانشگاه فرهنگیان به خصوص رئیس محترم دانشگاه آقای دکتر خنیفر، دیگر اعضای ارجمند هیئت رئیسه و بدنه کارشناسی خدوم دانشگاه فرهنگیان، اظهار امیدواری کنم که این فعالیت‌ها ادامه یابند، همچنین کار ناتمام طراحی تندیس و نماد یک‌صدمین سال تربیت معلم و نصب آن در فضای ساختمان مرکزی دانشگاه به سرانجام برسد و با تدوین و تصویب آئین نامه راه‌اندازی، نگهداری و بهره‌برداری موزه‌های دانشگاه و اجرایی شدن آن، مجموعه موزه‌های دانشگاه فرهنگیان در سراسر کشور بتوانند به صورت پویا و روزآمد به فعالیت خود ادامه دهند و با استفاده از اعتبارات در نظر گرفته شده برای هریک از آنها بیش از پیش توسعه یابند. موزه‌ها به عنوان یک قابلیت و ظرفیت مهم برای ارتباط با جامعه می‌توانند در هریک از دوره‌ها به عنوان یک پل ارتباطی بین دانشگاه و جامعه متنوع پیرامون عمل نمایند و وظایف و کارکردهایی روزآمد و جدید در جامعه عهده‌دار شوند، بنابراین غفلت از این ظرفیت‌های فراوان در این زمانه پرشتاب شایسته به نظر نمی‌رسد.



دکتر سجاد باغبان ماهر، استادیار گروه موزه و گردشگری، دانشگاه هنر اصفهان

Dr. Sajjad Baghban Maher

Assistant professor of museum & tourism department, Art university of Isfahan

نفیسه یزدانی، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت موزه، دانشگاه هنر اصفهان

Nafiseh Yazdani, M.A student in museum management, Art university of Isfahan

نگاهی به برخی از موزه‌های هنر دانشگاهی در جهان

A look at some of the university art museums in the world

چکیده

موزه‌های دانشگاهی، دارای تنوع بسیاری از جهت ماهیت و کارکرد هستند. گروه بزرگی از آنها را باید موزه‌های «هویتی» بدانیم که در خدمت ساخت «هویت برند» دانشگاه قرار دارند. اما گروه بزرگتری «دانش محور» هستند و به مثابه بخشی از فرایند تکمیلی آموزش و پژوهش در دانشگاه در نظر گرفته می‌شوند. موزه‌ها همچنین می‌توانند به‌عنوان بستر ارتباطی فضای دانشگاهی با جامعه عمل کنند.

تصور عمومی در فضای دانشگاهی ایران بر این است که مساله «دانش» و موضوعات علمی بخشی جدانشدنی از مفهوم دانشگاه و بالطبع موزه‌های دانشگاهی است در نتیجه، اغلب اوقات موزه‌های علمی و موزه‌های دانشگاهی همسان در نظر گرفته می‌شود و «هنر» به ندرت به عنوان موضوع موزه‌های دانشگاهی مورد توجه قرار می‌گیرد، چرا که عرصه‌های مستقل از علم و فراتر از دانش است. از نیمه قرن بیستم، موزه‌های هنر دانشگاهی با رویکرد معرفی فرهنگ و هنر جامعه، ابتدا به مردم همان سرزمین و سپس به گردشگران مناطق دیگر، فعالیت خود را در اغلب کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا آغاز کردند. این موزه‌ها تلاش می‌کنند تا اهداف

آموزشی و پژوهشی خود را از طریق برنامه‌های گوناگون معطوف به هنر محقق نمایند. در این نوشتار برخی از موزه‌های هنری وابسته به دانشگاه‌های معتبر جهان معرفی شده‌اند.

Abstract

University museums are very diverse in nature and function. A large category of them is considered as “identity museums”, due to their function in building the “brand identity” of universities. But a larger category of them is “knowledge-based” museums which are considered as part of the complementary educational and research process of universities. Museums can also play as a context for the connection between universities and the community.

The general perception in the Iranian universities is that the issue of “knowledge” and scientific subjects is an integral part of the concept of the university and university museums. As a result, science museums and university museums are often equated, and “art” is seldom considered as the subject of university museums because it is a field independent from science and beyond knowledge. From the middle of the twentieth century, university art museums, with the purpose of introducing the culture and art of the community, first to the local people and then to the tourists from other regions, began their activities in most Western countries, especially in the United States. These museums try to achieve their educational and research goals through different art-oriented activities. In this article, some of the art museums affiliated with the world’s reputable universities are introduced.

مقدمه:

موزه‌های دانشگاهی، دارای تنوع بسیار زیادی از جهت ماهیت و کارکرد هستند. گروه بزرگی از آنها را باید موزه‌های «هویتی» بدانیم که با نمایش تاریخچه، افتخارات، دستاوردها و رویکردهای دانشگاه، در خدمت ساخت «هویت برند» دانشگاه قرار دارند. اما گروه بزرگ‌تری از موزه‌های دانشگاهی «دانش‌محور» هستند و به مثابه بخشی از فرایند تکمیلی آموزش و پژوهش در دانشگاه در نظر گرفته می‌شوند. از این رو امروزه در سراسر دنیا موزه‌هایی با عنوان موزه‌های دانشگاهی تأسیس شده‌اند که رویکرد بیشتر آن‌ها آموزشی و تحقیقاتی است. این موزه‌ها با موضوعات تخصصی علوم پزشکی، زیست‌شناسی، زمین‌شناسی، تاریخ و غیره برای کمک به توسعه دانش تخصصی و ارائه منابع ضروری به دانشجویان، محققان و علاقه‌مندان

این حوزه‌ها تاسیس گردیده و در حال فعالیت‌اند. علاوه بر آن، موزه‌ها می‌توانند به‌عنوان بستر ارتباطی فضای دانشگاهی با جامعه عمل کنند. در نتیجه بسیاری از موزه‌های دانشگاهی، بسط گفتمان علمی در عرصه عمومی را به‌عنوان یکی از اهداف و وظایف اصلی خود قرار داده‌اند تا از مسیر موزه، فضای آموزشی جدیدی را برای تعامل دانشگاه با جامعه ایجاد کنند. بنابراین غیر از موزه‌های دانشگاهی کاملاً تخصصی، که زمینه‌ها و منابع علمی لازم را برای آموزش و پژوهش فراهم می‌کنند؛ گونه‌های دیگری از موزه‌های دانشگاهی در دانشگاه‌های معتبر جهان شکل گرفته که هدف عمده آن، ایجاد ارتباط میان فضای آکادمیک و جامعه از طریق آموزش‌های همگانی است.

تصور عمومی در فضای دانشگاهی ایران بر این است که مساله «دانش‌ا» و موضوعات علمی بخشی جدانشده از مفهوم دانشگاه و بالطبع موزه‌های دانشگاهی است در نتیجه، اغلب اوقات موزه‌های علمی و موزه‌های دانشگاهی همسان در نظر گرفته می‌شود. احتمالاً به دلیل رواج همین تفکر در کشور است که «هنر» به‌ندرت به‌عنوان موضوع موزه‌های دانشگاهی مورد توجه بوده است، چرا که عرصه‌ای مستقل از علم و فراتر از دانش است. در نتیجه، در حالی که در فهرست موزه‌های دانشگاهی عضو «یومک»^۲ لیست بلندبالایی از موزه‌های هنری؛ و موزه‌هایی با موضوع تاریخ هنر و موزه‌های هنرهای زیبا به چشم می‌خورد، در کشور ما تقریباً هیچ موزه دانشگاهی با موضوع «هنر» به صورت جدی فعال نیست. این نکته در حالی است که حدود ۱۰ دانشگاه جامع و بزرگ کشور دارای دانشکده‌های معتبر هنر و معماری هستند و ۴ دانشگاه تخصصی هنر نیز در تهران، اصفهان، تبریز و شیراز وجود دارد. نکته قابل توجه دیگر اینکه اغلب موزه‌های هنر دانشگاهی که در دانشگاه‌های معتبر تاسیس شده و در حال فعالیت هستند، الزاماً وابسته به دانشگاه‌ها یا دانشکده‌های تخصصی هنر نیستند؛ بلکه به‌عنوان بخشی از وظایف مسئولیت‌های نهاد علم نسبت به جامعه و فرهنگ تاسیس شده‌اند.

به‌طور مشخص، از نیمه قرن بیستم به این سو، موزه‌های هنر دانشگاهی با رویکرد معرفی فرهنگ و هنر جامعه، ابتدا به مردم همان سرزمین و سپس به گردشگرانی که از مناطق دیگر به آنجا می‌آمدند، فعالیت خود را در اغلب کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا آغاز کردند. بخش عمده گنجینه آثار هنری و مجموعه‌های این موزه‌ها از سوی هنرمندان و هنردوستان، به‌خصوص دانشجویان فارغ‌التحصیل همان دانشگاه اهدا شده و سپس دانشگاه‌ها به تکمیل این مجموعه‌های به‌شيوه‌های مختلف از جمله خرید، تبادل آثار یا امانت‌گیری بلندمدت اشیا از موزه‌های دیگر پرداختند. این

1. Archaeometry

2. UMAC, ICOM

موزه‌ها تلاش می‌کنند تا اهداف آموزشی و پژوهشی خود را از طریق برنامه‌هایی چون، برگزاری سمینارها، همایش، نمایشگاه‌های موقت، برگزاری کلاس‌های هنر مدارس در موزه، دعوت از هنرمندان معاصر به موزه و برگزاری جلسات بحث و گفت و گو محقق نمایند. به همین دلیل معمولاً این موزه‌ها در نزدیکی کتابخانه‌های دانشگاهی ساخته شده‌اند و بازدید از آن‌ها برای عموم نیز آزاد و رایگان است. در ادامه برخی از موزه‌های هنری وابسته به دانشگاه‌های معتبر جهان را معرفی می‌کنیم.



۱. موزه هنر دانشگاه پل و لولو هیلارد^۱

موزه هنر دانشگاه پل و لولو هیلارد واقع در لافایت^۲، لوئیزیانا^۳ و به نام پل و لولو هیلارد که ۵ میلیون دلار برای ساخت این ساختمان اهدا کردند، نامگذاری شده است. در سال ۱۹۶۴، موریس هیمن^۴، زمینی به مساحت سه هکتار به دانشگاه

اهدا کرد. در سال ۱۹۶۵، بنیاد LSU برنامه‌ریزی برای ساخت و بهره‌برداری از این مرکز را آغاز کرد. ساخت و ساز مرکز در آوریل ۱۹۶۷ آغاز شد و ساختمان در مارس ۱۹۶۸ به روی عموم باز شد.

ماموریت موزه هنر دانشگاه پل و لولو هیلارد هم خدمت به دانشجویان، اساتید و کارکنان دانشگاه لوئیزیانا در لافایت و هم غنی‌سازی زندگی ساکنان لوئیزیانا از طریق پرورش درک و قدردانی از هنرهای تجسمی است. موزه به دنبال دستیابی به این اهداف از طریق توسعه مجموعه و با سازماندهی و ارائه نمایشگاه‌های بزرگ و برنامه‌های مرتبط با نمایش آثار هنری از تمام دوره‌های تاریخی و تمام گوشه و کنار جهان است. چنین برنامه‌های متنوعی برای پاسخگویی به نیازهای آموزشی و فرهنگی جمعیت بسیار متنوع لوئیزیانا طراحی شده است. در سال ۲۰۰۴ با کمک ساکنان لافایت ساختمان جدید موزه افتتاح شد.

در سال ۲۰۱۰ اثری جعلی توسط شخصی که خود را به عنوان کشیش معرفی کرده بود به موزه اهدا شد که پس از آزمایشات مختلف و بررسی میکروسکوپی جعلی بودن آن معلوم گردید، این مسئله سبب شد تا موزه در سال ۲۰۱۲ تصمیم به برگزاری

1. Paul and Lulu Hilliard University Art Museum

2. Lafayette

3. Louisiana

4. Maurice Heymann

5. University of Southwestern Louisiana



نمایشگاهی با هدف پرداختن به موضوع جعل در هنر و آثار لندیس^۱، بگیرد. این موزه دارای ۹۰۰۰ فوت فضای نمایشگاهی و سه گالری اصلی است. مجموعه موزه هنر دانشگاه پل و لولو هیلارد شامل بیش از ۲۰۰۰ شی متعلق به قرن‌های ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۱ است. این آثار هنری آمریکایی، اروپایی

و آسیایی و همچنین اشیایی از آفریقا را به نمایش می‌گذارد. این مجموعه به‌ویژه بر هنرمندان فعال در لوئیزیانا ویا کسانی که بر فرهنگ لوئیزیانا تأثیر گذاشته‌اند تمرکز دارد:

• **مجموعه هنری بوتکین^۲**: دارای ۱۵۰ قطعه هنری رنگ روغن، پاستل و کلاژ از ۱۹۳۰ تا ۱۹۶۰

• **مجموعه چاپ ژاپنی ژاکلین هیمن کوهن**: بررسی تغییرات هنر ژاپن از اواخر قرن ۱۹ تا اوایل قرن ۲۰

• **مجموعه سیلویا و وارن لو از هنر بومی آمریکایی**: مجموعه‌ای از هنرهای عامیانه، که به آن هنر خودآموخته یا بومی نیز می‌گویند. که شامل آثار گرتروود مورگان، جیمز توماس، آیدا ریتنبرگ کوهمایر، سلطان راجرز، هنری ری کلارک، ولمون شارلهورن و بسیاری از هنرمندان فعال در امتداد ساحل خلیج می‌شود.

• **مجموعه لوئیزیانا: نقاشی‌ها، طراحی‌ها، چاپ‌ها، عکس‌ها و مجسمه‌های قرن ۱۹ تا ۲۱** توسط هنرمندانی با میراث لوئیزیانا. مثل کلمنتین هانت، جان مک کردی، رابرت راوشنبرگ، ویلیام مورلند، المور مورگان، جونیور، جورج رودریگ، هانت اسلونم، فرد داسپیت، مارگارت اوانجلین، کورا کلی وارد، کلاید کانل

• **مجموعه سفیر جفرسون کافری**: مجموعه‌ای از هنر مصر باستان، سال جمع‌آوری (۱۹۴۹-۱۹۵۵)

• **مجموعه نقاشی اروپا و آمریکا**: مجموعه‌ای روبه‌رشد از طریق کمک‌های سخاوتمندانه دبلیو ای گرووز^۳ و کمک‌های مداوم رابرت و جولی شلتون^۴، جورج و بتی جو نیوتن^۵، و الیزابت دوبوس بالدريج^۶ ایجاد می‌شود و آثار اهدایی اندی وار هول را نیز شامل می‌شود.

1. Landis

2. Henry Botkin

3. W. E. Groves

4. Robert and Jolie Shelton

5. George and Betty Jo Newton

6. Elizabeth Dubus Baldrige

۲. موزه هنر دانشگاه گریفیث^۱



موزه هنر دانشگاه گریفیث واقع در استرالیا متعهد به تحقیقات و آزمایشات نوآورانه است تا درک هنر و نقش آن در جامعه را تشویق کند. این مجموعه که در سال ۱۹۷۳ تأسیس شد، دو سال پس از تأسیس رسمی دانشگاه با خرید هتل شرقی دیوید رنکین^۲ (۱۹۷۲) شروع

به کار کرد. سال بعد یک صندوق کسب آثار هنری که به جمع آوری آثار هنری برای ارتقای محوطه جدید دانشگاه کمک می‌کرد، توسط رابین گیبسون^۳ طراحی شد. موزه نمایشگاه‌ها، برنامه‌های آموزشی و عمومی را برای ارائه لذت و تشویق به تحقیق و آزمایش و در عین حال ساخت و نگهداری مجموعه هنری دانشگاه برای نسل‌های آینده برگزار می‌کند. این موزه، یادگیری فعال در مورد هنر و فرآیند خلاقیت را از طریق تحقیق، تدریس، انتشار و گفت‌وگو در میان جوامع دانشجویان دانشگاه گریفیث، اساتید، هنرمندان، دانش‌آموختگان و عموم مردم تحریک می‌کند.

مجموعه هنری دانشگاه گریفیث شامل طیف متنوعی از آثار، از جمله نقاشی، مجسمه‌سازی، آثار روی کاغذ، چاپ صفحه، پوستره‌های فعال و برجسته‌ترین مجموعه‌ای از هنرهای ویدئویی استرالیایی اولیه است.

از زمان تأسیس، مجموعه تعهدی قوی به جمع‌آوری آثار هنرمندان معاصر استرالیا و آسیا پاسیفیک داشته است که آثارشان با بحث‌هایی در حوزه جامعه گسترده‌تر و شیوه‌های هنری مرتبط است و از هنرمندان نوظهور و همچنین هنرمندان برجسته حمایت می‌کند.

این موزه در راستای ارتقای بازدید از کلکسیون‌های موزه در شرایط کرونایی تقریباً امکان بازدید آنلاین از تمامی این کلکسیون‌ها را برای مخاطب فراهم نموده است. کلکسیون‌های مجموعه شامل موارد زیر می‌شود:

- **هنر بومی استرالیا معاصر:** آثاری از ورنون آه کی، تونی آلبرت، تروی-آنتونی بیلیس، بروک اندرو، ریچارد بل، دیکن سرنوشت، کارلا دیکنز، فیونا فولی، دیل هاردینگ، گوردون هوکی، تریسی موفات، گلوریا پتیار، کاتلین پتیار و جودی واتسون
- **تصویر و صدای متحرک^۴:** دانشگاه گریفیث یکی از جامع‌ترین مجموعه‌های ویدیوآرت

1. Griffith university art museum
2. David Rankin's Oriental Hotel
3. Robin Gibson
4. MOVING IMAGE AND SOUND

استرالیایی را در این کشور دارد. این مجموعه با بیش از ۱۳۰ اثر از سال ۱۹۶۷ تا به امروز، شامل آثار متحرک از متخصصان ویدیویی استرالیایی از جمله جوان براسیل، وارن برت، پیتر کالاس، باربارا کمپبل، لیندا دمنت، دیوید پری، راندلی (رابرت راندال و فرانک بندیلی)، آلبی تامز، جفری ویری و همچنین مستنداتی از آثار هنرمندان مهم اجرایی استرالیایی از جمله جیل اور، مایک پار، استلارک، و آرتور ویکس است.

• **پوسترهای سیاسی:** از جمله پوسترهای مربوط به رویدادهای سیاسی، اجتماعی و موسیقی، آثار موجود در مجموعه پوستر تاریخ‌های اجتماعی مهم محلی را مستند می‌کنند.



• **هدیه لین و گوردون بنت:** آثار گرافیکی و رسانه‌های چاپی روی کاغذ توسط گوردون بنت^۱ فکید (۱۹۵۵-۲۰۱۴)

• **هدیه دکتر پل الیادیس^۲:** ۷۵ تابلو

• **لی جی هاروی^۳ و مدرسه هاروی:** آثار سفالی

• **فارغ التحصیلان^۴ ACQ**

آرشیو موزه هنر دانشگاه گریفیث در دسترس دانشجویان، کارکنان، محققان و اعضای جامعه

برای ارائه مدیریت دارایی‌های فرهنگی و خدمات سرپرستی و تحقیقاتی است.

۳. موزه هنر اسکنازی^۵

موزه هنر اسکنازی در دانشگاه ایندیانا^۶ آمریکا در سال ۱۹۴۱ در یک فضای گالری در تالار میچل افتتاح شد و در سال ۱۹۶۲ به فضای گالری در ساختمان تازه ساخته هنرهای زیبا در محوطه دانشگاه، درست در کنار سالن قبلی، منتقل شد. ساختمان موزه کنونی توسط آی ام پی و شرکا^۷ طراحی و این فضا که در سال ۱۹۸۲ تکمیل شد، دارای سه گالری برای مجموعه‌های دائمی و یک گالری برای نمایشگاه‌های ویژه است. مجموعه موزه شامل تقریباً ۴۵۰۰۰ شی است که حدود ۱۴۰۰ مورد آن به نمایش گذاشته شده است. این مجموعه شامل مواردی از جواهرات باستانی تا نقاشی‌های پابلو پیکاسو و جکسون پولاک است. در ماه مه ۲۰۱۶، پس از اعلام بزرگترین هدیه

1. Gordon Bennett

2. Dr Paul Eliadis

3. L.J. Harvey

4. Queensland College of Art

5. Eskenazi Museum of Art

6. Eskenazi Museum of Art at Indiana University

7. I.M. Pei and Partners



نقدی در تاریخ موزه، موزه به افتخار نیکوکاران مستقر در ایندیاناپولیس، سیدنی و لوئیس اسکنازی، به موزه هنر سیدنی و لوئیس اسکنازی تغییر نام داد. این موزه در محوطه دانشگاه بلومینگتون^۱ واقع شده است.

هدف گالری مرکز هنر: آوردن نمایشگاه‌های

موقت امانتی به محوطه دانشگاه تا دانش‌آموزان فرصتی برای مطالعه و دیدن آثار هنری اصلی داشته باشند. نمونه‌هایی از شخصیت‌های متنوع به این گالری آورده می‌شود تا جنبه‌های متعدد هنر را در گذشته و حال نشان دهد.

سه گالری دائمی عبارتند از: گالری هنر جهان غرب، هنرهای آسیا و دنیای غرب باستان و گالری هنرهای آفریقا، اقیانوس آرام جنوبی و آمریکای ریموند و لورا ویگلوس^۲. در گالری هنر آسیا و دنیای غرب باستان موزه، چینی‌های باستانی چینی، نقاشی‌های ژاپنی، گلدان‌های کلاسیک یونانی، رومی و اتروسکی، برنرها و موزاییک‌ها به نمایش گذاشته شده است. مجموعه جواهرات باستانی برتون وای بری از ۵۰۰۰ قطعه از سراسر جهان باستان تشکیل شده است. آثاری از اکسپرسیونیست‌های آلمانی و اتریشی، آگوست ماکه، ارنست لودویگ کرشنر، الکسی فون جاولنسکی، ماکس بکمان و امیل نولده، همراه با استادان اولیه مدرن اروپایی و آمریکایی مانند فرنان لژر، مارسل دوشان، ژرژ براک و کرت شوپترز، هنرمندان آبستره آمریکایی مانند استوارت دیویس، فرانک استلا و جوزف کورنل نیز در مجموعه موزه حضور دارند. مجموعه آثار روی کاغذ شامل آثار عمده آلبرشت دورر، رامبراند، ون راین و فرانسیسکو گویا و مجموعه عکاسی شامل آرشیو هنری هلمز اسمیت و آرت سینساباگ است.

همچنین نقاشی‌های استادان قدیمی اروپایی از نیکولو دی بووناکورسو، آپولونیو دی جووانی، تادئو گادی، ویتوره کریولی، فیلیپه ویگاری، جرارد تربورخ بزرگ، امانوئل دو ویت، برناردو استروزی، و ژان لوئیس لنوویل و دیگران وجود دارد. همچنین نقاشی‌های اروپایی قرن نوزدهمی از ژان لئون ژروم، چارلز داوبینی، گوستاو کایلبوت ("پر، اثر باران") و کلود مونه ("بندر آرژانتیول") در میان دیگران وجود دارد.

آموزش: تورهای رایگان، سخنرانی‌های موضوعی توسط اساتید و دانشجویان، نمایشگاه‌های یک ساعته، برنامه‌های آموزشی برای مدارس همراه با تورهای مبتنی بر برنامه‌های درسی برای دانشجویان.

1. Indiana University Bloomington
2. Raymond and Laura Wiegus



۴. موزه هنر دانشگاه پرینستون^۱

موزه هنر دانشگاه پرینستون (PUAM) گالری هنر دانشگاه پرینستون است که در پرینستون، نیوجرسی^۲ واقع شده است در سال ۱۸۸۲ تأسیس شد و اکنون

بیش از ۹۲۰۰۰ اثر هنری از دوران باستان تا دوره معاصر را در خود جای داده است. موزه هنر دانشگاه پرینستون خود را وقف حمایت و تقویت اهداف دانشگاه در زمینه تدریس، تحقیق و خدمات در زمینه‌های هنر و فرهنگ و همچنین خدمت به جوامع منطقه‌ای و بازدیدکنندگان از سراسر جهان می‌کند. مجموعه‌های آن در منطقه مدیترانه، اروپای غربی، چین، ایالات متحده و آمریکای لاتین متمرکز شده است. این موزه دارای مجموعه بزرگی از آثار باستانی یونانی و رومی از جمله سرامیک، سنگ مرمر، برنز و موزاییک‌های رومی از کاوش‌های دانشگاه پرینستون در انطاکیه^۳ است. اروپای قرون وسطی با مجسمه‌سازی، فلزکاری و شیشه‌های رنگی نشان داده شده است. مجموعه نقاشی‌های اروپای غربی شامل نمونه‌هایی از اوایل رنسانس تا قرن نوزدهم و مجموعه‌ای رو به رشد از هنرهای قرن بیستم و معاصر را در خود جای داده است. هولدینگ‌های عکاسی نقطه قوت خاصی هستند که از اختراع داگروتاایپ^۴ در سال ۱۸۳۹ تا کنون بیش از ۲۷۰۰۰ اثر را شامل می‌شود. این موزه همچنین به‌خاطر گالری هنر آسیایی‌اش که شامل مجموعه‌ای از خوشنویسی چینی، نقاشی، آثار برنزی باستانی و کنده‌کاری‌های یشم مورد توجه است. این موزه علاوه بر مجموعه‌های خود، نمایشگاه‌های موقتی منظمی را با آثاری از دارایی‌های خود و همچنین آثار قرضی که از مجموعه‌های دولتی و خصوصی در سراسر جهان دریافت می‌کند، برگزار می‌کند و ورود برای عموم نیز رایگان است.

ایجاد موزه هنر به معنای رسمی‌تر تحت رهبری جیمز مک کوش^۵، که به عنوان رئیس کالج نیوجرسی از ۱۸۶۸-۱۸۸۸ خدمت کرد، انجام شد.

موزه هنر دانشگاه پرینستون دانشجویان دانشگاه پرینستون و اعضای گروه‌های مختلف محلی، ملی و بین‌المللی را از طریق قرار گرفتن در معرض دنیای هنر آموزش می‌دهد، به چالش می‌کشد و الهام می‌بخشد. موزه با پیوند دانش جدید و مبتنی بر شی با دسترسی گسترده، آرامش می‌بخشد و ذهن را تحریک می‌کند، معانی پذیرفته

1. Princeton University Art Museum

2. Province of New Jersey

3. Antioch

4. daguerreotype

5. James McCosh

شده را تأیید و معانی جدید را پیشنهاد می‌کند و تخیل را بر می‌انگیزاند. این موزه که از نظر مقیاس گستره وسیعی دارد، فرصت‌هایی را برای کاوش عمیق در مطالعه هنر و فرهنگ ارائه می‌دهد، تجربه‌ای احیا کننده از آثار هنری خارق‌العاده ارائه می‌دهد، و به عنوان کتابخانه‌ای از منابع بصری بهره برده و دروازه‌ای به منابع فکری دانشگاه ایجاد می‌کند.

این موزه شامل کلکسیون‌هایی به نام‌های، هنر آفریقا، هنر آمریکا، هنر باستانی، بیزانسی و اسلامی، هنر پیش از کلمبیا، هنر آسیایی و مجموعه‌های هنر اروپایی، هنر مدرن و معاصر، عکاسی، چاپ و طراحی و مجموعه‌های خصوصی با وام بلند مدت شامل، مجموعه هنری و رز پرلمن^۱ می‌باشد.



۵. موزه هنر دانشگاه میامی^۲

موزه هنر دانشگاه میامی یک موزه هنری عمومی است که در محوطه دانشگاه میامی در آکسفورد، اوهایو واقع شده است. ساخت موزه هنر دانشگاه میامی با کمک‌های خصوصی به کمپین اهداف دانشگاه میامی برای غنی‌سازی سرمایه در اواسط دهه ۱۹۷۰ امکان‌پذیر شد.

هدیه بزرگی برای این ساختمان به عنوان وصیتی از یکی از فارغ التحصیلان دانشگاه میامی، فرد سی. یاگر^۳، (۱۹۱۴)، دریافت شد و والتر آی. فارمر^۴، (۱۹۳۵)، سخاوتمندانه مجموعه‌های هنری گسترده‌ای را به موزه اهدا کرد که در توسعه آن مؤثر بود. این موزه که در سال ۱۹۷۸ تکمیل شد، توسط معمار والتر نتچ^۵ در شیکاگو طراحی شد. این ساختمان در زمینی به مساحت سه هکتار قرار دارد و دارای پنج گالری است که شامل حدود ۱۶۰۰۰ اثر هنری می‌شود.

موزه هنر دانشگاه میامی نقش فعالی را در زندگی فرهنگی کلی منطقه جنوب غربی اوهایو دنبال می‌کند و اهداف دوگانه ارتباط عمومی و همکاری دانشگاهی را در راستای همسویی با دامنه وسیع دانشگاهی که بر آموزش لیبرال تأکید دارد، به رسمیت می‌شناسد.

1. Henry and Rose Pearlman Collection
2. Miami University Art Museum
3. Fred C. Yager
4. Walter I. Farmer
5. Walter Netch

موزه هنر دانشگاه میامی از طریق حفظ، ارائه و برنامه‌ریزی عمومی انواع هنرهای بصری در همه اشکال، به عنوان یک رهبر منطقه‌ای در غنی‌سازی آموزشی و فرهنگی دانشگاه میامی و جوامع جنوب غربی اوهایو عمل می‌کند.

ماموریت‌های موزه:

- به عنوان یک موزه آموزشی خدمت می‌کند که درمورد فرهنگ بصری گفتگو می‌کند.
- حفظ و گسترش یک مجموعه دائمی قوی؛
- شناسایی و تجلیل از تنوع هنری و فرهنگی جهانی از طریق نمایش، مطالعه، انتشار و برنامه‌های آموزشی.



۶. موزه هنر دانشگاه ایالتی آریزونا^۱

موزه هنر دانشگاه ایالتی آریزونا یک موزه هنری است که توسط دانشگاه ایالتی آریزونا^۲ اداره می‌شود. موزه هنر حدود ۱۲۰۰۰ شی در مجموعه دائمی خود دارد و در سال ۱۹۵۰، اولیور بی جیمز^۳، وکیل برجسته فینیکس^۴، ۱۶ نقاشی رنگ روغن از هنرمندان

آمریکایی را به ASU^۵ هدیه داد. طی پنج سال، جیمز بیش از ۱۴۹ اثر از هنرمندان مختلف آمریکایی، مکزیکی و اروپایی را به موزه اهدا کرد. این مجموعه در ابتدا در میان پشته‌های اولین ساختمان کتابخانه دانشگاه، کتابخانه متیوز^۶ قرار گرفت. ساختمان نئوکلاسیک در سال ۱۹۳۰ ساخته شد و در سال ۱۹۵۱ بازسازی شد. کتابخانه در سال ۱۹۵۵ گسترش یافت، اما در سال ۱۹۶۶، با افزایش فضای کتابخانه از مجموعه دانشگاه، کتابخانه متیوز بسته شد و این مجموعه به کتابخانه دانشگاه منتقل شد.

آثار هنر معاصر که در موزه نگهداری می‌شود شامل آثاری از هانگ لیو، کارل آپل، درک بوشیر، دبورا باترفیلد، سو کو، دن کالینز، ورنون فیشر، جان هادوک، ویلیام کنتریج، لین ام. راندولف، فرانسیس وایتهد و ویلیام تی است.

تمرکز هنر موزه هنر ASU در آمریکای لاتین بر هنر مکزیکی از قرن بیستم، سرامیک

1. Arizona State University Art Museum
2. Arizona State University
3. Oliver B. James
4. Phoenix
5. Arizona State University
6. Matthews Library

مکزیک و هنر عامیانه و هنر معاصر کوبا است. آثاری از هنرمندان مکزیکی که بعداً به دست آمد شامل آثاری از کارلوس مریدا، لئونل گونگورا، رافائل و پدرو کورنل می‌شود. خوزه گوادلوپ پوسادا، لئوپولدو مندز و غیره، همچنین قطعاتی از هنرمندان برزیلی تیاگو کارنیرو دا کونا، افراین آلمیدا و اسکار اویوا را به دست آورده است. آثار آمریکایی یکی از کوچک‌ترین مجموعه‌های موزه هنر ASU را تشکیل می‌دهند. جدیدترین آثار از مدرنیست‌های قرن بیستم، از جمله چارلز دموت، یاسو کونیوشی و استوارت دیویس را به نمایش گذاشته است. از جمله دارایی‌های موجود در مجموعه آمریکایی، نقاشی‌های منظره رمانتیک قرن نوزدهم از قرن نوزدهم، آثار مدرسه Ash Can، و پرتره‌ها، از جمله خانم استفان پیبادی (۱۸۰۹) اثر گیلبرت استوارت، جمجمه اسب جورجیا اوکیف در آبی (۱۹۳۰) را در خود جای داده است. مجموعه‌های چاپی موجود در موزه هنر ASU شامل حدود ۵۰۰۰ اثر است که در اتاق مطالعه چاپ جول هلر^۱ نگهداری می‌شود. این مجموعه چاپی موزه به مسائل اجتماعی و سیاسی می‌پردازد. آثاری از ویلیام هوگارت، آنوره داومیر، فرانسیسکو گویا، خوزه گوادلوپ پوسادا، لئوپولدو مندز و فرانچس توریس از جمله این آثار هستند. این مجموعه شامل حدود ۵۰ اثر چاپی و کاغذی از هنرمندان معاصر کوبایی و ۱۲۳ سنگ نگاره و سنگ نگاره از سو کو^۲ است. مجموعه چاپی همچنین شامل نمونه‌هایی از ukiyo-e ژاپنی است.

مجموعه سرامیک‌های موزه شامل حدود ۳۵۰۰ قطعه است که شامل آثاری از پیتر واندنبرگ، مرلین لوین، ریچارد شاو، لنیر میدرز، کلایتون بیلی، تانیا باتورا، تیپ تولاند، هنری وارنوم پور، ویولا فری، رابرت آرنسون، جک ارل، مایکل لوسرو، استفن دی استابلر، دارین هالول، رابرت دیوید هستند.

۷. موزه هنر دانشگاه فیرفیلد^۳:

موزه هنر دانشگاه فیرفیلد آمریکا به عنوان موزه هنر بلارمین در اکتبر ۲۰۱۰ افتتاح شد. این ساختمان با هزینه ۳/۲ میلیون دلار ساخته شد و توسط معماران و برنامه ریزان سنتربروک^۴ طراحی شد. گالری اصلی موزه، گالری فرانک و کلارا مدیتز^۵، به افتخار والدین اهداکننده اصلی پروژه، جان مدیتز^۶ نامگذاری شده است.

1. Joel Heller Print Study Room
2. Sue Coe
3. Fairfield University Museum of Art
4. Centerbrook
5. Frank and Clara Meditz
6. John Meditz '70



این موزه دارای آثار کلاسیک، قرون وسطی، رنسانس، باروک، سلطیک^۱ و آسیایی در سه گالری مجزا به مساحت ۲۵۰ متر مربع است.

گالری مدیتز، که در پلان شبیه یک کلیسای اولیه مسیحی است، ده نقاشی از دوره رنسانس و باروک ایتالیا را به نمایش می‌گذارد.

سالن ورودی موزه حاوی آثار برجسته از مجموعه گچ‌بری‌های دانشگاه، از روم باستان و یونان است (از جمله هشت مورد که اخیراً توسط موزه آکروپولیس در آتن به دانشگاه اهدا شده است). گالری‌های اضافی در موزه مجموعه‌ای از مصنوعات هنری غیر غربی (از جمله ظروف پیش از کلمبیا، مجسمه‌های آسیای جنوب شرقی قرن نوزدهم و ماسک‌های آفریقایی) را به همراه قطعاتی از دوره سلطیک، بیزانس، قرون وسطی و رومی در امانت دارند. نمایشگاه‌های ویژه‌ای که در سال‌های اخیر ارائه شده است شامل آثاری از استاد هنر دکو، هیلدرث مایر، طراحی‌ها و نقاشی‌های فرانسوی از مجموعه هورویتز، طراحی‌های دفتری از سرخپوستان دشت‌ها، تصاویر منهتن توسط آدولف دهن، نمایشگاهی نوآورانه در مورد «مو» است. این نمایشگاه شامل شش اثر از موزه کلیسای گسو^۲ از جمله مجسمه نیم تنه برنینی کاردینال روبرتو بلارمینو، قدیس حامی دانشگاه فیرفیلد می‌شوند، که تا به آن زمان هرگز رم را ترک نکرده بودند.

گالری والش^۳ که توسط موزه برای نمایشگاه‌های هنر مدرن و معاصر استفاده می‌شود. نمایشگاه‌های اخیر شامل مجسمه‌های رودن، چاپ‌های ویلیام کنتریج، نقاشی گذشته‌نگر ریچارد لیتل، نقاشی‌های لئوناردو کرمونینی از مجموعه بنیاد ویلیام لوئیس دریفوس، طراحی‌ها و مجسمه‌های دان گامر، و آثاری از دختران چریک است.

در سال ۲۰۱۷، موزه هنر دانشگاه فیرفیلد یک هدیه استثنایی از بیش از ۱۲۰۰ چاپ از هنرمند، مجموعه‌دار و چاپگر چیره‌دست جیمز رید^۴ دریافت کرد که شامل آثاری از برخی از هنرمندان برجسته قرن نوزدهم فرانسه، از جمله تئودور ژریکو،

1. Celtic
2. Gesu
3. Walsh Gallery
4. James Reed

اوژن دلاکروا، آنوره داومیه، ادوار مانه، اودیلون ردون، موریس دنیس و هانری فانتین لاتور است. علاوه بر این، این مجموعه شامل حکاکی‌ها و نقش‌های چوبی هنرمندان اروپای شمالی مانند مارتین دو ووس و یوست امان و همچنین گروهی از نقوش چوبی و سنگ نگاره‌های اکسپرسیونیست آلمانی توسط هنرمندانی مانند ارنست لودویگ کرشنر و ماکس بکمن است. جدیدترین آثار اضافه شده به این مجموعه عمدتاً چاپ‌های معاصر آمریکایی توسط هنرمندانی مانند جوزف آلبرز، جیم دین، ریچارد هاس، جاسپر جانز، کلاس اولدنبرگ و همچنین آثار هنرمندان کانکتیکات است که توسط رید در استودیوی مایل استون گرافیکش چاپ شده‌اند.



۸. موزه هنر دانشگاه ییل^۱

مرکز هنر بریتانیایی ییل در دانشگاه ییل در سال ۱۹۶۶ در مرکز شهر نیوهون^۲، بزرگترین و جامع‌ترین مجموعه هنر بریتانیا را در خود جای داده است. مجموعه‌ای از نقاشی‌ها، مجسمه‌ها،

طراحی‌ها، چاپ‌ها، کتاب‌های کمیاب و دست‌نوشته‌ها نشان‌دهنده پیشرفت هنر و فرهنگ بریتانیا از دوره الیزابت به بعد است.

این مرکز چهار طبقه‌ای برنامه‌ای در طول سال از نمایشگاه‌ها و برنامه‌های آموزشی، از جمله فیلم، کنسرت، سخنرانی، تور، سمپوزیوم و برنامه‌های خانوادگی ارائه می‌دهد. همچنین فرصت‌های متعددی برای تحقیقات علمی از جمله بورسیه‌های تحصیلی فراهم می‌کند. منابع دانشگاهی مرکز شامل کتابخانه مرجع (۴۰۰۰۰ جلد) و آرشیو عکس، آزمایشگاه‌های حفاظت و اتاق مطالعه برای بررسی آثار روی کاغذ از مجموعه است و شش روز در هفته بازدید از آن برای عموم آزاد است.

این موزه دارای مجموعه‌ای شامل نزدیک به ۲۰۰۰ نقاشی و ۲۰۰ مجسمه است. همچنین دارای آثار هنرمندانی از اروپا و آمریکای شمالی است که در بریتانیا زندگی و کار می‌کردند که عبارتند از هانس هولبین، پیترو پل روبنس، آنتونی ون دایک، کانالتو، یوهان زوفانی، جان سینگلتون کوپلی، بنجامین وست، و جیمز مک نیل ویستلر. کلکسیون‌های این موزه شامل، پرتره‌های گروهی کوچک، نقاشی‌های منظره، ورزشی، حیوانات، صحنه‌هایی از نمایشنامه‌های شکسپیر و پرتره‌های بازیگران می‌باشد.

1. Yale university museum of art

2. New Haven

مجموعه‌ای از ۲۰۰۰۰ طراحی و آبرنگ و ۳۱۰۰۰ طرح چاپی، هنرهای ورزشی و طراحی‌های فیگور بریتانیا را نشان می‌دهد، که شامل آثاری از هوگارت، پل سندبی، توماس رولندسون، ویلیام بلیک، جان کنستبل، ساموئل پالمر، ریچارد پارکس بونینگتون، جان راسکین، جی ام دبلیو ترنر، والتر سیکرت، دانکن گرانت، پل نش، ادوارد بورا، استنلی اسپنسر، آگوستوس جان، گوئن است. جان، و پیش رافائلیان می‌شود. همچنین آثار مجسمه‌سازی از جمله لویی فرانسوا روبیلیاک، جوزف نولکنز، فرانسیس چانتری، ژاکوب اپشتاین و هنری مور در اینجا به نمایش گذاشته شده است.

مجموعه کتاب‌ها و نسخه‌های خطی کمیاب مرکز شامل ۳۵۰۰۰ جلد است که شامل نقشه‌ها، اطلس‌ها، کتاب‌های ورزشی، و مطالب آرشیوی هنرمندان بریتانیایی می‌شود. این مجموعه همچنین شامل مجموعه کاملی از انتشارات مطبوعات کلمسکوت^۱ اثر ویلیام موریس^۲ و همچنین مجموعه رو به رشدی از کتاب‌های هنرمندان معاصر است. هسته مجموعه کتاب‌های مصور ۲۰۰۰ جلدی که زندگی، آداب و رسوم، مناظر و سفر بریتانیا را در این دوره توصیف می‌کند.



۹. موزه هنر دانشگاه آلبانی^۳

دانشگاه هنر آلبانی، که قبلاً به نام آکادمی هنر شناخته می‌شد، یک دانشگاه دولتی است که آموزش عالی هنر را در آلبانی ارائه می‌دهد. این مؤسسه در سال ۱۹۶۶ به عنوان مؤسسه عالی هنر تأسیس شد

و سه مؤسسه هنری کنسرواتوار دولتی تیرانا^۴، مدرسه عالی هنرهای زیبا و دبیرستان بازیگران «الکساندر مویسیو»^۵ را با هم ادغام کرد. این مؤسسه با توجه به اینکه آلبانی و روسیه در دوران کمونیسم روابط نزدیکی داشتند، توانست از سنت روسی در موسیقی کلاسیک و باله استفاده کند. این مدرسه همچنان با مدرسه باله و موسیقی کلاسیک روسیه ارتباط دارد. در سال ۱۹۹۱، مؤسسه عالی هنر به سطح دانشگاه ارتقا یافت و به فرهنگستان هنر تغییر نام داد. در ۱۲ اکتبر ۲۰۰۹، رئیس

1. Kelmscott Press

2. William Morris

3. university of Albania museum of arts

4. Tirana State Conservatory

5. High School for Actors "Aleksander Moisiu"

جمهور آلبانی، بامیر توپی، نشان استاد بزرگ را به آکادمی هنر اعطا کرد. امروزه گالری ملی بیش از ۵۰۰۰ اثر هنری را حفظ و نگهداری می‌کند. علاوه بر مجموعه دائمی که بر هنر رئالیسم سوسیالیستی متمرکز است، هنرمندان مشهور آلبانیایی و هنرمندان بین‌المللی بخشی مهمی از نمایشگاه‌های مختلف گالری را می‌سازند. یکی از سیاست‌های مهم فعالیت‌های موزه نیز برنامه‌های آموزشی است که کودکان و دانش‌آموزان زیادی در آن شرکت می‌کنند.



۱۰. موزه هنر دانشگاه توکیو^۱

خاستگاه مجموعه هنری دانشگاه هنر توکیو به سال ۱۸۸۷ باز می‌گردد، قبل از تأسیس موزه، مدرسه هنرهای زیبای توکیو نام داشت. این مجموعه در حال حاضر شامل بیش از ۲۸۰۰۰ اثر است. این مواد هنری در ابتدا با نام بونکو^۲ (مجموعه کتابخانه‌ها) شناخته و در

کتابخانه دانشگاه نگهداری می‌شدند. در سال ۱۹۴۹، دانشکده هنرهای زیبای توکیو با مدرسه موسیقی توکیو ادغام شد و دانشگاه هنر توکیو را تشکیل داد. حتی پس از ادغام، مجموعه هنری توسط کتابخانه دانشگاه مدیریت می‌شد و همواره بخش مهمی از آموزش و پژوهش هنر در دانشگاه بوده است.

موزه هنر دانشگاه اکنون با گردآوری و انجام تحقیقات در مورد آثار هنری و مواد مرتبط ارزش جدیدی ایجاد می‌کند. این مجموعه دارای ۳۰۰۰۰ اثر هنری است. علاوه بر این، موزه از امن‌ترین روش‌های ممکن برای حفظ مواد برای استفاده در آینده استفاده می‌کند. این موزه نتایج تحقیقات هنری انجام شده را از طریق فعالیت‌های تبلیغاتی به اطلاع عموم می‌رساند. این فعالیت‌ها هسته عملیات موزه هنر دانشگاه را تشکیل می‌دهند. علاوه بر این، موزه هنر دانشگاه توکیو تلاش می‌کند تا به عنوان یک موزه هنر تجربی عمل کند که در ژاپن بی‌سابقه است. ویژگی‌های ذاتی دانشگاه هنر، محیط منحصر به فردی را فراهم می‌کند که در آن تولید، آموزش و پژوهش می‌تواند رشد کند.

یکی از مهم‌ترین مقوله‌ها در این موزه «آثار دانشجویی» است. مدرسه هنرهای زیبای توکیو از زمان تأسیس شروع به جمع‌آوری آثار دانشجویی کرد، که شامل آثار

1. Tokyo university of arts museum

2. Bunko

معمولی ایجاد شده در برنامه درسی، و قطعات عالی خریداری شده در میان آثار فارغ التحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد است. مجموعه سلف پرتوهای شناخته شده از نقاشی رنگ روغن در این دسته گنجانده شده است. جمع‌آوری این مجموعه‌ها برای تاریخ هنر مدرن و معاصر ژاپن لازم است زیرا روزی این دانش آموزان به استادان بزرگ تبدیل خواهند شدند.

منابع:

1. https://www.tripadvisor.com/Attraction_Review-g40261-d8004620-Reviews-Paul_and_Lulu_Hilliard_University_Art_Museum-Lafayette_Lafayette_Parish_Louisiana.html
2. <http://umac.icom.museum/collection-of-the-month-paul-and-lulu-hilliard-university-art-museum/>
3. https://en.wikipedia.org/wiki/Paul_and_Lulu_Hilliard_University_Art_Museum
4. <http://umac.icom.museum/>
5. <https://www.griffith.edu.au/art-museum/about>
6. <https://www.griffith.edu.au/art-museum/collection>
7. https://en.wikipedia.org/wiki/Eskenazi_Museum_of_Art
8. https://en.wikipedia.org/wiki/Princeton_University_Art_Museum
9. <https://artmuseum.princeton.edu/about>
10. <https://www.miamioh.edu/cca/art-museum/about/index.html>
11. https://en.wikipedia.org/wiki/Miami_University_Art_Museum
12. https://en.wikipedia.org/wiki/Arizona_State_University_Art_Museum
13. https://en.wikipedia.org/wiki/Fairfield_University_Art_Museum
14. https://en.wikipedia.org/wiki/Yale_Center_for_British_Art
15. https://en.wikipedia.org/wiki/University_of_Arts,_Tirana
16. <https://www.geidai.ac.jp/english/facilities/the-university-art-museum>
17. https://www.geidai.ac.jp/museum/collection/collection_en.ht

فرهنگ‌موزن

Farhang-e Muze

E. Quarterly Journal of Museum Curatorship

Autumn & Winter 2022

فصلنامه الکترونیکی تخصصی موزه‌داری

دوره جدید ■ شماره پیاپی ۲۸
پاییز و زمستان ۱۴۰۰

@farhange.muze

farhange.muze